

سوره سینما

ماہنامہ داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره هشتم مهرماه ۱۳۹۶

نگاہ شاعرانه یک فیلم ساز به عاشورا

حمزه زاده:

به اکران فیلم خارجے فکر مے کنیم

افتتاح رسمی سینما آزادی بیجار

ارتباط فروش آثار مفرح با سطح سلیقه مردم

کربلا

جغرافیای یک تاریخ

Karbala

The Giography
of the History

تهیه کننده: بهروز مفید

MUSIC BY: MAJID ENTEZAMI

مدیر فیلم برداری: محمد علیقلی زاده

PRODUCTION DESIGNER: MOHAMMAD ALIGHOLI ZADEH

VISUAL EFFECT: HASSAN PELEVAR

محصول: سازمان توسعه سینمایی سوره



نویسنده و کارگردان: داریوش یاری

DIRECTED BY: DARYOUSH YARI

راوی: شهاب حسینی

NARRATOR: SHAHAB HOSSEINI

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.





سوره سینما

خبرنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره هشتم مهر ماه ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرشد رمضان

تحریریه: محیا رضایی، مریم اکبرلو
ابوالفضل ذوالفقاری، امید عشیری، راحله
خدامی، نرگس ساجد

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع
با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام،
محمد علی حیدری.

تلفن: ۸۸۸۰۹۵۰۷-۸۸۹۱۸۱۲۸

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://www.t.me/sourehcinema)

«کانال تلگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://www.t.me/sourehcinema)



۴



۱۶



۲۲



۱۶



۳۲



۲۸



۲۸

چگونه چراغ سینما را روشن نگه داریم؟

فصل پاییز با توجه به آغاز فصل مدارس، کوتاه‌شدن روزها و سرمای هوا فصلی حساس در اکران فیلم‌ها در سینماها است.

آنچه مدیریت در اکران را به موضوعی مهم تبدیل کرده، تغییر فضا و فصل‌های اکران است. نمی‌توان همان طور که برای اکران نوروز برنامه ریزی می‌شود، فصل اکران تابستان و یا عید فطر را مدیریت کرد. توجه به شرایط اجتماعی، خواسته عمومی و چینش فیلم‌های روی پرده موضوع جذب مخاطب را به یک چالش اساسی برای هر پخش‌کننده و مدیر سینما تبدیل می‌کند.

آنچه مشخص و بارها تجربه شده است، این نکته است که تعداد آثار پرفروش سینمای ایران بسیار محدود و گاه کمتر از ۱۰ فیلم است که می‌توانند در رده فیلم‌هایی قرار بگیرند که هزینه تولیدشان را بر می‌گردانند و به سوددهی می‌رسند. تعدادی از این فیلم‌ها در شرایطی ویژه روی پرده می‌روند و حمایت تبلیغاتی گسترده‌ای دارند اما بسیاری از فیلم‌ها، زمان مناسب برای نمایش پیدا نمی‌کنند. برنامه ریزی برای تبلیغ و معرفی آنها کامل و جامع نیست و حتی بسیاری از مخاطبان از زمان نمایش این آثار مطلع نمی‌شوند.

با ورود به نیمه دوم سال، مشکلاتی متعدد گریبان سینمادارها را می‌گیرد. کوتاه‌شدن روزها، سرد شدن هوا در برخی از مناطق کشور و آغاز فصل تحصیل بخشی از مخاطبان سینماها را از فیلم دیدن منصرف می‌کند. اما تجربه نشان داده هر مشکل، راه حلی دارد. اصلی‌ترین روش، جذب مخاطبی است که اگرچه با خانواده به سینما نمی‌رود اما می‌تواند در قالب یک حرکت فرهنگی و در زمان مدرسه فیلم دیدن را همچون یک تفریح یا برنامه آموزشی دنبال کند. فیلم دیدن برای مخاطب کودک و نوجوان، یک رویداد صرفاً تفریحی نیست. این قشر در سینما، زندگی کردن و تجربه کردن را می‌آموزد و قصه‌گویی و تخیل، او را به سمت اجتماعی شدن سوق می‌دهد. مخاطب جوان و قشر دانشجو نیز به دلیل شرایط سنی و روحی‌اش تمایل به دیدن آثار نوگرا و ساختار شکنانه دارد، توجه به خواست این گروه و نمایش آثار تجربی، فیلم‌های تحسین شده در جشنواره‌ها و محافل هنری در این مقطع زمانی می‌تواند به جذب آنها کمک کند.

جامعه ایرانی، جامعه‌ای جوان و تحصیل کرده است، دادن امتیازهای ویژه برای مخاطبان جوان سینما در نیمه دوم سال به ویژه فصل پاییز می‌تواند این گروه را به فیلم دیدن در سینما ترغیب کند. برگزاری آیین‌های رونمایی، اکران‌های ویژه و دعوت از چهره‌های محبوب مردم برای تماشای فیلم‌ها هم تمهیدی است که در طول سال، پاسخ داده و در پاییز و زمستان هم می‌تواند به جذب مخاطب کمک کند.

آمارها و ارقام نشان می‌دهد فیلم پرمخاطب هر زمان روی پرده برود، مخاطب خواهد داشت اما وظیفه پخش‌کننده و سینمادار این است که فرصتی بیشتر برای دیده شدن یک فیلم به وجود آورد. نسخه‌های اثر بخش برای جذب مخاطب را با توجه به شرایط اقلیمی هر شهر و استان پیدا کنید و با نگاه به امکانات و بودجه‌ای که در اختیار دارید بکوشید، راه‌های تازه برای روشن نگه داشتن چراغ سینماپتان تجربه کنید. پاییز فصلی زیباست، فصلی که با تخیل و رویا زیباتر می‌شود.

حضور سینماگران در مراسم تشییع پیکر شهید حججی



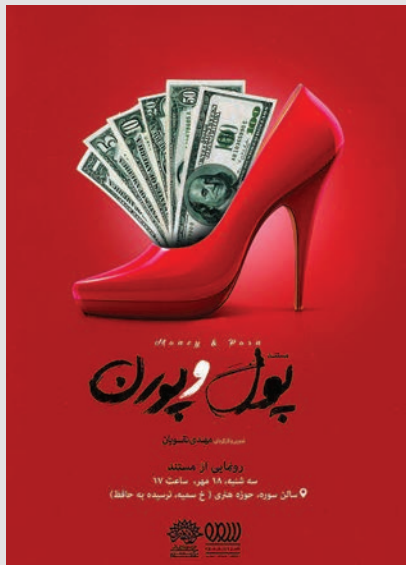
خانه سینما با انتشار بیانیه‌ای از حضور سینماگران برای تشییع پیکر مطهر شهید محسن حججی در میدان امام حسین (ع) خبر داد.

به گزارش سوره سینما، در متن این بیانیه آمده است: امام راحل (ره) فرمودند: «شهادت هنر مردان خدا است» و تبلور عینی این سخن در شهادت هنرمندانه محسن حججی و محسن حججی‌ها در دوران ما است.

سینماگران ایران که در مراسم جشن خانه سینما به احترام شهید حججی به پا خاستند و هنرآفرینی او را در عرصه پایمردی و دفاع از آرمان‌های والای اعتقادی در روز ملی سینما گرامی داشتند با ورود پیکر مطهرش به میهن فردا چهارشنبه ۵ مهر ماه ساعت ۹ صبح به میدان امام حسین (ع) خواهند شتافت تا همزمان با سوگواری برای سالار شهیدان، حسین زمانمان؛ محسن حججی را به خانه ابدی بدرقه کنند.



مراسم رونمایی مستند «پول و پورن» با سخنرانی دکتر حسن عباسی



مستند «پول و پورن» سه شنبه ۱۸ مهر با سخنرانی دکتر حسن عباسی در تالار سوره حوزه هنری رونمایی شد.

به گزارش سوره سینما، مستند جنجالی «پول و پورن» به کارگردانی مهدی نقویان سه شنبه ۱۸ مهر ساعت ۱۷ با سخنرانی دکتر حسن عباسی در تالار سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی رونمایی شد.

دکتر حسن عباسی که سالها قبل در سخنرانی‌هایش به طور ویژه‌ای به سوژه این مستند پرداخته بود به عنوان سخنران این مراسم حضور داشت.

این مستند پس از ترسیم نمایی کلی از باند‌های زیرزمینی اما پر کار فساد و فحشا (اسکورت سرویس‌ها) و بیان نحوه فعالیت آنها، ماجرای یک پرونده امنیتی مرموز و مهم از نفوذ آنها به ایران و قاچاق دختران ایرانی را روایت می‌کند.

تهیه‌کننده مستند «پول و پورن» مرکز مستند سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی با همکاری سازمان جرایم سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.



«باشگاه فیلمنامه‌نویسان جوان» در حوزه هنری راه اندازی می‌شود

سازمان سینمایی حوزه هنری به منظور تقویت و توسعه بسترهای مناسب برای جذب و حمایت از استعداد‌های جوان فیلمنامه‌نویس در نظر دارد «باشگاه فیلمنامه‌نویسان جوان» راه‌اندازی نماید.

به گزارش سوره سینما، روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: به منظور سیر مقدماتی شکل‌گیری باشگاه، پاتوق فیلمنامه با هدف بررسی ساختار فیلمنامه‌ای آثار سینمایی طرح‌ریزی و اجرایی شده است.

بر پایه این خبر، در این پاتوق‌های هفتگی که ورود برای تمامی علاقه‌مندان فیلمنامه‌نویسی و داستان‌پردازی آزاد می‌باشد، پس از نمایش فیلم‌ها، به نقد فنی نوشتاری داستان پرداخته می‌شود و فیلم‌ها از لحاظ متن مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

همچنین، در کنار نمایش فیلم و نقد آن هر چند جلسه یکبار، «کارگاه ایده تا طرح» در قالب پاتوق برگزار می‌گردد که در آن شرکت‌کنندگان به ایده‌پردازی و طرح‌نویسی می‌پردازند. در این کارگاه‌ها، از ایده‌ها و طرح‌های برتر حمایت می‌شود.

روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری تصریح کرد: از دل پاتوق‌های هفتگی فیلمنامه، اقدام به عضوگیری برای باشگاه فیلمنامه‌نویسان جوان می‌گردد که زیر نظر مرکز تولید متن سازمان سینمایی حوزه هنری مشغول به کار است. بدیهی است که اعضا با توجه به فعالیت‌های خود دارای امتیازات و امکاناتی در حوزه مربوطه قرار خواهند گرفت.

راهیابی فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» به بخش رقابتی جایزه «آسیا پاسیفیک»



فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی سیدمحمدرضا خردمندان محصول سازمان سینمایی حوزه هنری به بخش رقابتی یازدهمین دوره جایزه «آسیا پاسیفیک» راه یافت.

به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی سیدمحمدرضا خردمندان محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در یازدهمین دوره اهدای جوایز «آسیا پاسیفیک» برای دریافت جایزه بهترین فیلم نوجوان با دیگر آثار راه یافته به رقابت خواهد پرداخت.

«بیست و یک روز بعد» ملودرامی اجتماعی از زندگی نوجوانی به نام «مرتضی» است که در راه تحقق آرزویش، با چالش بسیاری روبرو می‌شود.

این فیلم با بازی ساره بیات، مهدی قربانی، حمیدرضا آذرنگ، امیر حسین صدیق، سینا رازانی و حسین شریفی نامزد بهترین فیلم از نگاه تماشاگران سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر و برنده

۷ جایزه از سی‌امین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان بوده است.

مراسم اهدای جوایز «آسیا پاسیفیک» ۳ آذرماه در شهر بریزن کشور استرالیا برگزار خواهد شد. اسامی نامزدهای دریافت این جایزه در هفته اول اکتبر برابر با نیمه مهرماه اعلام خواهد شد.



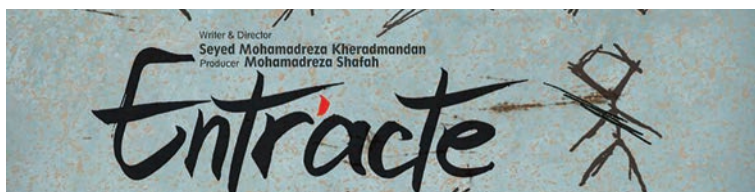
نشست صمیمانه مسعود جعفری جوزانی و رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری



مسعود جعفری جوزانی کارگردان صاحب نام سینمای ایران با حضور در حوزه هنری در نشستی صمیمی با محمد حمزاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری به گپ و گفت نشست.

به گزارش سوره سینما؛ در این دیدار و نشست مشترک طرفین پیرامون وضعیت فعلی سینما، افق‌های آینده و چالش‌های پیش‌رو به گفتگو نشستند.

نمایش انیمیشن کوتاه «آنتراکت» در جشنواره کودکان «شارجه»



خود ادا کرد در یک روز توانسته ۱۳ کودک فلسطینی را هدف قرار دهد.

عوامل انیمیشن کوتاه «آنتراکت» عبارتند از نویسنده و کارگردان: سیدمحمدرضا خردمندان، کارگردان فنی و هنری: بهزاد رجبی پور، مدیر تولید: علیرضا رنجبر شورابی، مدل‌سازی شخصیت: محمدعلی شاکری، حسین عظیمی، مدل‌سازی محیطی: سه بعدی: سعید خالقی، امید نژادنیک، توحید توانا، انیماتور: اعظم مهدی زاده، طراحی استوری‌برد: میثم برزا، رندر و شیدینگ: علیرضا رنجبر شورابی، امید نژادنیک، سعید خالقی، کامپوزیت: محمد افشانی، کانسپت: مجتبی نادرلو، طراحی صدا و میکس: علیرضا علویان، موسیقی: حامد ثابت، تدوین: ابوذر حیدری، تهیه کننده: محمدرضا شفاف، محصول: باشگاه فیلم سوره حوزه هنری.

پنجمین جشنواره بین‌المللی کودکان «شارجه» از ۱۶ تا ۲۱ مهرماه در شهر شارجه کشور امارات متحده عربی در حال برگزاری است.

انیمیشن کوتاه «آنتراکت» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی کودکان «شارجه» به نمایش در می‌آید.

به گزارش سوره سینما، انیمیشن کوتاه «آنتراکت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی کودکان «شارجه» کشور امارات متحده عربی نمایش داده می‌شود.

این جشنواره به منظور افزایش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان، ارتقاء خلاقیت کودکان و ارائه بهترین فیلم‌ها برای کودکان و نوجوانان در شهر شارجه کشور امارات متحده عربی برگزار می‌شود.

«آنتراکت» برگرفته از «Entracte» کلمه‌ای فرانسوی و به معنای حفاصل بین دو پرده موسیقی است. فیلم نیز در فاصله بین دو قطعه موسیقی روایت می‌شود. ایده «آنتراکت» از داستان تک تیراندازی اسرائیلی است که در جریان جنگ ۲۰۱۴ غزه با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام

«چای جوشیده» با علیرضا استادی و ساغر عزیزی کلید خورد



این فیلم محصول جدید گروه «کات» می‌باشد. «کات» ۲ سال پیش توسط باشگاه فیلم سوره برای حمایت از فیلمسازان جوان در عرصه تولید فیلم‌های کوتاه و نیمه بلند و با مدیریت حسین دارابی تشکیل شد. عوامل فیلم داستانی «چای جوشیده» عبارتند از: کارگردان: محمد علیزاده، تهیه‌کننده: حسین دارابی، نویسنده: صادق باقری، مجری طرح و مدیر تولید: محمدجواد موحّد، مدیر فیلمبرداری: علیرضا برازنده، تدوین: سیاوش کردجان، مدیر صدابرداری: رضا تهرانی، صداگذاری: رامین ابوالصدق، طراح صحنه و لباس: امیر حسین حداد، طراح چهره و گریم: حسین یزدی، موسیقی: امید روشن‌بین، دستیار اول و برنامه‌ریز: حامد پوراسفندیانی، مدیر تدارکات: علی سنگینی، عکاس: مصطفی جعفری، محصول «کات».

فیلمبرداری فیلم داستانی «چای جوشیده» تازه‌ترین ساخته محمد علیزاده به تهیه‌کنندگی حسین دارابی در تهران کلید خورد.

مدیریت فیلمبرداری این فیلم را علیرضا برازنده برعهده دارد و علیرضا استادی، ساغر عزیزی، مریم خدارحمی، سامان غنائی، آرش ماهان و کیمیا ملایی بازیگران این اثر هستند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: اعضای خانواده آقامحمود در تدارک برگزاری جشن تولد سمانه، دختر کوچک خانواده هستند که حضور یک بسته چای شرایط را تغییر می‌دهد....

علیزاده پیش از این فیلم‌های کوتاهی چون «حقیقت مجازی»، «تراس»، «سحری» و «همسایه» را کارگردانی کرده بود.



نمایش دو فیلم مستند «فصل هرس» و «A157» در جشنواره «کمبریج» انگلستان

از آن خود کرده است.

مستند «فصل هرس» نیز تاکنون عناوینی چون نشان فیروزه بهترین مستند بلند و بهترین کارگردانی مستند بلند و بهترین تدوین‌نهمین جشنواره «سینماحقیقت»، تندیس بهترین فیلم هنر و تجربه، نامزدی سیمرغ بهترین کارگردانی فیلم مستند سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر و تندیس بهترین مستند جشن دنیای تصویر را از آن خود کرده است. سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «کمبریج» ۲۷ مهر الی ۴ آبان در شهر کمبریج کشور انگلستان برگزار خواهد شد.

و مستند «فصل هرس» در روزهای ۲ و ۴ آبان ماه و برای کسب جایزه بهترین فیلم مستند از نگاه تماشاگران، در این جشنواره اکران خواهند شد. مستند «A157» تاکنون جوایز بسیاری را در داخل کشور از جمله جشنواره فیلم فجر، مقاومت، سینما حقیقت و ... کسب نموده و جایزه اصلی جشنواره بین‌المللی فیلم «Zeichen der Nacht» آلمان، جایزه فیلم منتخب از نگاه تماشاگران جشنواره «Chambéry» فرانسه، جایزه بهترین مستند جشنواره «واچ داکر» لهستان و جایزه ویژه هیات داوران جشنواره فیلم «سپینه دو نوی» فرانسه را نیز

دو فیلم مستند «فصل هرس» و «A157» از تولیدات سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره بین‌المللی فیلم «کمبریج» انگلستان به نمایش درخواهند آمد.

به گزارش سوره سینما، فیلم‌های مستند «فصل هرس» به کارگردانی لقمان خالدی و «A157» به کارگردانی بهروز نورانی پور از تولیدات «مرکز مستند سوره» وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری، در سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم «کمبریج» انگلستان به نمایش درخواهند آمد. مستند «A157» در روزهای ۲۹ و ۳۰ مهرماه

حضور سازمان سینمایی حوزه هنری با ۲ فیلم کوتاه در جشنواره «شلینگل» آلمان



سازمان سینمایی حوزه هنری با ۲ فیلم کوتاه «سیخفیل» و «خاطره» در بیست و دومین جشنواره «شلینگل» آلمان حضور یافت.

به گزارش سوره سینما، دو فیلم کوتاه «سیخفیل» و «خاطره» از محصولات «باشگاه فیلم سوره» زیر نظر سازمان سینمایی حوزه هنری در بیست و دومین دوره جشنواره کودک و بزرگسال «شلینگل» در آلمان حضور داشتند.

بیش از ۱۵۰ اثر از سراسر دنیا در این جشنواره شرکت کردند و در انتهای جشنواره گروه داوران حرفه‌ای و گروه داوران کودک بهترین‌های خود را معرفی و با ورک شاپ‌های مختلف به کودکان و نوجوانان در امر فیلمسازی آموزش دادند.

بیست و دومین جشنواره «شلینگل» از ۳ تا ۹ مهرماه در شهر اشتیتز آلمان برگزار شد.

دومین حضور بین‌المللی؛

«زیر سقف دودی» در جشنواره جهانی فیلم «پارسی» استرالیا به نمایش در آمد



فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» به کارگردانی پوران درخشنده در ششمین دوره جشنواره جهانی فیلم «پارسی» استرالیا به نمایش درآمد.

به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» به کارگردانی پوران درخشنده در دومین حضور بین‌المللی خود، در ششمین دوره جشنواره جهانی فیلم «پارسی» که در شهر سیدنی کشور استرالیا برگزار شد، به نمایش درآمد.

به غیر از ایران، فیلمسازی از افغانستان و تاجیکستان نیز در این جشنواره حضور داشتند و علاوه بر نمایش فیلم، کلاس‌های پیشرفته و رویدادهای فرهنگی مرتبط برگزار گردید.

«زیر سقف دودی» در سی و پنجمین جشنواره فجر به نمایش درآمد و توانست در شش بخش نامزد دریافت جایزه شود و مریلا زارعی به عنوان بهترین بازیگر نقش اول زن و ایمان امیدواری به عنوان بهترین طراح گریم سیمرغ بلورین این دوره جشنواره را برای این فیلم دریافت کردند.

فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» پیشتر در اولین حضور بین‌المللی خود، در بخش «تمرکز بر سینمای جهان» چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال کانادا به نمایش در آمده بود.

ششمین دوره جشنواره جهانی فیلم «پارسی» از ۱۶ تا ۱۹ شهریور در شهر سیدنی کشور استرالیا برگزار شد.

مراسم تجلیل از رضا بر جی «دیده بان صادق انقلاب اسلامی» برگزار شد



در یک جاهایی تنها توانستم گریه کنم چون نمی توانستم برای افرادی که گرفتار یک واقعه هستند کاری بکنم. من پدر و مادری را دیدم که سه فرزند خود را از دست داده بودند و روی قبر فرزندان خود گریه می کردند. من هم با آنها نشستیم و گریه کردم. بنابراین جاهایی که لازم بودم گریه کردم و جایی هم که لازم بود خندیدم و خنداندم.

بر جی به نقل از خاطره‌ای از دوران جنگ پرداخت و گفت: به یاد دارم در زمان جنگ هنگامی که به کردستان حمله شیمیایی شد یک دختر ۱۲ ساله را دیدم که از وحشت قدرت حرف زدن نداشت. در آن لحظه ماسک شیمیایی ام را در آوردم و به او دادم. البته این کاری است که اگر هر کس دیگری هم بود انجام می داد.

این عکاس در ادامه بیان کرد: بعضی موقع ها که به عقب می گردم نمی دانم که چرا باید در ۱۶ جنگ حضور پیدا می کردم و ۳۰ بار به افغانستان می رفتم اما می دانم که باید اربعین امسال با حمایت حوزه هنری، کاری انجام دهم. این کار برای من نیست بلکه برای امام حسین (ع) است بنابراین خدا را قسم می دهم که من را در این راه همراهی کند.

وی در پایان گفت: من در برابر حضرت حق تسلیم هستم و فکر می کنم اگر قرار است از کسی تجلیل شود باید از پدر، مادر، همسر و خانواده‌ام تجلیل شود؛ زیرا ۳۰ سال است که هنوز جنگ در خانه ما است. زیرا ما در سال ۶۶ عزیزی را از دست دادیم و از همان موقع جنگ در خانه ما وجود دارد.

در پایان با حضور جمعی از مسئولان و هنرمندان همچون محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی سوره، طباطبایی نژاد، رئیس فرهنگسرای رسانه، بیژن بنفشه خواه، ناصر فیض و... و با حضور خانواده رضا بر جی عکاس پیشکسوت از وی تقدیر و تجلیل به عمل آمد.

در این مراسم مستندی از زندگی رضا بر جی با عنوان «عکاس صلح» پخش شد و در پایان این مستند به حضار اهدا شد.

بینند و تشخیص می دهند. برای این که جبهه توانمند رسانه ای داشته باشیم باید از این عزیزان استفاده کنیم.

بهزاد تیمورپور مدیر فرهنگسرای رسانه نیز گفت: از اینکه در این برنامه هستیم بسیار خوشحالم و معتقدم یکی از افتخارات فرهنگسرای رسانه در این سال ها برگزاری همین مراسم است. رضا بر جی یک بسیجی مجاهد و آتش به اختیار است که به پاس ۳۵ سال زحمت او در حوزه عکاسی و آثار مستند، امروز از او تجلیل می شود اما او این روزها در جامعه کم رنگ شده و این باعث نگرانی است. رضا بر جی عکاس و مستند ساز نیز درباره فعالیت های خود در طول بیش از ۳ دهه، گفت: من یک تصویربردارم، یک عکاسم. شاید قلمی بزنم، شاید رسمی بکشم اما نمی دانم آنچه که باید می بودم در حال حاضر هستم یا نه.

وی افزود: به یاد دارم هنگامی که در تاجیکستان جنگ شده بود مستندی تهیه کرده بودیم که ۵ قسمت از آن از شبکه اول پخش شد. بعد از آن ما به عنوان میانجی قلمداد شدیم و من و یکی از دوستانم تنها افرادی بودیم که به آن منطقه جنگ زده رفتیم و در آنجا مستندی تهیه کردیم. پس از پخش آن مستند بسیاری از افراد از وقایع جنگی تاجیکستان مطلع شدند و من متوجه شدم که ۳۰ دقیقه فیلم چه تاثیری می تواند داشته باشد. از آن به بعد نتوانستم کار دیگری به غیر از عکاسی و حضور در این گونه فضاها انجام دهم.

بر جی با اشاره به اینکه در این ۳۵ سال آنچه که می توانسته انجام دادم، بیان کرد: اگر باز هم به عقب برگردم همین کارها را می کنم زیرا آنچه که در توان داشتم به کار بستم و یک سر سوزن هم کوتاه نیامدم. حتی نمی توانم بگویم جایی بوده که باید می رفتم و نرفتم. در این ۳۵ سال کارهایی کردم که فکر می کنم اگر هر کس دیگری هم تجربه مانند در کنار مرتضی آوینی را داشت و از افکار او خبر داشت چنین کارهایی را می کرد. من در این ۳۵ سال نتوانستم عکس بگیرم، فیلم بسازم، بنویسم و

آئین تجلیل از ۳۵ سال تلاش رضا بر جی، عکاس و مستند ساز جنگ با حضور جمعی از مسئولان و هنرمندان کشور در فرهنگسرای رسانه برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری در مراسم تجلیل از رضا بر جی عکاس و مستند ساز جنگ که سه شنبه ۴ مهر ماه در فرهنگسرای رسانه برگزار شد، با بیان این که سابقه آشنایی با رضا بر جی را از حدود ۳۰ سال قبل داشته‌ام، اظهار کرد: ۳۰ سال، یک عمر است و به واسطه این آشنایی می توانم بگویم که او ویژگی هایی دارد که باعث می شود دوست داشتنی باشد. از خصلت های شخصی ایشان که مربوط به بچه های جنوب شهر است، می توان به جوانمردی، معرفت، اخلاص و فداکاری شان اشاره کرد.

وی ادامه داد: رضا بر جی مرد رسانه ایی است و به تعبیر امروزی ها سرباز یا سردار رسانه ایی است. ایشان در میدان عمل تصمیم می گیرد و تصمیم اش برای نظام جمهوری اسلامی ایران منفعت دارد. غیر ممکن بود که ایشان ندای مظلومی را در گوشه ای از دنیا بشنود و آنجا حضور نداشته باشد.

مومنی شریف خاطر نشان کرد: ما نسبت به قدرت رسانه، با تمام شعارها و حرف هایی که می زنیم، اهتمام نداریم و اهمیت آن را درک نکرده ایم. بر عکس کشور ما، نظام سلطه همه توان رسانه ایی خود را در برابر جبهه مقاومت قرار داده است. در میدان نبرد زحمت می کشیم؛ اما برای پیروزی ها و اغنا کردن مردم این زحمات را ناتمام می گذاریم. متأسفانه در این وجه ضعیف هستیم. لازم است برای هر اقدام سیاسی، نظامی و اقتصادی خود پیوست رسانه ای قوی داشته باشیم.

رئیس حوزه هنری با بیان این که افرادی همچون رضا بر جی ما را متوجه دارایی هایمان می کنند؛ عنوان کرد: در هر کجای جهان که انسان هایی وجود دارند که با نظام سلطه تعارض دارند، دارایی ما هستند. محبان اهل بیت (ع)، مسلمانان و انسان های آزاده جهان همه دارایی ما هستند و افرادی مانند رضا بر جی دیده بانان صادق برای انقلاب اسلامی هستند.

وی همچنین گفت: نقل قول افرادی مانند رضا بر جی برای مسئولان کشورمان سند است. این جاها می روند که دیپلمات ها و مسئولان کشور نمی توانند بروند. زمانی رضا بر جی به منطقه ای در مرز هندوستان و پاکستان رفت و مردمی را به تصویر کشید که انقلاب اسلامی در منطقه آن ها موضوعیت داشت و مسئولان ما نسبت به این دارایی ها بی اطلاع بودند. در آن شهر کوچک اغلب دارایی های جمهوری اسلامی مانند بسیج، کمیته امداد و... ایجاد شده بود. اخیراً بر جی به همراه جوانبخت به منطقه تر کمن نشین در عراق رفته اند و نسبت مردم آن منطقه با ما مانند حزب الله لبنان بوده است و مسئولان اهمیت استراتژیک این گونه مناطق را درک نکرده اند.

مومنی شریف اظهار داشت: هنرمندانی مانند بر جی، سفیران واقعی انقلاب اسلامی در دنیا هستند و عمق استراتژیک ما را این دوستان می

محسن یزدی:

آثار «مرکز مستند سوره» به جشنواره عمار می‌روند



و علاقمندیم در چنین عرصه‌هایی تولید داشته باشیم.

مدیر مرکز مستند سوره با اشاره به انتشار فراخوان هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار تصریح کرد: همانند سال‌های گذشته، آثار خود را در این جشنواره شرکت می‌دهیم و امیدواریم در این دوره هم نقاط قوت آن بیشتر از نقاط منفی باشد البته لازم است دست‌اندرکاران جشنواره در انتخاب فیلم‌ها دقت بیشتری داشته باشند چرا که این مسئله یکی از ضعف‌های دوره گذشته عمار بود.

یزدی خاطرنشان کرد: اخیراً هم یک مجموعه قسمتی با عنوان «چشم به راه» درباره مادران شهدای مفقودالاثر تولید کرده‌ایم از روز شنبه این هفته از شبکه یک سیما به روی آنتن رفته است. حسین همایونفر و میلاد مهدوی کارگردانی این کار را برعهده داشتند.

مدیر مرکز مستند سوره در ادامه سخنانش اضافه کرد: اثری هم با عنوان «راه دل» در دست تولید داریم که داستان سفر «مشتی اسماعیل» به سفر اربعین و کربلاست که کارگردانی این اثر را مهدی زمان‌پور کیاسری برعهده دارد که شش سال پیش مستندی درباره این سوژه ساخته بود.

وی تأکید کرد: از جمله کارهای دیگری هم در دست تولید داریم اثری درباره شهید مدرس به کارگردانی معین شافعی است که نگارش فیلمنامه آن تمام شده است. همچنین اثری هم درباره آیت الله جنتی به کارگردانی محمدعلی فارسی در دست تولید داریم.

یزدی در ادامه سخنانش توضیح داد: ما در مرکز مستند سوره، سراغ حوزه‌هایی مثل دوره پهلوی، دستاوردهای نظام، مسائل اجتماعی و... که موضوعات زمین مانده زیادی دارند، می‌رویم

مدیر مرکز مستند سوره با بیان اینکه اولویت ما توجه به موضوعات زمین مانده است، گفت: همانند سال‌های گذشته، آثار خود را در جشنواره عمار شرکت می‌دهیم و امیدواریم در این دوره هم نقاط قوت بیشتر به چشم بیاید.

به گزارش سوره سینما، محسن یزدی مدیر مرکز مستند سوره درباره تولیدات این مجموعه گفت: مستند بلندی درباره محمدرضا پهلوی با عنوان «شاهفارسی» به کارگردانی مهدی نقویان، مستند «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی‌پور درباره مرحوم مهدی بازرگان، نخست‌وزیر موقت انقلاب و کاری با محوریت یکی از جدانشدگان منافقین با عنوان «ادوارد» به کارگردانی محمدباقر شاهین از جمله کارهایی است که تاکنون به مرحله تولید رسیدند.

وی در همین زمینه اظهار داشت: مجموعه مستند ۱۶ قسمتی درباره رضا شاه پهلوی داریم که تدوین آن به نیمه رسیده است، مهدی فارسی کارگردانی این کار را برعهده دارد. همچنین مستندی هم با عنوان «بهت میاد» به کارگردانی محمدحسن یادگاری داریم که به مسئله زیبایی و حجاب پرداخته است.

ابتدال و خفت در نام گذاری فیلم‌های سینمایی؛ غفلت سازمان سینمایی ارشاد



سینمای ایران به کجا می‌رود؟ سینمای ایران در سال‌های اخیر دچار شیب نزولی وحشتناک به سمت ابتدال شده است. متأسفانه، این سقوط نه تنها در محتوای بسیاری از آثار مشهود است بلکه شاهد نشانه گذاری سبک سرانه و حقارت آمیزی در عنوان گذاری فیلم‌های سینمایی هستیم.

به چند نمونه از این عناوین اشاره می‌کنیم: «شیر تو شیر»، «مامان بهروز منو زد»، «پیتزا مخلوط»، «پا تو کفش من نکن»، «طلاقم بده به خاطر گربه‌ها»، «مغزهای کوچک زنگ زده»، «ما خیلی باحالیم»، «یک کیلو و بیست و یک گرم»، «جوراب شو»، «خالتور» و ...

اصولاً انتخاب نام و عنوان خواه برای شخص و خواه برای یک نهاد و یا واحد صنفی، یک رابطه اثر گذاری متقابل با فرهنگ عمومی جامعه دارد. از یک سو این کار تحت تأثیر فرهنگی عمومی جامعه بوده، و به عبارت دیگر سلیقه و دید انتخاب کنندگان عنوان، تحت تأثیر فرهنگ شکل گرفته است. بدین لحاظ، می‌توان آن را به عنوان شاخصی برای بررسی فرهنگ عمومی و سطح تمایلات و سلیقه و

سلامت فرهنگ عمومی باشد، عدم دقت در انتخاب نام نیز به دلیل همین تکرار و برخوردهای زیاد در زندگی روزمره، می‌تواند اثر منفی بر فرهنگ عمومی بگذارد.

به کارگیری یک سیستم نظارتی دقیق و حسابگرانه براین مقوله، می‌تواند از آثار منفی آن تا حد امکان بکاهد. اما نخست باید شکل یا صورت مسئله دقیق‌تر شناخته شود. این رویکرد مسئولیت سازمان سینمایی و اداره کل نظارت و رازشایی را سنگین و حساس می‌کند. ابتدال در نامگذاری را نباید صرفاً در انتخاب اسامی مستهجن و رکیک خلاصه کرد. بلکه به کارگیری اسامی نامأنوس و تقریباً بی‌معنی یا اسامی با معانی سخیف مصادیقی از ابتدال هستند که نباید به راحتی از کنارشان گذشت.

اگر در نامگذاری واحدهای صنفی مضامینی مغایر با عفت عمومی باشد تعطیل می‌شوند نامگذاری محصولات فرهنگی بویژه، فیلم‌های سینمایی چطور؟

منبع: دنیای سینما

رجحانه‌ای فردی در جامعه به کار گرفت. از سوی دیگر، مجموعه عناوین و نامها به دلیل تکرار زیاد در طول زندگی، در شکل‌گیری فرهنگ عمومی مؤثر هستند. همانگونه که عدم دقت در کاربرد لغات و اصطلاحات نامناسب و بیگانه در محاورات روزمره می‌تواند تهدید کننده



نگاهی به فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» دوست داشتنی و گیرا

الناز نعمتی

از بازیگران حرفه‌ای همکاری کرده است به اصطلاح به بهترین شکل از آنها بازی گرفته است. نادر فلاح در نقش رضا روشن که در دو مقطع زمانی دهه شصت و نود نقش این رزمنده را بازی کرده است، با وجود برخی رفتارهای عجیب و متفاوت برای مخاطب قابل باور جلوه می‌کند. لاله اسکندری در نقش کوتاه اما تاثیرگذار اسما و ستاره اسکندری در نقش معصومه نیز درخشانند. همچنین علی دهکردی در نقش صاحب کار رضا روشن بازی متفاوت و جذابی در نقش یک فرد دلال پیشه و منفعت طلب ارائه کرده است. هرچند که کارکرد این شخصیت در فیلم و پیشبرد قصه تا انتهای قصه مشخص نمی‌شود و در صورت حذف هم تاثیری در روند داستان فیلم نخواهد داشت.

در ابعاد فنی از نظر جلوه‌های ویژه فیلم دارای خام دستی‌هایی است که بخاطر کم تجربه بودن کارگردان در ساخت فیلم بلند چندان جای تعجب ندارد. فصل‌های مربوط به جبهه فراتر از سریال‌های متوسط تلویزیونی نمی‌رود و بخش‌های پایانی و حضور رضا روشن در دریاچه ماهی و میعاد با یاران شهیدش با وجود تلاش کارگردان و عوامل فنی برای ارائه تصویری ماورایی و رویا مانند به نتیجه رضایت بخشی ختم نمی‌شود. با وجود همه اشکالات عنوان شده اما «دریاچه ماهی» به عنوان اولین فیلم کارگردانی جوان که جسارت ورود به حیطه ساخت فیلم جنگی را داشته دوست داشتنی و گیراست. بخصوص اینکه کارگردان عمداً از بالا بردن زمان فیلم صرف نظر کرده و قصه را بیش از آنچه مصالح دراماتیکش مجال می‌داده طولانی نکرده است.

ای تقریباً کم اشکال از پس این مهم برآید. نقطه قوت فیلم بی شک داستان جذاب آن است. داستانی که قادر است مخاطب را با خود و فضای فیلم همراه کرده و تا انتها برای گره‌گشایی‌های داستان مشتاق نگه دارد. با اینکه فیلم دارای چندین قصه است که به صورت موازی روایت می‌شوند اما مخاطب حین تماشای آن احساس ملال یا سردرگمی نمی‌کند. تدوین فیلم به نحوی است که حتی در بخش‌های ابتدایی که داستان‌ها به ظاهر هیچ خط و ربطی به هم پیدا نمی‌کنند دارای نظم روایی است و تماشاگر را در بین قصه‌هایش سردرگم نمی‌کند.

نکته مثبت دیگر فیلم در شخصیت پردازی آن است. شخصیت‌های فیلم همه افرادی عادی و برآمده از جامعه هستند، افرادی که همه روزه در بین مان می‌بینیم و کنارشان زندگی می‌کنیم. حتی رضا روشن نیز فردی کاملاً معمولی است و زندگی عادی دارد. او پس از جنگ به شغل باغبانی روی آورده و در باغچه‌ای که خارج از شهر دارد مشغول به کار شده است. فیلم با این نوع از شخصیت پردازی آشکارا سعی داشته از شعارزدگی پرهیز کند و خانواده شهدا و بازماندگان جنگ را جزوی از افراد جامعه با همان دغدغه‌ها و مشکلات و ... که دیگر افراد در زندگی ماشینی و مدرن امروز درگیر آن هستند نشان دهد و در این مسیر تا حدی موفق عمل کرده است.

دیگر نکته مثبت فیلم بازی‌های خوب آن است. دوستی پیش از ساخت اولین فیلم بلند سینمایی اش حدود سسی فیلم کوتاه ساخته است که اغلب بازیگران آنها را نابازیگران یا بازیگران تازه کار تشکیل می‌دادند و حالا که این کارگردان با گروهی

فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» به عنوان اولین فیلم کارگردانی جوان که جسارت ورود به حیطه ساخت فیلم جنگی را داشته دوست داشتنی و گیراست.

فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» روایتگر داستان مردی به نام رضا روشن است که دارای بصیرت خاصی است و می‌تواند در عالم رو یا با ارواح شهدا ارتباط برقرار کرده و با آنها صحبت کند. در ابتدای فیلم می‌بینیم که رضا با روح شهیدی که او را غسل داده درباره عملیات مهمی که در پیش است صحبت می‌کند. روح شهید به رضا درباره عملیاتی که در پیش است هشدار داده و به او می‌گوید عملیات لو رفته و دریاچه ماهی به قتلگاه رزمندگان تبدیل خواهد شد. رضا این موضوع را با فرمانده‌های مقر در میان می‌گذارد اما کسی به او اعتنا نکرده و حرف‌هایش را جدی نمی‌گیرد و همه بدنبال ارائه سند از سوی او هستند و رضا چنین چیزی در اختیار ندارد. روز عملیات فرا میرسد و اتفاقی که نباید، میفتد و رزمندگان در دریاچه ماهی از سوی نیروهای دشمن غافلگیر شده و به شهادت می‌رسند. سالها از این موضوع می‌گذرد و رضا بنا به خواسته روح همان شهدا درباره این ماجرا و محل دفن شهدا سکوت می‌کند تا اینکه...

مریم دوستی برای ساخت اولین فیلم سینمایی اش سراغ ایده‌ای جذاب اما سخت رفته است. ساخت فیلمی که داستان‌های موازی در آن روایت می‌شوند و قصه‌اش در فضایی بین رئال و سورئال در نوسان است حتی برای کارگردان‌های کهنه کار هم تجربه‌ای چالش برانگیز است. اما دوستی موفق می‌شود با در دست داشتن قصه‌ای جذاب و فیلمنامه

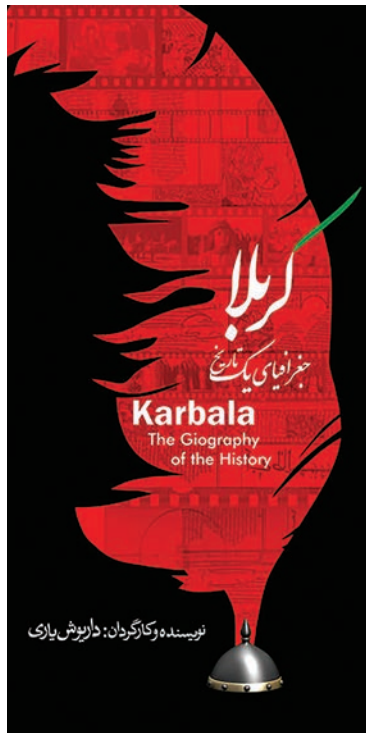
خندق آبادی مدیرعامل مؤسسه هنرهای تصویری سوره خبر داد:

پخش «ویلاهی‌ها» و «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به مناسبت هفته دفاع مقدس و محرم



ویلاهی‌ها

کارگردان: منیر قیدی / تهیه کننده: سعید ملکان



محرم بررسی می‌کند و این مستند محصول سازمان سینمایی حوزه هنری انقلاب اسلامی است که شهاب حسینی بازیگر مطرح سینمای ایران راوی آن است. خندق آبادی ضمن تشریح فعالیت شش ماهه بهار و تابستان مؤسسه هنرهای تصویری سوره (شبهه نمایش خانگی حوزه هنری) در سال ۹۶ اضافه کرد: این مؤسسه در شش ماهه اول سال جاری موفق به تولید و توزیع ۱۱ فیلم سینمایی شامل فیلم‌های: «ما همه گناهکاریم»، «مشکل گیتی»، «ترمینال غرب»، «افسونگر»، «گشت ۲»، «خانه‌ای در خیابان ۴۱»، «ماجرای نیمروز»، «همن»، «یتیم خانه ایران»، «یک روز بخصوص» و «بوفالو» در سطح کشور شده است. وی گفت: مؤسسه هنرهای تصویری سوره برای شش ماهه دوم سال موفق شد توزیع و عرضه ۱۲ فیلم را در دستور کار قرار دهد.

مدیرعامل مؤسسه هنرهای تصویری سوره با اشاره به عملیاتی شدن مقدمات اجرایی عرضه این ۱۲ فیلم افزود: فیلم‌های سینمایی «ویلاهی‌ها»، «کربلا جغرافیای یک تاریخ»، «برادرم خسرو»، «سه ماهی»، «فصل نرگس»، «بپیست و یک روز بعد»، «سارا و آیدا»، «قهرمانان کوچک»، «مادری»، «فیلشاه»، «دریاچه ماهی» و «بوف کور» از جمله آثاری هستند که به صورت قطعی توزیع آن‌ها در برنامه مؤسسه هنرهای تصویری سوره برای شش ماهه پیش رو قرار دارد.

ارزشی سینمای ایران را بر عهده داشته است، خاطر نشان ساخت: فیلم‌های سینمایی «یتیم خانه ایران»، «ماجرای نیمروز»، «ترمینال غرب»، «ابوزینب»، «سیانور»، «ایستاده در غبار»، «هیبت»، «دلبری»، «حکایت عاشقی»، «استرداد»، «ماه‌سیاه کوچولو»، «شاهزاده روم»، «روپاه»، «دلتنگی‌های عاشقانه»، «مزار شریف»، «شیار ۱۴۳»، «فرشته‌ها با هم می‌آیند»، «میهمان داریم»، «روزگاری عشق و خیانت» و «بیداری رؤیاها» از جمله آثاری است که با موضوع سینمای انقلاب و دفاع مقدس توسط شبکه نمایش خانگی حوزه هنری عرضه شده است.

وی تصریح کرد: مؤسسه هنرهای تصویری سوره با کارنامه‌ای که ارائه داد به اذعان بسیاری از متخصصان و کارشناسان بزرگترین و جدی‌ترین مرکز پخش و توزیع و عرضه فیلم‌های شاخص اجتماعی سینما و آثار حوزه انقلاب و دفاع مقدس به شمار می‌آید.

مدیرعامل مؤسسه هنرهای تصویری سوره از انتشار و عرضه فیلم «ویلاهی‌ها» به مناسبت هفته دفاع مقدس و «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به مناسبت ایام محرم و عاشورا خبر داد و اضافه کرد: مستند بلند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» حماسه عاشورا را در دو فاز به تصویر می‌کشاند. در فاز نخست، مروری بر حرکت حماسی امام حسین (ع) از ابتدا تا پس از شهادت در روز عاشورا دارد و در فاز بعدی، چگونگی عزاداری در فرهنگ‌های مختلف در جهان را در ماه

سعید خندق آبادی مدیرعامل مؤسسه هنرهای تصویری سوره وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری خبر داد: به مناسبت هفته گرامیداشت دفاع مقدس فیلم سینمایی «ویلاهی‌ها» از آثار ارزشمند حوزه دفاع مقدس توسط مؤسسه سوره عرضه شد.

به گزارش سوره سینما، وی با اعلام این خبر افزود: بدون شک، تولید و توزیع فیلم «ویلاهی‌ها» اولین ساخته منیر قیدی یک ظرفیت خیلی خوب و مؤثر در شبکه نمایش خانگی است؛ زیرا این فیلم به سراغ سوژه‌ای رفته که در تاریخ سینمای دفاع مقدس به آن نپرداختند، زانی که در حوالی جبهه‌های جنگ در یک شهرک حضور داشته و شرایط دشواری را تجربه می‌کردند. سوژه فیلم بکر و جذاب است و کمتر مخاطبی در سال‌های گذشته درباره آن شنیده است. به گفته وی، سینمای ایران در چند سال گذشته رویکرد جدیدی را پیش گرفته و آن پرداختن به زنان در دوران دفاع مقدس است که نقطه اوج آن را می‌توان در فیلم «شیار ۱۴۳» نرگس آبیار دانست که مؤسسه هنرهای تصویری سوره با افتخار این نوع فیلم‌ها را در سطح کشور تولید و توزیع کرده و با استقبال مخاطبین مواجه شده است.

خندق آبادی با بیان اینکه مؤسسه هنرهای تصویری سوره خوشبختانه افتخار و مسئولیت تولید و توزیع بخش عظیمی از گنجینه‌های ارزشمند سینمای دفاع مقدس و موضوعات استراتژیک و

آیین افتتاح رسمی سینما «آزادی» بیجار برگزار شد

ضد استعماری و ضد طاغوت مردم بیجار سخن می گفت. متأسفانه از این تاریخ سخنی به میان نیامده است. وظیفه همه نهادهای فرهنگی و حوزه هنری، توجه به نقش بیجار در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است.

رییس حوزه هنری گفت: اگر یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را کشف نیروهای جوان بدانیم، معرفی قهرمان ها و الگوها یکی از وظایف ماست. شهید امان الهی یکی از این بزرگواران و فخر بیجار است.

مومنی شریف در ادامه گفت: در روزگار بحران هویت هستیم، معرفی این الگوها و قهرمانان راهی است برای روشن کردن ذهن جوانان. شهر بیجار، شهر متدینین و علاقه مندان به اهل بیت است. امیدوارم فیلم هایی که در این سینما روی پرده می رود، اقشار مذهبی را آزرده نکند. ان شاء الله فیلم هایی در این سینما روی پرده برود که نسل جوان به آینده ایران اسلامی که محقق خواهد شد، امیدوار شود.

مومنی شریف در پایان سخنانش گفت: حوزه هنری تا پایان سال آینده ۱۴ هزار صندلی به سینماهای کشور اضافه می کند. این ظرفیت نمایشی در اختیار آثاری است که کرامت اخلاقی، معارف دینی و ارزش های اسلامی را پاس می دارند. در ایام نزدیک به ماه محرم و هفته دفاع مقدس، سینما «آزادی» بیجار رسماً فعالیت خود را آغاز می کند.

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری هم در انتها اعلام کرد مردم شهر بیجار به مناسبت افتتاح سینما «آزادی» امروز در تمام سانس ها، می توانند رایگان به تماشای فیلم بنشینند.

در انتهای این مراسم با نمایش فیلم «دریاچه ماهی» به کارگردانی مریم دوستی سینما «آزادی» بیجار رسماً افتتاح شد.

از حاضران در این مراسم می توان به محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری، حسین زنجانی مدیر حوزه هنری بیجار، امین مرادی رئیس حوزه هنری استان کردستان، بیژن زندیه فرماندار شهرستان بیجار، حمدالله کریمی نماینده بیجار در مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام علی مرادی امام جمعه بیجار و عبدالحمید قره داغی مدیرعامل انتشارات سوره مهر و سایر مدیران حوزه هنری اشاره کرد.

محمد حمزه زاده رییس سازمان سینمایی حوزه هنری هم در سخنانی ابراز امیدواری کرد راه اندازی سینما «آزادی» بیجار سرمنشا خیر فرهنگی برای مردم این شهر باشد.

وی گفت: امیدوارم این تلقی از بین برود که به شهرهای کوچک به اندازه شهرهای بزرگ توجه نمی شود. ان شاء الله این سینما، همیشه مثل امروز مملو از جمعیت باشد.

در بخش بعدی آیین افتتاحیه سینما آزادی بیجار با حضور محسن مومنی شریف، محمد حمزه زاده، دکتر نصراللهی زاده، امین مرادی، عبدالحمید قره داغی از محمود کاظمی مدیر عامل موسسه بهمن سبز، حسین زنجانی سرپرست حوزه هنری بیجار، اسماعیل احمدی مدیر کتابخانه های شهر بیجار و حمدالله کریمی نماینده مردم بیجار در مجلس شورای اسلامی تقدیر شد.

همچنین از غلامرضا جعفری مدیر آموزش و پرورش شهرستان بیجار و بیژن زندیه فرماندار شهرستان بیجار هم به دلیل همکاری در بازسازی سینما «آزادی» تجلیل شد.

محسن مومنی شریف رییس حوزه هنری سخنران بعدی این مراسم بود، وی گفت: خوشحالم که شرمند مردم شهر نیستم. از همه عزیزان و بزرگان و حاضران در مجلس ممنونم که در این مراسم حضور دارند. حق بیجار بسیار بیش از این است. امیدوارم خدا به همه ما توفیق خدمت به این مردم بدهد.

مومنی شریف ادامه داد: رهبر انقلاب دغدغه ویژه ای درباره این شهر دارند. انتظار دارند تحول ویژه ای در این شهر اتفاق بیفتد و عقب ماندگی ها جبران شود. از حوزه هنری این شهر انتظار می رود درباره فعالیت های مهم مردم این شهر در انقلاب اسلامی و دوران جنگ آثار هنری ساخته شود.

وی ادامه داد: شهید رجایی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سالها در بیجار زندگی کرده بود و از عقاید

آیین افتتاح رسمی سینما «آزادی» بیجار دوشنبه ۲۷ شهریورماه با حضور مسئولان، هنرمندان و مدیران حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، در این مراسم ویژه محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه زاده رییس سازمان سینمایی حوزه هنری، مریم دوستی کارگردان فیلم «دریاچه ماهی» و مسئولان شهری و مدیران حوزه هنری حضور داشتند.

مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن کریم شروع شد. حسین زنجانی مدیر حوزه هنری بیجار نخستین سخنران این مراسم بود که از همکاری آموزش و پرورش شهر بیجار، مسئولان شهری، مدیران حوزه هنری و مدیر عامل موسسه بهمن سبز تشکر کرد که در بازسازی این سینما همکاری کردند.

پخش تیزر بازسازی سینما «آزادی» بیجار بخش بعدی مراسم بود.

امین مرادی رییس حوزه هنری استان کردستان در ادامه مراسم گفت: مقام معظم رهبری در بازدید از این شهر ما و جوانان را تشویق به ماندن و ساختن این شهر کردند. سخنان ایشان، نقشه راه همه ماست.

وی ادامه داد: آنچه در حوزه هنری کردستان اتفاق افتاده، برنامه های فرهنگی و هنری در پردیس «بهمن» سنندج و افتتاح سینما «آزادی» بیجار از برکات سفر مقام معظم رهبری به این شهر و نگاه فرهنگی ایشان است.



در نشست سراسری مدیران امور سینمایی حوزه هنری عنوان شد:

حمزه زاده:

به اکران فیلم خارجی به عنوان یک گزینه فکر می کنیم



وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به تنوع اکران اشاره کرد: میزی که برای جذب مخاطب چیده می شود باید متنوع باشد. در بخش تولید و اکران باید این موضوع را در نظر گرفت. در این نشست محمود کاظمی مدیرعامل موسسه بهمن سبز به ارائه گزارش عملکرد این موسسه پرداخت. در بخش دیگری از این جلسه از سه مدیر استانی پرویز آزادی زنجان، مهدی حسن زاده چهار محال و بختیاری و احسان رمضانی کرمانشاه تقدیر شد. تقدیر از مدیر امور سینمایی کردستان حیدر مرادی برای میزبانی این رویداد و حسن رنجبر مدیر امور فنی برای نقش فعال در بازسازی سینماهای حوزه هنری نیز انجام شد. نشست سراسری مدیران امور سینمایی حوزه هنری تا جمعه ۲۱ مهرماه در شهر سنندج ادامه داشت.

توجه به بهداشت محتوا باید به این موضوع توجه کرد که یک فیلم از نظر اقتصادی و جذب مخاطب چه جایگاهی دارد. حمزه زاده گفت: حمایت از تولید ملی اولویت اول، دوم و سوم ماست. همان حساسیتی که برای نمایش فیلم ایرانی داریم برای انتخاب و نمایش فیلم خارجی هم داریم، اما به اکران فیلم خارجی به عنوان یک گزینه فکر می کنیم. رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری ادامه داد: نمی توان همه بار را بر دوش سینماداران گذاشت و به بخش سالن داری و تامین هزینه های آن بی توجه بود. حمزه زاده گفت: به نظر می رسد طرح موضوع آزادی، کرامت هنرمندان و احترام به این قشر بیشتر سیاسی و انتخاباتی است. کرامت هنرمند زمانی محقق می شود که اثر او دیده شود و در مواجهه با مخاطب قرار بگیرد.

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری در نشست سراسری مدیران امور سینمایی این نهاد، از علاقه مندی حوزه هنری به اکران فیلم خارجی سخن گفت. به گزارش سوره سینما، پنجمین نشست سراسری مدیران امور سینمایی حوزه هنری صبح چهارشنبه ۱۹ مهرماه در شهر سنندج آغاز شد. در نخستین روز از این سمینار، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری درباره مسائل اکران و سینماداری حوزه هنری صحبت کرد. او گفت: یکی از وظایف دولت این است که در کنار سایر برنامه‌هایش به موضوع صنعت و اقتصاد سینما توجه کند. هر کسب و کاری، در اتساق بازرگانی یا مراکزی از این دست نماینده دارد، اما سینما از این امکان محروم است. وی ادامه داد: هر فیلمی که تولید می شود از نظر محتوا از مجاری مختلف بررسی می شود اما در کنار

اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس به همراه مهندس باهنر در حوزه هنری



جمعی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس به همراه مهندس محمدرضا باهنر در محل حوزه هنری ضمن نشست با آقایان محسن مومنی شریف و محمد حمزه زاده به تماشای فیلم سینمایی «پری دریایی» به کارگردانی مسعود آقابابائیان و تهیه‌کنندگی محمدرضا عرب که با مشارکت سازمان سینمایی حوزه هنری تکمیل و آماده نمایش گردید نشستند.

به گزارش سوره سینما، روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: در این برنامه علاوه بر مهندس محمدرضا باهنر رئیس جبهه پیروان خط امام (ره) و رهبری، حجت الاسلام والمسلمین نصرالله پژمانفر نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، حجت الاسلام احد آزادی خواه سخنگوی این کمیسیون، محمدعلی وکیلی عضو کمیسیون فرهنگی و ... حضور داشتند.

بر پایه این خبر؛ شهریار بحرانی، حبیب ایل بیگی، یزدان عشیری، محمدرضا عرب، محسن یزدی، محمدرضا رضاپور و ... نیز حضور داشتند.



نمایش فیلم سینمایی «ایتالیا ایتالیا» همزمان با ایران در کانادا

فیلم سینمایی «ایتالیا ایتالیا» همزمان با ایران در شهرهای مختلف کانادا به نمایش درآمد. به گزارش سوره سینما، اولین نمایش این فیلم که بخش بین الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری بر عهده دارد، روز ۱۵ اکتبر در سالن بزرگ «سنتیال تئاتر» در شهر ونکوور کانادا روی داد و سپس در شهرهای دیگر کانادا نمایش داده می‌شود. فیلم سینمایی «ایتالیا ایتالیا» به کارگردانی کاوه صباغ‌زاده و با هنرمندی حامد کمیلی، سارا بهرامی و فرید سجادی حسینی تاکنون با استقبال خوبی در کشور مواجه شده است.

نمایش این فیلم در کانادا توسط شرکت آریا پرسیس انجام می‌شود. این شرکت نمایش همزمان فیلم‌های ایرانی را به شکل گسترده و سازمان یافته در کانادا انجام می‌دهد که این فیلمها با تبلیغات صحیح و مناسب و همچنین انتخاب سالن‌های مشهور و با کیفیت با استقبال بسیار خوب ایرانیان و همچنین غیر ایرانیان کانادا همراه بوده است.





ابهامی که نسل به نسل منتقل می‌کنیم

مریم اکبرلو

جای خالی پژوهش برای بیان اصول اخلاقی و مذهبی در سینمای دینی، زیرساخت‌هایی را در ذهن افراد پی‌ریزی می‌کند که تقریباً تغییرناپذیر است و ابهامی غلط نسل به نسل منتقل خواهد شد.

فقر شدید پژوهشی یکی از موانعی است که بر سر راه فیلم‌ها و سریال‌های مذهبی به خصوص آن‌ها که به زندگی بزرگان دینی می‌پردازد، قرار دارد و باعث می‌شود در پرداختن به زندگی این بزرگان توانیم از سطح فراتر رویم. حال آنکه اگر بخواهیم تخصصی و مفصل درباره این معضل صحبت کنیم، ساعت‌ها بحث و سمینار و تجزیه و تحلیل می‌طلبید و قصد نگارنده در اینجا فقط تلنگری ساده به جای خالی پژوهش در آثار مذهبی است نه هیچ.

پیش از هر چیز یادمان باشد اگر قرار است موضوعی تبدیل به فیلمنامه شود، باید تحلیل جامع و عمیق از آن موضوع مورد نظر در دست باشد تا نویسنده سینما یا تلویزیون بتواند با اشراف کامل نسبت به همه جوانب موضوع، آن را تبدیل به دیالوگ کند و اثری خلق کند که در بردارنده همه خصایصی باشد که در حال حاضر به خصوص در زمینه آثار دم دستی مذهبی (چه تئاتر، چه فیلم و سریال‌های کوتاه مناسبی) شاهد آن نیستیم. در چگونگی پرداخت به یک موضوع نیز کار پژوهشی وجود ندارد. زیرا آن گونه که علما و فقها به ابعاد مختلف زندگی ائمه تسلط دارند، قطعا یک سینماگر مسلط نیست و منابعی که برای این تولید نیاز است را نیز در دسترس ندارد لذا طبیعی است آنچه تاکنون در قالب فیلم و سریال از زندگی این بزرگان عرضه شده است، تنها به وجوهاتی از زندگی ایشان بپردازد که در اطلاعات عمومی اکثر مردم وجود دارد.

به عنوان نمونه در مورد حادثه عاشورا و شخصیت امام حسین (ع)، فیلم‌ساز ما همان اطلاعاتی را در اختیار دارد که در هیئت‌های عزاداری و مجالس وعظ و تعزیه بدست آورده و علیرغم آنکه ممکن است ساختار اثر به لحاظ تکنیکی بسیار ارزشمند باشد، اما قطعا از نظر موضوع چندان عمیق و تحلیلی‌گرانه نخواهد بود.

بالا رفتن سطح آگاهی کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان و نیز تعامل با پژوهشگران دینی لازمه ارتقاء در این حوزه است. همچنان که فیلمساز برای پرداختن به موضوعات فلسفی، تاریخی و روانشناسی، دانش خود را نسبت به آن موضوع تعمیق و اطلاعات مورد نظر را از اهالی مطلع کسب خواهد کرد تا بر اساس آن فیلمنامه خود را به نگارش درآورد، در زمینه موضوعات مذهبی نیز باید به منابع یا افراد مطلع رجوع کند و اطلاعات لازم را از آنها بگیرد لذا نیاز است که علما و پژوهشگران و هنرمندان بتوانند با یک تعامل دوسویه به دانش لازم برای خلق یک اثر هنری ماندگار دست پیدا کنند.

قطعا فیلمنامه‌نویس، متخصص همه علوم مختلف نیست. تخصص او تبدیل علومی که به آنها اشراف

پیدا می‌کند، به اثر هنری است لذا اگر وی بخواهد در زمینه‌های مختلف دست به خلق اثر بزند، نیاز به مطالعه، پژوهش و گفتگو با صاحبان علم و دانش دارد. درباره حضور فیزیکی ائمه در آثار مذهبی سال‌های گذشته بیشترین جنجال‌های سینمایی و تلویزیونی را به همراه داشته و تا به امروز هم سکانسی از چهره ائمه چه در فیلم سینمایی «رستاخیز» و چه در سریال «مختارنامه» علیرغم موافقت برخی از علما به نمایش عمومی درنیامده است و بهتر است فیلمسازان در آینده برای جلوگیری از اتلاف هزینه و زمان مجدداً دست روی این تابو نگذارند و فراموش نکنند که امامان ما شخصیت‌های ویژه‌ای هستند که علت‌العلل آفرینش جهان هستی‌اند لذا نمی‌توان به دلیل حرمتی که برای ایشان وجود دارد، بازیگر را در قالب این شخصیت ارائه داد اما چند راهکار وجود دارد که ضمن حفظ حرمت ایشان، عدم به نمایش درآوردن، مانع از آشنایی با سیرت آنها نشود.

راهکار اول استفاده از تکنیک‌هایی است که نیاز به حضور فیزیکی معصومین نداشته باشد ولی فیلم یا سریال مملو از حضور معنوی آنها باشد. (مانند همه فیلم و سریال‌هایی که پیش از این ساخته شد و اثربخشی مطلوبی هم روی مخاطب داشت)

راهکار دوم آن است که در تئاتر، تکنیکی به نام فاصله‌گذاری وجود دارد که در تمام دنیا نیز مرسوم است و نمونه‌ای از آن را در تعزیه نیز می‌توان دید و به راحتی قابلیت انتقال به هنر نمایش ضبط شده و غیر زنده، ائمه از سریال یا فیلم دارد. شبیه خوانی در تعزیه به همین صورت است و قرارداد نانوشت‌های بین مخاطب و اجرا کننده وجود دارد و تماشاگر آن شبیه پوشان را خود ائمه نمی‌داند و این عمل، طبق استفتائاتی که از علما شده نیز مانعی ندارد ضمن آنکه روشی است برای آنکه حرمت به تصویر درآوردن ائمه معصوم را رعایت کرده باشیم و علیرغم روی زمین زندگی کردن این بزرگواران، آنها را با سایرین قیاس نکنیم.

در حالت کلی از نمایش صرف چهره که بگذریم برای دستیابی به اثری ارزشمند که درخور شأن و شخصیت این بزرگواران باشد، باید محتوا و تکنیک همسان شوند تا بتوانند به یک اندازه یکدیگر را تحت پوشش قرار دهند زیرا اگر با تکنیک بالا از محتوای ضعیف و سطحی استفاده شود یا برعکس برای یک کار با محتوا و عمیق به تکنیک پاپینی بسنده کرد، قطعا کار قوی و شایسته‌ای ارائه نمی‌شود لذا دوشادوشی تکنیک و محتوا باید رعایت شود که نیاز به پژوهش و تحقیق و کسب دانش بیشتر در این زمینه دارد زیرا وقتی اطلاعات از نظر تکنیکی و محتوا بالاتر رود، قطعا اثر ماندگارتری تولید خواهد شد. همچنین اگر بخواهیم تیتروار به یکی دیگر از سطحی‌نگری و بی‌علمی آثار مذهبی اشاره کنیم باید از مسئله «غم‌محوری» بگوئیم که صراحتاً به دلیل

ضعف اطلاعات فیلمنامه‌نویسان و صرف تأثیرگیری از واعظان است. این نگاه باید در آثار مذهبی تغییر کند زیرا موضوعات شاد و فرح‌آور در زندگی بزرگان و شخصیت‌های دینی بسیار یافت می‌شود که عدم اشراف به آن، موجب می‌شود تا فقط آنچه که در عزاداری‌ها شنیده‌ایم را به تصویر درآوریم و این مشکل که در فرهنگ عامه وجود دارد نیز فیلمساز سینما و تلویزیون ما را تحت تأثیر قرار داده است.

در پایان با توجه به همه عناوین گفته شده، تنها آثار داوود میرباقری به نسبت سایر آثار جامعیت تاریخی و محتوایی و همسویی با تکنیک‌های لازم جذب مخاطب دارد. او سال‌ها به تحقیق و پژوهش می‌پردازد، با متخصصین این حوزه نشست و برخاست می‌کند. آثار او مملوست از جلوه‌های ویژه و دکور و آکسسوارهای بی‌بدیل و البته پر هزینه تا خرده عشق و جنایت‌های فرعی که به دل ماجرای اصلی تزریق می‌شود و بعضاً هیچ صحت تاریخی و ماب‌ه‌زای عینی (مانند شخصیت شادوب خزان دار) ندارد و فقط بستر را برای تیزکردن گوش مخاطب و ادامه دادن مسیر اصلی فراهم می‌کند. اینکه میرباقری تقریباً یک تنه بار هنرنمایی کردن اسناد تاریخی را به دوش می‌کشد هم جای بسی افتخار است و هم جای تاسف. تاسف به لحاظ سست مایه بودن و بهتر است بگوئیم وجود نداشتن سایر آثار و همچنین تاسف برای ذهن مخاطب. مخاطبی که حتی اگر تحصیلات دانشگاهی بالایی هم داشته باشد باز هم برای مطالعه فرهنگ عاشورا یا مطالعه شناخت حضرت علی (ع) تربیت نشده و ترجیح می‌دهد آنچه را که در رسانه ملی یا بر پرده سینما می‌بیند باور کند و اینگونه است که روایت ذهنی میلیون‌ها آدم از بسیاری از وقایع دینی روایت ذهن شخصی داوود میرباقری است. حال اینکه به تعداد آدم‌های روی زمین روایت تاریخی و سلیقه‌ای و هنری و غرض‌ورزانه و... از هر واقعه تاریخی وجود دارد و ما سال‌هاست فقط حضرت علی را آنگونه که میرباقری می‌شناسد، می‌شناسیم. انتقام خون شهیدان کربلا را فقط در قیام مختار می‌دانیم زیرا میرباقری برایمان اینگونه تعریف کرده است و به دلیل ضعف ساختاری رسانه و فیلمسازان ما هرگز کس دیگری تصمیم به ساخت مجموعه‌ای با روایت دیگر و از زاویه دیگری نمی‌گیرد و در واقع مختار ذهن هر ایرانی تا ابد فقط فریبرز عرب‌نیا باقی می‌ماند. و این یعنی آفت.

جای خالی پژوهش در هر زمینه‌ای از زندگی مردم بی‌حوصله و سطحی‌نگر جامعه امروز موج می‌زند اما اینکه این فقدان علمی وارد هنر تأثیرگذار تصویر شود و برای بیان اصولی اخلاقی و شرعی و مذهبی به کار گرفته شود، تاسفی صدچندان دارد و زیرساخت‌هایی را در ذهن افراد (به خصوص قشر جوان) پی‌ریزی می‌کند که تقریباً تغییرناپذیر است و ابهامی غلط نسل به نسل منتقل خواهد شد.



دکتر حسن عباسی در مراسم رونمایی از مستند «پول و پورن» د: بخش عمده‌ای از جامعه سینمایی کشور ابزور داست

مراسم رونمایی از مستند «پول و پورن» با حضور اصحاب رسانه و عوامل این فیلم و سخنرانی دکتر حسن عباسی در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد. به گزارش سوره سینما، مراسم رونمایی از مستند «پول و پورن» با حضور اصحاب رسانه و عوامل این فیلم و همچنین دکتر حسن عباسی که سخنرانی این برنامه را بر عهده دارد در تالار اندیشه حوزه هنری آغاز شد.

✽ یزدی: بابت صراحت‌های مستند عذر خواهی

می‌کنم ولی لازم بود

محسن یزدی در ابتدای مراسم گفت: ورود به مسائلی از این دست مشکلات خودش را دارد، ما مرتب بحث می‌کردیم که آیا نشان دادن این مسال خوب است یا بد؟! بحث‌ها همیشه بوده است، اما با اینکه بیان این موارد مانند شمشیر دو لبه است، باید گفت که گفتنش نیز لازم است.

وی ادامه داد: این پروژه کار آخر ما نیست،

اما خودمان می‌دانیم که مشکلاتی داشته، ولی کارشناسان فیلم را نقد کنند و به ما بگویند. صراحت‌هایی وجود دارد که عذر خواهی می‌کنم ولی احساس ما بر این است که این نوع صراحت گاهی لازم است.

حسن عباسی که سخنران این مراسم بود نیز در ادامه اظهار داشت: خدا امر می‌کند به عدل و شیطان به فحشا. به حضرت رسول (س) گفتند هجرت یعنی چه؟ فرمودند عبور از حرام خدا. مادر زندگی توحیدی باید در حال هجرت از کفر به ایمان باشیم. در طبقه بندی اجتماعی افراد خنثی از همه مقصر ترند. هر کسی هر چیزی را بگوید می‌پذیرند این رفتار را در فضای مجازی نیز دارند.

وی با مخاطب قرار دادن جریان لیبرالی گفت: همان جریانی که علیه این فیلم شروع به شانتاژ کرده‌اند. اگر تا دیروز ما سندی نداشتیم که آمریکا علیه ایران جنگ نرمی را آغاز کرده است امروز خودشان اسنادی

را منتشر کردند.

این کارشناس در ادامه گفت: چرا جریانات لیبرال در مقابل اینکه ما گفتیم در جریان بانکی ربا وجود دارد سکوت کرد! ما را با تز دین و سیاست سر کار گذاشتند در خارج با جدایی دین از اقتصاد.

این کارشناس با تأکید بر این مطلب که موضوع بعدی نابودی خانواده و ازدواج سفید است، ابراز داشت: حالا خودشان آمار داده‌اند که زنازادگی نیز وجود دارد، اما وقتی ما اعلام کردیم در دانشگاه آمار افزایش یافته انقدر به داد و فریاد پرداختند و گفتند که مگر همه مشکلات ما رفع شده که اینها را می‌گویید؟! که من در نهایت گفتم مگر روی صحبت من با شماست؟!.

عباسی افزود: یک شکل از لیبرالیسم در حوزه اخلاق صنعت پورن است. یک شکل همانی بود که در این مستند به نمایش در آمد، دولت لیبرال‌ها در دهه ۷۰ که بر سر کار آمد جلوی دو فیلم در این باره را گرفت. در سال ۸۳ نیز در ارتباط با فروش دختران هشار دادم از



که در آن شبکه جهانی پورن و پایتخت پورن را معرفی می‌کند. با یکی از همین زنها همراه می‌شود در این فیلم کشورها و شهرها و نقشه‌ای را نشان می‌دهد که یک حکومتی جهانی وجود دارد که دنیا را حاکمیت می‌کند.

وی با اشاره به این فیلم و مخاطبان آن اضافه کرد: مخاطب این فیلم پورن پول و آدم‌های خاکستری جامعه هستند. ما باید در پاتولوژی فرهنگی به بررسی این موارد بنشینیم. بیماری فرهنگی جامعه باید توسط طبیبان نیز بعد از پاتولوژی فرهنگی درمان شود.

گفتنی است، موضوع این مستند قاچاق دختران ایرانی است. کارگردان این اثر مهدی نقویان است و تهیه‌کنندگی آن را مرکز مستند سوره حوزه هنری انقلاب اسلامی با همکاری سازمان جرایم سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر عهده داشته‌اند.

مستند «پول و پورن» پس از ترسیم نمایی کلی از باندهای زیرزمینی اما پر کار فساد و فحشا (اسکورت سرویس‌ها) و بیان نحوه فعالیت آنها، ماجرای یک پرونده امنیتی مرموز و مهم از نفوذ آنها به ایران و قاچاق دختران ایرانی را روایت می‌کند. ■

عباسی گفت: ۵۰۰ میلیون صفحه فضای مجازی با موضوع پورن وجود دارد، لیبرال‌یسم یعنی فحشا؛ این گی‌ها و ل‌زبین‌ها طایفه قوم سدوم هستند. ربا، زنا، لواط، بت پرستی، کفر و... همه آنها در امریکا جمع شده و ایدئولوژی آن را رهبری می‌کنند با تفکر لیبرال، در ناحیه لیبرال‌ها در این مملکت از صهیونیست و وهابیت خطرناک‌ترند خدا نکند لیبرال‌سی را که در این جامعه زندگی می‌کند.

وی در ادامه با یک هشدار تاکید کرد: اگر یک بار دیگر ببینیم لیبرال‌ها در تریبون‌هایشان به مدافعین حرم حرفی بزنند در تریبون‌ها طور دیگری با آنها حرف خواهیم زد ما پیرو همان روح الله هستیم.

وی افزود: بخش عمده‌ای از جامعه سینمایی کشور ابزورد یعنی مزخرف است. یعنی عالم گویا یک تکرار بی‌پایه است. جریان مرموزی وجود دارد با عنوان ابزورد. فیلم‌هایی مانند: «بی‌خود و بی‌جهت»، «هیچ»، «خواهم میاد». ابزورد ساز می‌گوید آخرتی نیست شمر و یزید و حسین ندارند؛ آنها می‌گویند آدم‌ها خاکستری‌اند. شبکه مستند فرانسه مستندی ساخت با عنوان «پرنوکراتی»، به نوعی حاکمیت فحشا و نفسانی را نشان داد. این فیلم ۷۰ دقیقه را ببینید چرا

من چندین شکایت شد و من ۴۹ ماه خانه نشین شدم. همان زمان مسعود ده نمکی «فقر و فحشا» را ساخت و حالا ۱۳ سال گذشته و «پول و پورن» ساخته شده است.

او عنوان کرد: صنعت پورن صنعتی پولساز است. همانطور که ما در این فیلم دیدیم که افرادی از این روش به زندگی بورژوازی رسیدند این زندگی بورژوازی عامل نابودی ما است.

وی در ادامه با تقدیر از مرکز عملیات سایبری تصریح کرد: بنده از قوه قضاییه که این روزها برخوردهای جدی با معضلات را دارد تشکر می‌کنم. اگر امروز با مصیبتی به عنوان آقازاده‌ها مواجه هستیم دلایلش نان و پول شبهه ناک است که باعث می‌شود بچه‌هایشان در آن طرف سوی مرزها «چی چی نیوز» تأسیس کنند. در حالیکه شاهدیم در همین روزگار فرزند یک زن خانه دار شهید محسن حججی می‌شود. پول شبهه ناک درون حکومت بیاید در کار فرهنگی ایراد به وجود می‌آید. شهید حججی‌ها محصول گریه‌های عاشقانه برای ابا عبدالله (ع) هستند.

* عباسی: بیماری فرهنگی جامعه باید توسط طبیبان درمان شود



سینماگران فعال در عرصه مقاومت تجلیل شدند

مقدس اختصاص داشت.

محمد خزایی به خاطر تهیه دو فیلم «به وقت شام» و «امپراطور جهنم»، ابراهیم حاتمی کیا به خاطر کارگردانی دو فیلم «به وقت شام» و «بادیگارد» اولین جوایز را به خود اختصاص دادند که جایزه ابراهیم حاتمی کیا به نمایندگی به خزایی داده شد.

سعید ملکان برای تهیه کنندگی فیلم «ویلاهای» تجلیل شد که به دلیل کلید خوردن فیلم جدیدش در مراسم حاضر نبود. منیر قیدی برای کارگردانی فیلم سینمایی «ویلاهای» تجلیل شد و جایزه طنز طباطبایی برای بازی در همین فیلم به دلیل حضور نداشتن در مراسم، به نمایندگی از وی به منیر قیدی اهدا شد.

همچنین از سید محمود رضوی و بهروز شعبی برای تهیه کنندگی و کارگردانی فیلم «سیانور»، از محمد حسین مهدویان برای کارگردانی فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز»، از سعید سعدی برای مجموعه آثار تولید شده در حوزه دفاع مقدس، از ابوالقاسم طالبی برای کارگردانی فیلم «یتیم خانه ایران» و علیرام نورایی برای بازی در این اثر سینمایی تجلیل شد. همچنین از سید حامد حسینی برای تهیه کنندگی فیلم «سرو زیر آب»، از محمد علی باشه

کردند تشکر می کنیم و امیدواریم مجموعه روایت فتح دوباره به دوران اوج خود باز گردد. همه از لوگوی روایت فتح خاطره خوبی دارند و امیدواریم این محبوبیت نزد همگان بماند.

پس از سخنان وی مراسم نوحه خوانی به همراه تعزیه حضرت رقیه و در ذکر مصائب این حضرت توسط گروه نمایشی اجرا شد که برای دقایقی فضا را با ذکر یا حسین و ماتم محرم در هم آمیخت.

به گفته رسالت بودری که اجرای مراسم را به عهده داشت، گروه نمایشی روایت فتح که ۱۵ دوره جشنواره تئاتر مقاومت را برگزار کرده است در آستانه هفته دفاع مقدس علاوه بر برگزاری بیش از ۲۰۰ نمایش خیابانی در سراسر کشور، نمایش «رکعت به رکعت عاشقی» به کارگردانی سیاوش طهمورث را تا ۹ مهرماه در محل قدیمی بنیاد روایت فتح اجرا کرد و همچنین به همت این بنیاد نمایشی به کارگردانی علی برجی به مناسبت هفته دفاع مقدس در سالن ماه حوزه هنری اجرا شد.

در ادامه مراسم تجلیل از فعالان ایثار و مقاومت با حضور سردار غیب پرور، محمد مهدی حیدریان، هاشم میرزاخانی و احسان محمد حسینی برگزار شد که به تجلیل از فعالان سال گذشته در عرصه دفاع

مراسم تجلیل از هنرمندان عرصه ایثار و مقاومت به همراه رونمایی از جدیدترین تولیدات بنیاد فرهنگی روایت فتح با حضور رییس سازمان بسیج، هنرمندان و خانواده شهدا برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، مراسم تجلیل از هنرمندان عرصه ایثار و مقاومت به همراه رونمایی از جدیدترین تولیدات بنیاد فرهنگی روایت فتح و همچنین معرفی برنامه های این بنیاد در هفته دفاع مقدس، با عنوان برنامه «و آن دقایق آبی» شنبه اول مهرماه در حوزه هنری برپا شد.

احسان محمد حسینی مدیرعامل بنیاد فرهنگی روایت فتح در ابتدای این مراسم گفت: نیاز نیست در این جلسه کام خود را با بیان مظلومیت های فرهنگ و هنر در سیاستگذاری های کلان در دولت های مختلف تلخ کنیم بلکه امیدوارم هفته دفاع مقدس سرآغازی برای شنیدن اخبار خوب باشد. می توانم شهادت دهم در این جمع هنرمندانی از جبهه انقلابی هستند که با دست خالی سنگر هنر انقلاب را حفظ کرده اند و با سیلی صورت خود را سرخ نگه می دارند. ما با اعتماد به سردار غیب پرور به میدان آمده ایم و می دانیم که ایشان بارها گفته اند که رسانه از نظر ایشان مانند شمشیر در عصر حاضر عمل می کند.

وی که به تازگی ریاست بنیاد روایت فتح را برعهده گرفته است، ادامه داد: از اعتمادی که سردار به ما



فرهنگ ایثار و شهادت و بصیرت و درک بلند یک ملت به نسل های بعدی قیام می کنند. هنوز این خط از خودگذشتگی در بین جوانان ما مالا مال است و یک قطعه از آن در جبهه مدافعان حرم را می بینید و یکی می شود شهید حججی. ما مانند شهید حججی کم نداریم که در اوج بی نامی شهید شدند و پیکر پاکشان ماند و ما کماکان مدیون آنها هستیم. امثال شهید حججی مدال افتخار می شوند بر سینه یک ملت.

وی در پایان بیان کرد: چقدر خوب است اهل هنر جلوه های ایثار را که بر گرفته از تابلوی عاشورا است به مردم منتقل کنند. مردم هنر را خوب جذب و درک می کنند. چقدر خوب است که ما اوج ایثارگری و نجابت مسلمان ایرانی را با بان هنر نه تنها با جمعیت خودمان که به مردم دنیا معرفی کنیم.

در این مراسم چهره هایی چون سردار غلامحسین غیب پرور رییس سازمان بسیج مستضعفین، محمد مهدی حیدریان رییس سازمان سینمایی، حبیب ایل بیگی، علی نصیریان، علیرضا داوود نژاد، مهدی فقیه، پرویز شیخ طادی، ابوالقاسم طالبی، سعید سعدی، محمدعلی باشه آهنگر، سیدمحمود رضوی، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، رسول نجفیان، سردار آزادی، مسعود نجابتی، محمدحسین مهدویان و... همچنین شمار زیادی از خانواده شهدا حضور داشتند، منبع: خبرگزاری مهر

شهید عبدالهی، شهید کریمی، شهید مشجعی و شهید عسگری، شهید عبدالهی تجلیل و قدردانی شد. در ادامه این مراسم سردار غلامحسین غیب پرور رییس سازمان بسیج مستضعفین در سخنانی با خرسندی از حضور در این مراسم که با حضور خانواده شهدا و هنرمندان برگزار شد، بیان کرد: عاشورا از جهت زمانی محدود است و از نظر مکانی هم گسترده نیست و به حساب امروز ما حدود ۴ تا ۵ کیلومتر بوده اما این جغرافیای محدود و زمان اندک تا قیام قیامت بشر را تحت تاثیر خود قرار می دهد و دفاع مقدس با تمام گستردگی یک مینیاتور از حماسه عاشورا است.

وی ادامه داد: آنچه در عاشورا می توان دید در دفاع جانانه ۸ ساله مان نیز می توان جستجو کرد. عشق، ایثار، توکل و صبر و محبت و... نمونه هایی از آن است. اینهاست که کربلا را برای ما ماندگار کرده است. همه جنگ های دنیا کشته می دهند اما چرا ما می نازیم به شهدایمان. در همه جنگ ها اوقات تلخ می شود و درست است که ما خوشحال نیستیم از زبان هایی که متوجهمان شده اما به آنچه رخ داد مباحثات می کنیم. رمز و راز این ماندگاری و ارادتی که به خانواده شهدا داریم اتصال آنها به مکتب اسلام است.

سردار غیب پرور اظهار کرد: هیچ شک و تردید نیست که بخش قابل ملاحظه ای از حماسه کربلا توسط اهل هنر به نسل بعدی منتقل شد. اهل هنر مانند رزمندگان نقش آفرینی می کنند. آنها در انتقال

آهنگر کارگردان «سرو زیر آب»، از پرویز شیخ طادی کارگردان فیلم «امپراطور جهنم» قدردانی شد و در نهایت برای بازی در فیلم «امپراطور جهنم» به طور ویژه از علی نصیریان تجلیل به عمل آمد.

پرویز شیخ طادی در این مراسم و پیش از دریافت جایزه خود با اشاره به اینکه بیش از ۱۰ سال برای تغییر وضعیت نگهداری از جانبازان اعصاب و روان تلاش کرده، با انتقاد از اینکه تلاش هایش به نتایج دلخواهی نرسیده است، گفت: جای جانبازان اعصاب و روان در انفرادی بزرگ باغ شهریار که آنها را نگهداری می کنند نیست. خیلی از جانبازان دوست ندارند در این آسایشگاه باشند. امیدوارم هر کس می تواند صدای این جانبازان و خانواده هایشان که پناهی ندارند باشد.

در ادامه کتاب «و آن دقایق آبی...» که به پوسترهای شعر، عکس و گرافیک که عصر امروز در گالری حوزه هنری و خانه هنرمندان ایران افتتاح شد اختصاص دارد توسط مسعود نجابتی، احمد رضا دالوند و مسعود شجاعی طباطبایی رونمایی شد.

همچنین تازه ترین اثر موسیقایی رسول نجفیان که ویژه هفته دفاع مقدس تولید شده است، رونمایی شد و او قطعه «رسم عاشقی» را برای حضار اجرا کرد. در ادامه مراسم از خانواده های شهیدان مدافع حرم شهید شیردل، شهید خدادادی، شهید سیرت نیا، شهید سهرابی، شهید رضایی، شهید یزدانی، شهید نوروزی،



حوزه هنری یا شهرداری، مسئله این نیست

محسن هاشمی در اظهار نظری درباره دخالت بیشتر شهرداری در امور سینماداری سخن گفته است که این صحبت واکنش لشکری قوچانی را برانگیخت. آیا مشکل سینمای ایران متولی گری شهرداری یا سازمانی دیگر است؟

محسن هاشمی در اظهار نظری درباره احیای سینماهای خاطره‌انگیز گفته بود «برخی سینماهای قدیمی در اختیار نهادهای انقلابی هستند و از این نهادهای انقلابی خواهش می‌کنیم اگر امکان دارد بهره‌برداری از این سینماها را در اختیار شهرداری قرار دهند.»

منظور آقای هاشمی از نهادهای انقلابی حوزه هنری و بنیاد مستضعفان است. البته چندی پیش میان این دو نهاد توافقی به عمل می‌آید تا سینماهای بنیاد به موسسه سینمای بهمن سبز، نهاد متولی سینماداری حوزه هنری منتقل شود و حتی خبرهایی از واگذاری سینما آفریقا و رادیوستی به گوش رسید؛ اما بنر فروش سینما قیام معادلات را بر هم زد.

با این حال حرف‌های هاشمی مورد توجه سینماگران بوده است. اخیراً لشکری قوچانی، تهیه‌کننده سینما در حساب اینستاگرامی خود نسبت به این صحبت‌ها واکنش نشان داده است. وی معتقد است واسپاری سینما به شهرداری کار درستی نیست و دلایل خود را بدین شرح بیان می‌کند:

۱. شهرداری کلی فرهنگسرا دارد که از آنها استفاده بهینه نمی‌کند و بهتر است که مدیریت هر فرهنگسرا جداگانه به بخش خصوصی واگذار شود.

۲. پنج درصد پول بلیط سینما به عنوان عوارض و جلوتر از صاحب سینما و تهیه‌کننده به حساب شهرداری واریز می‌شود و گرفتن مالیات و عوارض از کالای فرهنگی اشتباه است.

۳. شهرداری در سینماداری (مدیریت سینما) به جز فرهنگسراها موفق نبوده است و البته تخصص شهرداری ایران نیست و بهتر است مدیریت پردیس ملت و ... به بخش خصوصی واگذار شود.

۴. فعالیت‌های شهرداری در امور فرهنگی (جشنواره، تهیه فیلم و ...) نسبت به هزینه انجام شده نمره منفی داشته است.

۵. شهرداری به اطلاع‌رسانی فیلم‌ها هم کمک مشهودی نمی‌کند و اگر به فیلمی کمک کرده است، نه برای انقلاب، نه برای فرهنگ و متأسفانه به دلیل ارتباطات خاص افراد بوده است و با یک بررسی کوچک متوجه صحت این مطالب می‌شوید.

۶. به نظر به تخصص بها بدهیم و اگر بناست سینما در اختیار بخش خصوصی نباشد، با عرض پورش، مطابق قانون حوزه هنری به شهرداری مقدم است. شهرداری در حیف و میل کردن بودجه فرهنگی، در اهالی فرهنگ مشهورتر است و البته موازی کاری حوزه هنری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم صحیح نیست و بایستی چاره‌اندیشی کرد. به جای گرفتن سینما، سینما را در چارچوب قانون آزاد بگذاریم. این صحبت لشکری قوچانی در حالی زده می‌شود که هم‌اکنون مدیریت سینما آزادی - محصول شهرداری تهران - در اختیار حوزه هنری است و همواره گمانه‌هایی برای مشارکت بیشتر این دو نهاد وجود داشته؛ کما اینکه شایعاتی مبنی بر مدیریت حسن بنیانیان، مدیر سابق حوزه هنری به دفتر ساختمان کشاورز سازمان فرهنگی هنری شهرداری به گوش می‌رسد.

همچنین در برنامه‌های مختلف فرهنگی اعم از جشنواره این دو نهاد از مشارکت مناسبی بهره می‌برند و به نظر نمی‌رسد چندان رقیب فرهنگی یکدیگر به حساب آید. به نظر صحبت‌های محسن هاشمی بیشتر جنبه حمایتی از سینماگرانی دارد که عموماً از کلیدواژه تحریم حوزه هنری استفاده می‌کنند و با عدم اکران فیلم‌هایشان در سینما آزادی مواجهند که در این صورت این جدال به یک تناقض شبیه می‌شود. منبع: خبرگزاری تسنیم

روند واگذاری سینماهای بنیاد مستضعفان به حوزه هنری کندپیش می‌رود

فرزین ماندگار



اقدامی کارشناسی و به صرفه تلقی نشود، ولی در هر حال واگذاری آنها به حوزه هنری به طور قطع اقدامی منطقی تر قلمداد می‌شود. ظاهراً واگذاری این سالن‌ها از زمانی که رهبر انقلاب دستور آن را صادر کرده‌اند تا به الان روند بسیار کندی را از سر گذرانده است و به رغم اینکه رئیس این بنیاد به لزوم واگذاری تأکید دارد، ولی مقاومت‌هایی علیه این مسئله در میان مدیران میانی به چشم می‌خورد که روند کار واگذاری را کند کرده است.

منبع: روزنامه جوان

با اینکه بنیاد مستضعفان مکلف شده تمام سالن‌های سینمای خود را به حوزه هنری واگذار کند و رئیس این نهاد نیز اخیراً بر این مسئله تأکید کرده‌است، اما همچنان مدیران پایین‌دستی از واگذاری برخی سینماها استنکاف می‌کنند.

با اینکه بنیاد مستضعفان مکلف شده تمام سالن‌های سینمای خود را به حوزه هنری واگذار کند و رئیس این نهاد نیز اخیراً بر این مسئله تأکید کرده‌است، اما همچنان مدیران پایین‌دستی از واگذاری برخی سینماها استنکاف می‌کنند. سعیدی کیا، رئیس بنیاد مستضعفان اخیراً گفته‌است: «بنیاد در دوره جدید خود مکلف شده تمام سینماهای تحت اختیار خود را واگذار کند. بنابراین علاوه بر واگذاری تمام سینماها که آخرین آن هم سینما آفریقا است، فقط دو سالن سینما در مجموعه تفریحی-فرهنگی چمران در اختیار داریم که آنها هم چون سالن‌های مجزا نیستند، امکان واگذاری نیست. البته شهرک سینمایی نور که فیلم سینمایی «محمدرسلول‌الله (ص)» در آن ساخته شد، متعلق به بنیاد است و در حال برنامه‌ریزی هستیم تا از آن بهره‌برداری‌های توریستی انجام دهیم. البته اگر کارگردانی قصد تولید فیلم در آنجا را داشته باشد با او مذاکره خواهیم کرد.

چرا وقتی سعیدی کیا، رئیس بنیاد مستضعفان در تازه‌ترین گفت‌وگویش رسماً اعلام می‌کند ما مکلف شده‌ایم همه سینماهای بنیاد را به حوزه هنری واگذار کنیم، مدیران پایین‌دستی ایشان از واگذاری سینما آفریقا و سینما قیام طفره می‌روند. حتی سینما قیام را برای کاربری تجاری به مزایده هم گذاشته‌اند؟ آیا این خلاف دستور رهبری نیست. بنیاد مستضعفان انبوهی از سینماهای کشور را با پیروزی انقلاب اسلامی در دست گرفت، ولی پس از گذشت نزدیک به چهار دهه این انقلاب در استفاده بهینه از این امکان به طور کامل ناموفق نشان داده‌است. این در حالی است که طی همین مدت می‌توانست این امکانات در اختیار نهادهای چون حوزه هنری قرار بگیرد و استفاده بهتری از آنها به عمل بیاید. هر چند که این سالن‌ها به لحاظ سر و شکل و قدمت جزو بناهای فرسوده محسوب می‌شوند و بازسازی آنها نیز شاید

یادداشت علی روبین تن به مناسبت ماه محرم

ماه حریم و حرم

علی روبین تن کارگردان سینما به مناسبت فرارسیدن ماه محرم یادداشتی منتشر کرد.

در غروب شب اول ماه محرم دلگیر و خسته نشسته بودم و با ذهن خود خلوت کرده بودم که چه کنم، چه کردم. غبطه خوردم که نه ترانه ابوالفضل را ضبط کردم نه ترانه علی اکبر. و دو سال است که قرار است مجموعه داستان شرم عرق را به مناسبت ماه محرم چاپ کنم که نکردم. داشتیم در پسماند ذهنم چلنج می‌کردم که چه خطبی از من سر زده که این خاندان گرام اذن انجام نمی‌دهند که پیامی دریافتیم تا یادداشتی برای ماه محرم بنویسم. چه خوب کرم و دهش این خاندان لایتنه‌هایی است، به من روسیاه هم اذن می‌دهند. چه خوب.

محرم ماه، ماه حریم و حرم است. ماه ستایش از رشادات است. ماه دینی نیست. ماه آزاد مردی‌ست، که هر دین‌نداری می‌تواند مشق آزادی کند. در این روزگار مرد دلیل کن که همه یا می‌خرند یا می‌فروشند، مردی از تبار همای رحمت سر ناسازی با قدرتی ساز می‌کند تا قدرت سبیر نگرده و سیاست بر اریکه قدرت آرام نگیرند. در هیچ دوره‌ای این همه سیاست گرد هم جمع نشده بودند تا در آزادی بر بندند. یزید، عمروعاص، آل زبیر، شمر، عمر سعد و الی ماشاء... اما مردی با پشتوانه‌ی خانواده روبروی آن‌ها ایستاد. نه..نه..نه... غلط گفتم به قدرت‌شان تن نداد تا روبرویش بیایستند و ایستادند تا پای جان. اما شیرینی به جان در برابر ذلت نمی‌ارزد. و آن مرد تا پای جان

خودش و خاندانش ایستاد و همه را قربت کرد به الی... و مگر می‌شود با خدا معامله کنی و اجر نبینی؟

آن خون جوشید... جوشید... جوشید تا به ما رسید. و چه کسانی بهتر از ایرانیان این جوشیدن خون را کوشیدند تا آخر زمان ناحق روسیاه کنند و پاس زیر ذلت نرفتن را حماسه‌ای کنند جاودانه.

ما قدر خون آزادی و آزاد مردی را می‌دانیم. ما به پاس آزادی نذر می‌کنیم و تعزیت‌مان از این است که چرا آزادی تنها ماند. بر سر و سینه‌مان می‌کوبیم تا قدر آزادی را بدانیم. در هیچ کجای دنیا هیچ مردمی از اشک به حماسه نمی‌رسند جز ایران و در تعزیت نشاط و قدرت نمی‌یابند جز ایران که ایران ماوی شیعه است و تمام شهیدان آزادی در باور مردم ما، ایران جاودانه‌اند و زنده و جاوید.

محرم اولین ماه عربی به خون حسین رنگین شد که تا آخر سال‌شان زرد رویان پلشت از خون حسین رخ و صورت خود را سرخ بینند.

الهی به حق حسین (ع) به حق علی (ع) که در هیچ حزب و دسته‌ای نمی‌گنجند و تنها سردمدارانی هستند که می‌توانند نقطه‌ی وفاق، هم‌دلی و هم‌بستگی باشند، راه مردان گشاده باشد و نامردان همیشه مذموم و روسیاه.

السلام علی الحسین و علی...
یا حسین به قول ترانه تیتراژ فیلم دل شکسته
ای که مرا خوانده‌ای راه نشانم بده...
خزان ۱۳۹۶





ذائقه تماشاچی را با دست‌های خودمان به سمت سرگرمی سوق داده‌ایم

در بن‌بست رابطه میان هنر و مخاطب قرار داریم؛ لذا توصیه‌ام این است که از خداوند بخواهیم ما را از این وضعیت بحرانی نجات بدهد و خودمان هم تلاش کنیم تا وضعیت فرهنگی هنری جامعه‌مان را تغییر بدهیم.

در ساخت آثار دفاع مقدس دست فیلم‌سازان را باز بگذاریم

علیرضا بذرافشان، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان، با اعتقاد بر اینکه باید در زمینه آثار دفاع مقدس در سینما و تلویزیون فرهنگ‌سازی شود، به دشواری‌های ساخت این آثار اشاره کرد و گفت: ساخت فیلم و سریال‌هایی با موضوع جنگ بسیار پرهزینه است و بودجه‌های بالا می‌خواهد؛ مضاف بر اینکه نیازمند این است در ساخت این گونه آثار دست سازندگان باز باشد. کارگردان سریال دفاع مقدسی «نابره رنج» به مناسبت هفته دفاع مقدس در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری درباره اینکه چرا میل سینماگران و کارگردانان تلویزیون برای ساخت آثار دفاع مقدسی نسبت به سال‌های گذشته کمتر شده است، توضیح داد: در این زمینه به طور کلی نمی‌توانم اظهار نظر کنم؛ چرا که نمی‌دانم در ذهن بقیه فیلم‌سازان چه می‌گذرد؛ اما آنچه در ذهن خودم می‌گذرد این است در ساخت آثاری با موضوع جنگ، چندین مورد وجود دارد که کار را خیلی دشوار می‌کند؛ یکی اینکه متولی در این حوزه زیاد است و از طرفی وقتی یک اثر دفاع مقدسی ساخته می‌شود، با سبلی از انتقادات بیجا مواجه می‌شود و در مجموع مدعیان این گونه آثار در مرحله ساخت و پخش زیاد هستند که به نظر من واقعا مسئله مهمی است و فیلم‌ساز را اذیت می‌کند.

وی همچنین به بودجه ساخت آثار دفاع مقدسی اشاره کرد و گفت: بودجه از دیگر مسائل مهم در

دفاع مقدس هستند تا بتوانند نیاز امروز و آیندگان را برطرف کنند.

کارگردان فیلم‌های دفاع مقدسی «حمله به اچ‌۳»، «گذرگاه»، «پرچمدار» و ... سپس درباره اینکه برای جذب مخاطب بیشتر به حوزه فیلم‌سازی با موضوع دفاع مقدس چه راهکاری پیشنهاد می‌دهد، خاطرنشان کرد: به نظر می‌آید سینمای ما در حال حاضر دچار یک بحران جدی شده است و فیلم‌سازان ما هنوز خودشان را پیدا نکرده‌اند. به نظر من این موضوع راه برون رفتی ندارد، مگر اینکه ما همواره به یکدیگر تذکر بدهیم و برای ارزش‌های این حوزه بیشتر اهمیت قائل شویم. در نهایت امیدوارم جوانان فیلم‌ساز ما دوباره به سمت سینمای دفاع مقدس روی بیاورند و در این عرصه موفق باشند. متأسفانه ما خودمان با دست‌های خودمان ذائقه تماشاچی را به سمت سرگرمی و فضای غفلت سوق داده‌ایم و به نوعی مخاطب را از فضای عقیدتی دور کرده‌ایم. بنابراین اولین کاری که باید برای بهبود این شرایط انجام دهیم این است که با تغییر رویکردمان نسبت به سرگرمی در رسانه‌ها فضای فکری جامعه را به سمت فضاهای جدی‌تر و خدایی‌تر سوق بدهیم؛ البته مقدار کمی از آن با تلاش انسان‌هاست.

سازنده فیلم سینمایی «ملک سلیمان» در پایان در پاسخ به اینکه آیا نگاه‌های تازه به سینمای مقدس وجود دارد و اینکه آیا سینماگران به دنبال کشف مضامین تازه از دل این رویداد می‌روند و یا اینکه آثار گذشته را تکرار می‌کنند، گفت: ما اگر بتوانیم فضای جامعه را به سمت و سوی جدی‌تر و ایمانی‌تر و خدایی‌تری سوق بدهیم، در آن صورت است که مخاطبان مناسب‌تری هم برای ابداعات و موضوعات جدیدتر هنری پیدا خواهند شد. در حال حاضر کمی

شهریار بحرانی، نویسنده و کارگردان سینما، معتقد است: سینمای دفاع مقدس با پهنه وسیعی که دارد تنها به ۸ سال دفاع مقدس محدود نمی‌شود، بلکه به غیر از زمان می‌تواند به امروز ما و آینده گسترش پیدا کند.

این فیلم‌ساز در گفت‌وگویی درباره اینکه چرا میل سینماگران نسبت به گذشته به ساخت آثاری با موضوع جنگ کمتر شده است، توضیح داد: سینمای دفاع مقدس درواقع همان زیرمجموعه سینمای مقاومت تعریف شده است و نکته‌ای که نباید از نظر برود، این است که سینمای دفاع مقدس ما یک گستره‌ای دارد و به نوعی پهنه وسیعی را شامل می‌شود که تنها به این معنی نیست که در آثارمان به ۸ سال دفاع مقدس‌مان بپردازیم، بلکه همان طور که تاکید کردم می‌تواند به امروز و آینده ما گسترش پیدا کند. به عنوان نمونه، منظور از امروزمان، جنگ در سوریه، عراق و نقاط مختلف جهان است که دشمن به مسلمانان حمله می‌کند و ما هم به دستور قرآن و همچنین توصیه رهبرمان باید از مسلمانان دفاع کنیم. وی افزود: منظور از آینده سینمای دفاع مقدس نیز این است که دشمن همواره درصدد ضربه زدن به ماست و ما باید هوشیار باشیم؛ بنابراین یک بحث فراگیر درباره کار نظام اسلامی و شخصیت‌های اقشار و اهدافی که اسلام برایمان ترسیم کرده، این است که اگر از این منظر نگاه کنیم، دفاع مقدس در دوران ۸ ساله‌اش بخش کوتاه‌تری را دربرمی‌گیرد. درواقع ما، هم باید به ذخایر قبلی‌مان در حوزه دفاع مقدس تکیه کنیم و هم اینکه خودمان را آماده کنیم تا با مسائل روز در این حوزه نیز پیش برویم. چه بسا برخی از فیلم‌سازان دفاع مقدس، جبهه ۸ ساله را رها کرده‌اند و درصدد دید گسترده‌تری نسبت به ساخت فیلم‌های

مربوط به این کار گران تر است و متأسفانه این ابزار دست کسانی است که حمایت نمی کنند. من به عنوان بازیگر هم در تلویزیون و هم در سینما کار دفاع مقدسی داشتم و عینا دیده ام که آن طور که باید و شاید از این گونه آثار حمایت نمی شود. به عنوان مثال سلیقه من نوعی با فیلم هایی چون «آخراجی ها» و «معراجی ها» هیچ سختی ندارد و احساس می کنم چرخش عجیب و غریبی بودند اما به هر حال این گونه آثار با اقبال فراوانی مواجه شدند و این نشان می دهد اگر زبان مشترکی با مخاطب پیدا کنیم و در عین حال از آثار دفاع مقدس حمایت شود، می تواند موفق باشند.

زندگانی سپس تاکید کرد: ما قهرمانان زیادی همچون شهید همت، باکری، بابایی و ... در عرصه جنگ داریم که می توان راجع به آن ها صحبت کرد و همچنین بسیاری از قهرمانان جنگی که می توان کارهای بی نظیری از آن ها ساخت ولی متأسفانه زمانی که امکانات ناقص در عرصه ساخت این گونه آثار ارائه شود، معلوم است که کارهای جنگی قابل باوری به مخاطب ارائه نخواهد شد. به عنوان مثال، وقتی برای ساخت آثاری با موضوع جنگ تانک هایی

هنوز در کنارمان هستند و به نظرم هیچ وقت هیچ جنگ و رویداد تاریخی کهنه نمی شود و همیشه می توان درباره شان حرف زد. البته با نگاه های نو باید به آن ها پرداخت. قصه آثار دفاع مقدسی نباید حتما در ۸ سال دفاع مقدس بگذرد بلکه می تواند برگرفته از آن ۸ سال دفاع مقدس باشد و یا حتی به شکل تخیلی به آن پرداخته شود.

بذرافشان در پایان درباره اینکه آیا تمایلی به ساخت اثری با موضوع جنگ دارد، گفت: کار کردن در این عرصه همان طور که اشاره کردم خیلی سخت است. با توجه به شرایط موجود و وضعیت و امکانات و بودجه های فعلی کشورمان اصلا ترجیح نمی دهم فعلا در این عرصه کار کنم. در حال حاضر هم کار جدیدی ندارم و به دنبال این هستیم تا اگر بشود برای فصل دوم مجموعه «گسل» کارهایی انجام بدهیم البته قطعی نیست.

اگر از کتاب های دفاع مقدس فیلم و سریال بسازیم، تا ۱۰ سال دیگر سوژه داریم

امین زندگانی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، معتقد است: در بخش ساخت آثار دفاع مقدس منابع کمی نداریم؛ ضمن اینکه کتاب های چاپ شده بسیار

ساخت آثار جنگی است؛ ضمن اینکه در حال حاضر وضعیت مالی تلویزیون به شکلی نیست که بتوان کار پرهزینه ساخت، آثار جنگی هم هزینه های بالایی می خواهد البته اگر قرار باشد آثار دفاع مقدس خوب با کیفیت و به شکل حرفه ای نمایش داد، هزینه بالایی می طلبد. همچنین مخاطبان هم نسبت به سال های گذشته تغییر ذائقه داده اند و متأسفانه متولیان فرهنگی طی این سال ها کاری نکرده اند تا رغبت مخاطب برای تماشای آثار مربوط جنگ و دفاع مقدس حفظ شود. به نظرم در این زمینه متولیان باید فرهنگ سازی کنند.

بذرافشان در پاسخ به اینکه چه راهکاری برای جذب مخاطب بیشتر در عرصه دفاع مقدس پیشنهاد می کنید، خاطر نشان کرد: در ابتدا به نظرم باید کمی دست فیلم سازان را باز بگذاریم؛ چرا که در هر مقوله ای نگاه انتقادی خیلی مهم است و طبیعتا حوزه دفاع مقدس هم از این امر مستثنی نیست؛ از طرفی نگاه ستایش گرانه در آثار این چنینی همیشه به شعار ختم می شود و مسلما هیچ مخاطبی از شعار خوش نمی آید؛ ضمن اینکه نگاه انتقادی هم الزاما به معنای نفی نیست اما برخی این طور فکر می کنند. سینمای



در ارزشی در همین عرصه داریم که به جرئت می توان گفت اگر از روی همان آثار فیلم و سریال بسازیم تا ۱۰ سال دیگر هم سوژه برای تولید داریم.

این هنرمند به مناسبت هفته دفاع مقدس در گفت و گو با خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری درباره دلایل دوری سینماگران از سوژه های دفاع مقدس و رغبت کم آن ها نسبت به ساخت این گونه ژانرها نسبت به سال های قبل گفت: در این زمینه مواردی چون هزینه بالای ساخت آثار دفاع مقدس، دشواری در تولید و همچنین تغییر ذائقه مخاطبان همه و همه دخیل هستند؛ به علاوه اینکه جاهایی که باید از این گونه آثار حمایت کنند، متأسفانه حمایت نمی کنند. به عنوان مثال، ما می بینیم سال ها از جنگ جهانی کشورهای نظیر ژاپن و آلمان گذشته اما هنوز که هنوز است درباره این رویداد، فیلم و مستند می سازند و آثار خوبی ارائه می دهند که پرفروش هم هستند و در نهایت مردم هم استقبال می کنند؛ بنابراین این نشان می دهد که سوژه هایی که مربوط به هر نوع جنگی است برای عموم مخاطبان جذاب است اما اینکه چرا در ایران این طور نیست چند دلیل دارد. وی ادامه داد: اساسا سینمای جنگ به خاطر ابزار

دفاع مقدس در واقع یادآوری یک سری ارزش همراه با واقعیت هاست نه اینکه صرفا به نقاط مثبت اشاره شود. در مجموع معتقدم برای جذب مخاطب در همه حیطه ها من جمله دفاع مقدس باید حتما وارد حیطه نقد شد. به عنوان مثال، در یک اثر نمایشی خیلی مسائل نقدپذیر است. به نظرم اگر قرار است در یک اثر فقط ارزش های یک چیز نشان داده شود باید از نقطه نفوذپذیرش وارد شد؛ چرا که در همه جای دنیا هم همین طور است و اساسا عنصر جذابیت این گونه به وجود می آید که متأسفانه ما از این نکته گریزان هستیم.

کارگردان مجموعه های «نابرده رنج»، «گسل»، «هفت سنگ» و ... در ادامه درباره ورود نگاه های تازه به سینمای دفاع مقدس و پرهیز از اینکه سینمای دفاع مقدس صرفا به ۸ سال دفاع مقدس محدود نمی شود، بلکه سینماگران باید به دنبال کشف مضامینی تازه از دل این رویداد باشند، توضیح داد: اعتقاد من این است که به عنوان مثال سال هاست از جنگ جهانی دوم گذشته و هنوز اثر آن باقی مانده است. بنابراین رویدادی که تنها ۳۰ سال از آن گذشته می شود همچنان روی آن کار کرد؛ کماینکه افراد جنگ هم

او همچنین در بخش فیلم نامه آثار دفاع مقدسی اشاره کرد و گفت: ما همیشه ناچاریم در ساخت آثار دفاع مقدس همیشه برای حفظ حرمت ها فقط به نقاط مثبت قهرمانان جنگمان اشاره کنیم؛ بنابراین قهرمانان جنگ ما همیشه در فیلم و سریال ها فرشته می شوند و همین مسئله ممکن است برای مخاطب غیر قابل باور باشد؛ در حالی که باید به همه ابعاد و واقعیت های زندگی قهرمانان جنگ اشاره شود تا برای مخاطب هم جذاب تر باشد.

بازیگر سریال دفاع مقدسی «فقیسی برای پرواز» در ادامه در پاسخ به اینکه در مجموع چه راهکاری برای جذب مخاطب در حوزه دفاع مقدس پیشنهاد می دهد، خاطر نشان کرد: در ابتدا باید مخاطب را برای کل سینما جذب کنیم و برای این مسئله راهکاری پیدا



باسابقه تلویزیون. خداوند یار و همراهشان، علیرضا جلالی را حفظ کند که ایشان هم همه این سال‌ها پا به پای مرحوم آخوندی برای ساختن فیلم‌های سینمای دفاع مقدس رنج بسیار برده است. تنها کاری که شخصاً توانستم در این زمینه انجام بدهم فصل عراق از سریال «دولت مخفی» بود که شاید خیلی هم نشود به عنوان کار دفاع مقدسی نامیدش اما برای من همین هم غنیمت بود؛ چراکه همیشه دلم می‌خواست و می‌خواهد کاری در حوزه جنگ و دفاع مقدس بسازم و این اولین و البته تنها موقعیت ممکن بود که شاهد بودم ساختن فیلم دفاع مقدسی چه مصائبی دارد، البته که الان دیگر تعجب نمی‌کنم؛ آن وقت‌ها خیلی جوان بودم و متحیر از اینکه مگر می‌شود در کشورمان بخواهی درباره رشادتهای مردانی بگویی که دیگر نیستند و نشود!

حالا تقریباً دیگر از هیچ چیز تعجب نمی‌کنم. هر بار هم که با مسئولان بلندپایه سینما یا تلویزیون کشور می‌نشینم و از دغدغه‌های می‌گویم با شنیدن پاسخ‌هایشان بیشتر به این نتیجه می‌رسم که ماییم و موج سودا! احتمالاً ما در جهان دیگری زیست می‌کنیم و مدیران در جهانی دیگر؛ طبیعی است که این مسئله به شکل کلان چنین است و اگر بخواهیم ریزتر هم بدان بنگریم که قطعاً سینمای دفاع مقدس هم بخشی مهم و جدی از آن است، باز به همین نتیجه تلخ خواهیم رسید. به قول مرحوم آخوندی یک هفته در سال، سینمای دفاع مقدس مهم می‌شود، آن هم همان هفته دفاع مقدس است و تمام! تا سال بعد برسد و هفته دفاع مقدس بعد!

میل به ساخت فیلم دفاع مقدس اصلاً کم نشده است. نگاه نو هم کم نیست ولی اولویت مدیران امروز ظاهراً این نیست. از شما چه پنهان که من هنوز ناامید نیستم و در حال حاضر با دوست عزیز محقق که در این زمینه هم سال‌ها بسیار کوشیده‌اند، مقدمات نگارش فیلم‌نامه‌ای کاملاً بدیع از بخشی از دفاع مقدس که با وجود اهمیت بسیار تاکنون مطلقاً به آن پرداخته نشده است را فراهم می‌آوریم. با همه توانم هم خواهیم کوشید و جنگید که این فیلم دفاع مقدس ساخته شود. علی‌رغم امیدی که در درونم می‌جوشد، می‌دانم که مدیران امروزان جاهای دیگری سیر می‌کنند و راه سختی در پیش است، خیلی سخت.

و همچنین واحدهای فرهنگی و هنری همچون سپاه، ارتش و ... گام‌های موثرتری در این عرصه بردارند و در عین حال اراده قوی‌تری از خود نشان بدهند، فیلم‌سازان هم وارد عمل می‌شوند؛ چراکه عرصه، عرصه دشواری است.

او در ادامه همین اظهارات اضافه کرد: از آنجایی که ساخت آثار مربوط به جنگ و دفاع مقدس تجهیزات و امکاناتی را می‌طلبد که به نوعی خارج از همکاری متولیان اصلی این عرصه ممکن نخواهد بود. بنابراین باید با حمایت‌هایشان راه را برای فیلم‌سازان هموارتر کنند تا فیلم‌ساز با دغدغه کمتری به سراغ موضوع دفاع مقدس برود. من شخصاً در مجموعه «کیمیا» با همین بخش به طور جدی مواجه شدم و چیزی حدود ۷ ماه درگیر سکانس‌های مربوط به جنگ در این سریال بودم؛ چراکه ساخت آثاری با موضوع جنگ امکانات بالا می‌خواهد و دشواری‌های خاص خودش را دارد.

افشار سپس تصریح کرد: گرچه اعتقاد شخصی‌ام این است که همچنان می‌شود به موضوع دفاع مقدس پرداخت و این موضوع همیشه تازگی دارد اما در عین حال معتقدم الزاماً نباید در همان تاریخ مربوط به جنگ ۸ ساله و در همان ایام بمانیم و قصه‌ها فقط در همان مقطع سپری شود بلکه می‌توان به قبل و بعد از جنگ و یا نسل امروزان بپردازیم و برای کارهای این چنینی سوژه‌های نابی انتخاب کنیم تا به بهترین شکل ممکن از ظرفیت‌های موجود در این عرصه استفاده کنیم.

این کارگردان در پاسخ به اینکه در زمینه فیلم‌سازی در حوزه دفاع مقدس باید چه کرد، تاکید کرد: همان‌طور که تاکید کردم، من فکر می‌کنم مهم‌ترین گام تأمین بودجه و امکانات لازم در این زمینه است و گر نه قصه و سوژه در این عرصه زیاد است. زمانی که میل مدیران مربوطه در زمینه دفاع مقدس بالا برود فیلم‌سازان هم بیشتر به سراغ چنین موضوعاتی خواهند رفت.

جواد افشار در پایان صحبت‌هایش به فاجعه نسل‌کشی میانمار اشاره کرد و گفت: جا دارد تأسف خودم را درخصوص ماجراهای دردناکی که در میانمار سپری می‌شود اعلام کنم و تسلیت بگویم به همه مسلمانان جهان و از طرفی خطاب به جامعه جهانی و کسانی که ادعای حقوق بشر می‌کنند بگویم نسبت به رفتار و سکوتشان تجدید نظر داشته باشند تا ببینند چه بر سر مسلمانان می‌آید.

فیلم دفاع مقدس اولویت مدیران سینما نیست راما قویدل در یادداشتی که در اختیار پایگاه خبری حوزه هنری قرار داد، درباره بی‌میلی سینماگران به ساخت آثار دفاع مقدس، راهکارهای جذب مخاطب در زمینه این آثار، خلاقیت و نگاه‌های تازه در این عرصه و ... چنین نوشت:

«من چند سال با مردی همکار بودم که در این زمینه سخت کوشید و توانست پُرکارترین تهیه‌کننده این حوزه باشد: زنده‌یاد حمید آخوندی، تهیه‌کننده

کنیم؛ چراکه متأسفانه حباب فروش‌ها در سینما ما را گول می‌زند؛ در حالی که نباید این‌گونه فکر کنیم. ما نسبت به سال گذشته بالای ۱۰ درصد ریزش مخاطب در سینما داشتیم اما در عین حال افزایش فروش هم داشتیم؛ چون بلیت‌ها گران‌تر شده اما تعداد مخاطبان کمتر شده است. کار دفاع مقدس با چند جمله شعاری موفق نخواهد شد. بهتر است ما بیابیم ببینیم چقدر در این عرصه موفق بوده‌ایم و چقدر موفق شدیم که یک عملیات جنگی را در آثارمان حداقل ۱۰ درصد به واقعیت نزدیک کنیم تا مخاطب جذب شود؛ ما در آثار دفاع مقدس فقط می‌خواهیم ارزش‌ها را حفظ کنیم؛ در حالی که که همه ما ارزش‌ها را حفظیم و مخاطب به این نیاز دارد که با واقعیت‌ها روبه‌رو شود.

زندگانی در پایان درباره اینکه آیا نگاه‌های تازه‌ای نسبت به سینمای دفاع مقدس وجود دارد و آیا سینماگران به دنبال کشف مضامینی تازه از دل این رویداد هستند یا آثار گذشته را تکرار می‌کنند، اظهار کرد: من فکر می‌کنم ما در این زمینه منابع و مآخذ کمی نداریم. به عنوان مثال، کتابی با عنوان «دختر شینا» که اثری در همین زمینه است اما خیلی به موضوع جنگ نپرداخته و بیشتر به تبعات جنگ اشاره کرده است، نمونه خیلی خوبی برای ساخت است. وقتی این کتاب که خیلی هم پرفروش بوده روی کاغذ این‌گونه است پس اگر ساخته شود و درست هم ساخته شود، قطعاً از اقبال خوبی برخوردار خواهد بود البته به شرطی که پخش خوبی داشته باشد. من به جرئت می‌توانم بگویم اگر از کتاب‌های چاپ شده خوبی نظیر «دختر شینا» برای تولید فیلم و سریال استفاده کنیم تا ۱۰ سال آینده هم سوژه برای پرداخت به دفاع مقدس داریم. در پایان امیدوارم هوای تازه‌ای وارد فرهنگمان شود تا این کسالت‌های موجود زودتر برطرف شود و همه ما سر حال شویم.

جامعه جهانی

درباره فاجعه میانمار سکوت نکند

جواد افشار، کارگردان سینما و تلویزیون، مهم‌ترین گام در پیشرفت سینمای دفاع مقدس را حمایت مدیران و متولیان اصلی این امر و همچنین تأمین بودجه و امکانات لازم برای ساخت آثار مربوط به دفاع مقدس عنوان کرد.

کارگردان مجموعه‌های «کیمیا»، «جابرین حیان»، «مادرانه» و «برادر» به مناسبت هفته دفاع مقدس در گفت‌وگویی درباره اینکه چرا میل سینماگران و عوامل تلویزیون در ساخت آثار دفاع مقدس نسبت به سال‌ها قبل کمتر شده است؟ خاطر نشان کرد: به نظر من متولیان اصلی و تصمیم‌گیرندگان دستگاه اجرایی مربوط به سینمای دفاع مقدس باید قوی‌تر و محکم‌تر در این زمینه عمل کنند، به هر حال فیلم‌سازان سینما و تلویزیون همچنان سر جای خودشان باقی هستند و از طرفی مخاطبان هم وقتی آثاری در خورشان خود تماشا کنند، از آثار ساخته شده استقبال می‌کنند. بنابراین چیزی تغییر نکرده است و تنها اگر دولت و متولیان اصلی بخش مربوط به سینمای دفاع مقدس

نگاهی به مستند «کربلا، جغرافیای یک تاریخ»

روایت عشق ایرانیان به امام حسین (ع)

نرجس علوی مقدم



زینب (س) را دید، هم به سراغ عباس (ع) رفت، هم کودکان شنه لب و اسیرایی را دید که پس از امام حسین (ع) بی یاور مانده‌اند. «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» مستندی نیست که رنگ کهنگی بگیرد، به این دلیل که مسئله روز را روایت نمی‌کند و به عشقی می‌پردازد که شعله آن سال‌هاست در دل شیعیان و ایرانیان زبانه می‌کشد. داریوش یاری در مستند سینمایی «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» کوشیده با ورود فکر شده و از سر خلایقیت به حوزه‌های دشوار، اثری متفاوت در حوزه سینمای دینی خلق کند. «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» همان طور که از نامش پیداست واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشد، اما در سفری که مخاطب به همراه راوی (با صدای شهاب حسینی) طی می‌کند بیش از آنکه ماجرای عاشورا روایت شود، پیامدهای آن به تصویر کشیده شده. تأثیری که این رویداد حماسی بر فرهنگ شیعه داشته و تغییری که بر باورهای معنوی دارد. امتیاز مستند سینمایی یاری، این است که بر یک روش و

با یک تکنیک روایت نشده. تنوع تصویری و فرمی در آن فراوان است. بازی‌های فرمی هم در فیلم به وفور دیده می‌شود. در عین حال، فیلمساز به هنرهای سنتی و ایرانی ادای دین می‌کند. به سراغ تعزیه، نقالی و نگارگری و از این طریق، تأثیر فرهنگ عاشورایی را بر هنر ایرانی به تصویر می‌کشد. فیلمساز در «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» دو انتخاب درست و هوشمندانه داشته. استفاده از صدای گرم شهاب حسینی که با اقتدار مردانه، سفر امام حسین (ع) و یارانش را برای مخاطب روایت می‌کند و مجید انتظامی که موسیقی فاخرش، مکمل حس و حال بسیاری از سکانس‌های فیلم شده. یکی از امتیازهای کار یاری در این مستند، این است که تلاشی برای بازسازی نعل به نعل همه واقعیت‌ها نداشته. او فصل‌های حساس را انتخاب کرده و به تابلویی رسیده که در آن هم می‌توان ردپای حضرت

«کربلا، جغرافیای یک تاریخ» مستندی نیست که رنگ کهنگی بگیرد، چون مسئله روز را روایت نمی‌کند و به عشقی می‌پردازد که شعله آن سال‌هاست در دل شیعیان و ایرانیان زبانه می‌کشد. داریوش یاری در مستند سینمایی «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» کوشیده با ورود فکر شده و از سر خلایقیت به حوزه‌های دشوار، اثری متفاوت در حوزه سینمای دینی خلق کند. «کربلا، جغرافیای یک تاریخ» همان طور که از نامش پیداست واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشد، اما در سفری که مخاطب به همراه راوی (با صدای شهاب حسینی) طی می‌کند بیش از آنکه ماجرای عاشورا روایت شود، پیامدهای آن به تصویر کشیده شده. تأثیری که این رویداد حماسی بر فرهنگ شیعه داشته و تغییری که بر باورهای معنوی دارد. امتیاز مستند سینمایی یاری، این است که بر یک روش و

گفتگو با کارگردان مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ»

نگاه شاعرانه یک فیلم‌ساز به عاشورا

واقعۀ به شکل‌های مختلف حرف بزنیم. فکر می‌کنید سینما چه اندازه می‌تواند در رساندن مفاهیم عاشورا نقش داشته باشد؟ هنر سینما به ویژه بعد از انقلاب بسیار هنر نوپایی است که می‌خواهد این مطالب را بیان کند، این مطالب پیش از ما به گونه‌ای به مردم گفته شده و مردم با آن درگیر هستند. خود مردم به همان دلیل حماسی اسطوره‌ای یا کامل‌تر می‌دانند یا اینکه نمی‌دانند چرا یک نوع تفکر و بینش وجود دارد که آگاهی می‌خواهی خودت را انسان متفاوت و متمدن نشان دهی باید بگویی اساساً خیلی مایل به اصول و باورهای دینی نیستی. در حالی که یادمان باشد قصه‌گویی و اخلاق در جامعه ما ریشه‌اش در تفکرات جوانمردی است و تفکرات جوانمردی سلسله‌اش را ادامه دهیم به حُر و عباس و حسین بن علی می‌رسیم. یعنی این افراد در بدنه جامعه شما مدام هستند اما نمی‌دانم چه شده، چرا از این تفکرات قطع شدیم؟ به همین دلیل به نظرم جامعه ما را یک بحران اخلاقی گرفته، چون از سلسله جوانمردی خودمان قطع شدیم. قهرمان یعنی چی؟ این روزها می‌گوییم سینمای ما قهرمان ندارد. قهرمان یعنی کسی که تصمیمی می‌گیرد و پای تصمیمش می‌ایستد. در این موضوع تمام جوانمردان ما خودشان می‌گویند که سرسلسله ما حسین بن علی است، عباس است، چون آنها تصمیمی گرفتند که ماندگار شدند و یا حُر که در یک بزنگاه مهم توانست در لحظه‌ای تصمیمی بگیرد و به رستگاری برسد. بعداً ما آمدیم این را به شخصیت‌های مختلف دادیم و گفتیم حالا اگر مصلح اجتماعی خواستیم باید آن روحیه جوانمردی را نشان دهیم. الان در فیلم‌های ما مفاهیم و مسائل اخلاقی کمی کم‌رنگ‌تر شده برای اینکه از این سرسلسله‌ها خودش را جدا کرده.

در طول کار تأکید شما بر آیین‌ها و فرهنگ‌هایی است که در دوره‌های مختلف به روایت عاشورا پرداختند؛ مثل برگزاری تعزیه، نقالی و... این آیین‌ها را چطور در کنار اتفاقات سال ۶۱ هجری قرار دادید؟

شما وقتی نتوانی آنچه که جلوی رویت هست ببینی و تحلیل کنی نمی‌توانی مسیر و جایگاه خودت را هم معلوم کنی. به نظر من هیچ فیلم‌سازی نمی‌خواهد زشتی را نشان بدهد، هیچ هنرمندی این را دوست ندارد، چون نخ دست مان نیست سر از جای دیگری درمی‌آوریم. می‌بینم جامعه‌ام را بحران اخلاقی گرفته، می‌خواهم که در موردش هم حرف بزنم ولی خودم هم یک دفعه سر از بحران اخلاقی درمی‌آورم. این به نظرم به این دلیل است که ما این روحیه ایرانی را نمی‌شناسیم. مثلاً در مورد کار خود من بسیاری از آدم‌ها بودند که گفتند چرا می‌خواهی از شخصیت‌های عربی فیلم بسازی؟ من ماندم چطور به اینها بگویم شخصیت عربی یعنی چی؟ حسین بن علی تاریخی، شمر تاریخی مُرد، شهید شد. آنجا درس‌هایی اتفاق افتاد که ما ایرانی‌ها با فهم و شعور و درایت آن لایه‌ها را دانه دانه ثبت کردیم و وقتی ندای حسین بن علی به ما رسید پرچم

ساخت کارهای مذهبی به دلیل سختی‌ها و حساسیت‌هایی که دارد دغدغه‌مندی شخصی می‌خواهد به خصوص موضوعاتی مثل عاشورا. اینکه شما روایت مستندگونه را انتخاب کردید بخاطر این سختی‌ها بود و یا از اول همین نگاه را در ذهن داشتید؟ من از اول همین نگاه در ذهنم بود که درباره این موضوع فیلم مستند کار کنم، و فیلم مستندی که کار می‌کنم ترکیبی از خود واقعۀ، هنرها و آیین‌ها باشد که بتوانم به یک زبان و لحن شاعرانه برسم. این همان لحنی است که وجود دارد. اینکه سعی کنیم فیلمی از عاشورا بسازیم و بعد چهره کسانی که در نشان دادنشان محدودیت داریم را نشان دهیم خیلی نمی‌فهمم؛ حتی اگر محدودیت هم نباشد و من در کارم نمایش بدهم، این چهره‌ای که نشان داده می‌شود یک چهره تاریخی است که من ساختم و من هنوز ۱۴۰۰ سال از چهره اسطوره‌ای که این مردم در ذهن خودشان از این شخصیت ساختند عقب هستم پس چرا باید اینکار را بکنم. من حادثه را به معنای حادثه هیچ وقت در کارم نشان نمی‌دهم؛ چرا حادثه‌ای را نشان بدهم که تماشاگر من را عقب‌تر از آن می‌بیند، چون دیگر از آن حادثه حماسه ساخته. من سعی می‌کنم از حادثه و شخصیت‌هایی بگویم که در عین حالی که از واقعیت تبعیت می‌کنند مخاطب را به امامش نزدیک کند، به جهان ذهنی که در آن به واسطه هنرها و آیین‌هایی که در فرهنگ‌اش وجود دارد لایه‌های زیبا و عجیب این حادثه را شناخته و اینها را تبدیل به حماسه کرده تا ماندگار شود. حالا من چرا دوباره بیایم این حماسه را تبدیل به حادثه کنم؟

پس خیلی با ساخت فیلم‌های داستانی مثل روز واقعه و رستاخیز موافق نیستید؟

نه اینطور نیست؛ درباره پرداختن به عاشورا از هر زاویه‌ای و با هر شکل و لحنی موافق هستم. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». هر روز عاشورا است و هر جا کربلا. این یعنی انسان؛ تو هر روز و هر لحظه باید تصمیم‌گیری، درست وقتی در شرایطی قرار می‌گیری که باید تصمیم‌گیری آنجا برایت کربلاست و آن لحظه برایت عاشورا. بخاطر همین است که حسین بن علی علیه السلام مدام در راه می‌گوید خودتان تصمیم بگیرید، تا لحظه‌ای که می‌خواهد به شهادت برسد می‌گوید خودتان تصمیم بگیرید. اختیار و آزادی را جلو می‌آورد، چون اختیار و آزادی ایمان می‌دهد و این لایه‌ای است که من به عنوان داریوش دوست دارم دوست دارم نمایش بدهم. فیلم‌ساز دیگری دوست دارد طور دیگری نشان دهد. معنای این حرف من این نیست که با فیلم‌های تاریخی که صرف به واقعۀ تاریخ می‌پردازند مخالف هستم یا نیستم. منظور من این است که سلیقه من این است.

در واقع با قبول سایر شیوه‌ها شما این نوع روایت را انتخاب می‌کنید.

بله؛ با همه احترامی که به هر شیوه و شکلی می‌گذارم این را انتخاب می‌کنم؛ به نظر من ما مدام باید از این



داریوش یاری در مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» سعی کرده با کنار هم قرار دادن آنچه در کربلای سال ۶۱ هجری اتفاق افتاده و آیین‌های مذهبی و فرهنگی مختلف درباره عاشورا، از امتداد اثرگذاری عاشورا و ارتباط عمیقی که در باورهای عامه مردم دارد بگوید.

«کربلا جغرافیای یک تاریخ» روایتی مستند از قیام امام حسین (ع) است که از تأثیر واقعۀ کربلا بر فرهنگ و سبک زندگی شیعیان می‌گوید. این مستند داستانی توانست در جشنواره «چهلچراغ» تندیس بهترین تحقیق و پژوهش را دریافت کند و جایزه بزرگ جشنواره کربلا را از آن خود کرد. راوی این مستند شهاب حسینی است، موسیقی متن را مجید انتظامی بر عهده داشته و محصول سازمان سینمایی حوزه هنری است. «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به تازگی از طرف موسسه هنرهای تصویری سوره وارد شبکه نمایش خانگی شده است. با داریوش یاری کارگردان این مستند درباره نحوه شکل‌گیری ایده کار و به سرانجام رسیدنش گفت و گو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

قرار دادیم. از بعد تاریخی هم از نظرات حجت الاسلام رسول جعفریان و آقایان طهمینژاد و طباطبایی نژاد که از نویسندگان دانشنامه امام حسین (ع) هستند، استفاده کردیم.

با این حال اطلاعاتی که در فیلم روایت می شود تقریباً همان چیزهایی است که خیلی ها بارها شنیدند و خیلی وارد اطلاعات اضافی نمی شوید.

قصد من این بود که تماشاگر در این فیلم خودش را ببیند. ببیند که چطور این حادثه را به حماسه کشانده چطور این شخصیت ها را به اسطوره تبدیل کرده. که اگر این کار را کرده یعنی لبیک. خواستم مردم خودشان را کنار حسین بن علی ببینند. من دنبال این بودم که بگویم مردم ببینید چطور هر روز با قصه امام حسین حرکت می کنید، ببینید با قصه امام حسین چه کردید. ببینید این قصه را از کجا به کجا کشاندین، ببینید چه چیزهایی از درون این قصه کشف کردید و به چه ساختاری رساندید.

خیلی وقت ها که با فرهیختگان این آیین ها را می دیدم می گفتم اینجا چرا دوتا سنگ بهم می کوبند؟ چرا نخل به این بزرگی را دنبال می کنند؟ مدام سوالات و شبهاتی داشتم که به نظرم می آمد جواب دارد. حالا وقتی از نزدیک می رفتم کنار آدمهایی که زیر این نخل یا در این مراسم سنگ زنی بودند، می دیدم اینجا چه حال خوبی دارند ولی چرا خود تاریخ را کمی دقیق نیستند؟ در واقع سعی کردم فیلمی بسازم که شخصی که این رفتار جمعی و آیین ها را انجام می دهد به فرهیخته ای که آیین ها را نگاه می کند بگوید این معنیش چیست و فرهیخته هم برای عامه خود تاریخ را تعریف کند. اما هیچ کدام موضوع را پیچیده نکنند. کلا جهان فیلم مقداری شاعرانه باشد.

راهی برای ارتباط متقابل بین عامه و قشر فرهیخته باشد.

دقیقاً؛ کلی هم غلط داریم ولی سعی مان این بود حالا ممکن است ده درصد به چیزی که می خواستیم رسیده باشیم.

فکر می کنید مخاطبی که هیچ شناختی نسبت به واقعه عاشورا ندارد می تواند با کار ارتباط برقرار کند؟ من و آقای بهروز مفید به عنوان تهیه کننده وقتی داشتیم فیلم را می ساختیم مبنای مان بر این بود که فیلم را برای کسانی می سازیم که برای اولین بار اسم حسین بن علی را می شنوند.

کار شما مستند است و نسبت به سایر فیلم های سینمایی مخاطب محدود تری دارد به علاوه اینکه در اکران فعلی تعداد سینمای در نظر گرفته شده کم است، به این فکر نکردید که انتخاب رسانه سینما مخاطب کمتری را درگیر می کند؟ البته از کیفیت خوب کار هم نباید غافل شد که این امکان در تلویزیون نیست.

فکر می کردیم حتماً تلویزیون پخش خواهد کرد ولی دوست داشتیم به دلیل جنس کیفیت فیلم، جلوه های ویژه و فضاهایی که در ساختار فیلم داشتیم روی پرده هم ببینیم. پرده بالاخره وسوسه خوبی است. در واقع وسوسه اینکه فیلم در سینما پخش شود را داشتیم. ضمن اینکه فکر کردیم پخش کار از تلویزیون بعداً امکان پذیر می شود.

منبع: تبیان

باز کردی. روزی که تو فریاد زدی شمشیرها منو بدرید که اسلام زنده بماند، حالا حسین بن علی خیالت راحت که سلام زنده است. مگر تو نگفتی «هل من ناصر ینصرنی» این نماز خواندن یعنی جواب به تو. اینکه گفته می شود کسی هست مرا یاری کند؟ مرا اینجا

یعنی چه؟ هر کس می رفت کربلا که کشته می شد، مرا یی دیگر وجود ندارد، اینجا مرا حسین بن علی نیست مرا یعنی دین خدا. حسین بن علی خودش شده دین خدا. این را بگویم ممکن است بگویند کافر شده، ولی می شود گفت حسین بن

علی آخرین حجت خداست روی زمین، خدا با همه آدم ها به شکل های مختلف اتمام حجت کرد، حساب کتاب کرد. گفت هر چه می گویم بهانه هایتان تمامی ندارد. گفت قصه ای را می گذارم وسط که تکلیف را با همگی روشن کنم. کربلا مثل قرآن قصه، احکام و اخلاق دارد و حتی من می گویم مثل قرآن الف لام میم دارد.

من چرا این صحنه را نشان می دهم؟ چرا نماز امام را کات می کنم به نماز میلیونی مردم در یزد؟ برای اینکه اول فیلم به شما می گویم حسین بن علی هم مثل جدش ۶۰ سال پیش از سرزمینی به نام مکه بیرون آمد و برای شکوفایی دین اسلام هجرت را آغاز کرد. آیا حرکت امام حسین هم برای شکوفایی دین خداست؟ من که نمی توانم مثل روحانی بروم روی منبر بگویم حسین بن علی هم مثل جدش رفت اسلام را شکوفا کرد. این در سینما تصویرش چه می شود؟ تصویرش می شود که بگویم حسین بن علی ببین این اتفاق می افتد یعنی دینت زنده است.

البته مدعی نیستیم که این روایت کامل است. نقص هایی دارد که ان شاءالله بتوانیم جبران کنیم. کارهای تاریخی نیاز به تحقیق و پژوهش گسترده ای دارد، این نیاز را چطور تأمین کردید؟ ما حدود ۵ سال را صرف تحقیق کردیم. من و دوست عزیزم مسعود عراقی از معماری بناها گرفته تا تاریخ وقایع و فرهنگ رفتارها و آیین ها را مدنظر



مان را بلند کردیم و اعلام کردیم می خواهیم در کنار مظلوم بایستیم. ما در مقابل خلافت عربی می ایستیم. ما ایرانی ها درک درستی از خلافت عربی داریم. ما ایرانی ها سالهاست که فریاد می زنیم خلافت عربی به مرور به سلطنت عربی می رسد. نتیجه سلطنت عربی به مرور آل سعود و داعش است. ما اینها را فهمیدیم، بخاطر همین هست که می گویم یک وقت هایی جامعه فرهیخته از جامعه ای که رفتار جمعی به معنای فرهنگ عامه نشان می دهد عقب می افتد. به همین دلیل سعی کردم در این فیلم رفتار جمعی، آیین ها و فرهنگ ها که توسط عامه مردم اجرا می شود در کنار خود تاریخ قرار بگیرد.

فکر نمی کنید رفت و برگشت هایی که در کار می بینیم تا حدودی باعث شده مخاطب تمرکز لازم را نداشته باشد و به محض متمرکز شدن روی تصویر با موضوع دیگری مواجه شود که مربوط به دوره ای دیگر است؟ منظور تصاویری است که مثلاً از نماز ظهر عاشورا می بینیم و بلافاصله نمایی از نماز ظهر عاشورا در یزد.

اینکه من بیایم نماز خواندن امام در عاشورا را نشان دهم و آن طرف هم نماز خواندن اشقیا را، این بعد تاریخی اش برای من جذاب نیست. ۱۴۰۰ سال روی منبر گفتند امام نماز می خواند. چیزی که برای من جذابیت دارد این است که این نماز را کات کنم به نماز عاشورای الان؛ اینکه ای حسین بن علی، تو که برای نماز شهید شدی بین چه صف بزرگی برای نماز



در نشست فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» مطرح شد:

سینمای دفاع مقدس یک نقش خوب به من بدهکار است

◀ کارگردان «دریاچه ماهی» گفت: این فیلم ملودرام عاشقانه زنانه‌ای است که از بستر جنگ شروع می‌شود و شخصیت‌ها را تا زمان حال درگیر خود می‌کند. اگر چه همه چیز از جنگ شروع می‌شود اما حرف ما عشق و صلح است.

مریم دوستی از آن دست کارگردان‌های فیلم‌های اولیه است که سینمای بلند را با ژانر دفاع مقدس آغاز کرد و به قول خودش اگر چه قصه از جنگ روایت می‌کند اما پیامش صلح است.

صلح، واژه‌ای که شاید این روزها جای خالی آن در گوشه گوشه روابط و اندیشه‌ها احساس می‌شود و دوستی نیز در مورد اولین فیلمش آن را چشیده است. مریم دوستی کارگردانی که به تازگی اولین تجربه بلند سینمایی‌اش روی پرده رفته و رضایت چندانی از شرایط اکران فیلم خود ندارد معتقد است علی‌رغم اینکه از عواقب کار آگاه بوده خود را وارد میدان مین کرده و «دریاچه ماهی» را آغازگر فعالیت‌های سینمایی بلند انتخاب کرده است.

فیلم سینمایی «دریاچه ماهی» روایتی متفاوت از تبعات ۸ سال دفاع مقدس است که حضور ستاره و لاله اسکندری به عنوان ۲ کاراکتر پیش برنده قصه که اتفاقاً خواهر هم نیستند تصویری جالب توجه از ارتباط این دو شخصیت را بیان می‌کند. درباره این فیلم سینمایی با مریم دوستی کارگردان، ستاره اسکندری و لاله اسکندری بازیگران فیلم گفتگویی انجام شده که در پی می‌خوانید:

محیا رضایی

من به تاریخ معاصر به شدت علاقمندم و فکر می‌کنم ۸ سال جنگی که در بچگی ما جا خوش کرده را به این زودی نمی‌توان فراموش کرد. تا مادری هستند که با گرفتن چند تکه استخوان می‌میرند و زنانی که همچنان چشم انتظار نشانه‌ای از مردان به جنگ رفته هستند یعنی تبعات جنگ ادامه دارد. وقتی از نزدیک شاهدیم که خانواده شهدا با چه مصائبی روبرو هستند نمی‌توان از این ۸ سال نگفت. ما بچه‌های جنگ هستیم و در اطراف مان نزدیک و دور عزیزی را در جبهه‌های نبرد از دست دادیم. من از نزدیک شاهد تمام اتفاقات جنگ بودم و کاملاً به یاد دارم مردانی را که با ساکی در دست می‌رفتند و با همان ساک برمی

سبکی را با فیلم‌های کوتاه‌م شروع کردم و نشانه‌هایش را در اولین فیلم بلندم یعنی «دریاچه ماهی» ادامه دادم. فیلمنامه این اثر طرحی از خودم بود که توسط دکتر مصطفی رستگاری به نگارش درآمد. این فیلم ملودرام عاشقانه زنانه‌ای است که از بستر جنگ شروع می‌شود و شخصیت‌ها را تا زمان حال درگیر خود می‌کند. اگر چه همه چیز از جنگ شروع می‌شود اما حرف ما عشق و صلح است.

کار کردن در ژانر دفاع مقدس برای بسیاری از کارگردانان ریسک و حتی دور از دسترس است چطور شد که برای اولین کار حرفه‌ای تان سراغ این سوژه رفتید؟

خانم دوستی با توجه به اینکه بسیاری از مخاطبان «دریاچه ماهی» بعد از اکران فیلم با شما آشنا شدند بد نیست ابتدا کمی از سوابق کاری تان بگویید و اینکه قرار است چه سبکی را در آینده سینمایی تان دنبال کنید؟

مریم دوستی: فوق لیسانس کارگردانی‌ام را از معتبرترین دانشگاه هنر دنیا گرفتم و به سبب نوع آموزشی که کسب کرده‌ام غالب فیلم‌های کوتاه و اولین فیلم بلند من فضایی مدرن دارد و شاید به همین خاطر است که آنچه تا کنون ساخته‌ام در خارج از ایران بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. من تازه اول راه هستم و کسب تجربه می‌کنم اما

نقش خواهر با بازیگران دیگری رقم خورد. تنها تجربه همکاری ما «قص پرواز بود» که در یک تک سکانس پیری لاله را بازی کردم.

جالب اینکه بعد از همه این ها از طرف مریم دوستی پیشنهادی برای این همبازی شدن ارائه شد که با همه کارهای قبلی تفاوت داشت و قرار بود شباهت ما تصویری بیش از شباهت دو خواهر باشد.

انتظار به معنی ذات کلمه اش حرف اصلی این فیلم بود. چه برداشتی نسبت به این واژه در ایفای نقش اسما و فروغ داشتید؟

لاله اسکندری: به این فکر می کردم که هنوز هم مادرانی هستند پس از این همه سال در انتظار فرزند به سر می برند. در همین راستا یکی از تکان دهنده ترین خبرهایی که اخیرا با آن مواجه شدیم قصه حسن عباسی بود که بعد از سی و چند سال پیکرش پیدا شد و روز تشییع اش مادر او با شنیدن خبر بازگشت پسر انتظارش به پایان رسید و گویا دیگر کاری در این دنیا نداشت. این انتظار در خانواده های زیادی بوده و هست که مواجه شدن با هر کدام مو به تن مان راست می شود. این اتفاقات به اشکال مختلف وجود دارد و این انتظارات هنوز تازه است و تا زمانی که به نتیجه نرسد آدم منتظر در این فضاهای خیال گونه زندگی می کند.

ستاره اسکندری: در زمان کوتاهی بعد از جنگ فیلم هایی در این ژانر دیدیم که رنگ و بویی از واقعیت نداشتند. یعنی قهرمان ها آدم هایی بودن که پای شان روی زمین نبود و شخصیت پردازی ها در هاله ای از تقدس نوشته می شد. بعدها رسول ملاقلی پور و احمد رضا درویش و ... آمدند و تصویر فضای جنگ را کمی واقعی تر کردند و از طرفی بیشتر به خانواده های رزمندگان و شهدا پرداختند. امروز کمی از جنگ فاصله گرفتیم و در حال پیدا کردن معناهای مان هستیم. برای من به عنوان بازیگر و کسی که در زمان جنگ تحمیلی زیست کرده زن های منتظر در مقام مادر، خواهر، فرزند و عاشق دغدغه همیشه بوده و هست. این انتظاری که هرگز تمام نمی شود و ما فقط از جنگ حرف می زنیم بدون اینکه یادمان باشد اگر این جنگ ۸ سال طول کشید تا ۵۰ سال بعد آسیب هایش ادامه دارند.

پرداختن به روابط بین اعضای یک خانواده در نبود پدر از نکات قابل تاملی بود که سریع از آن عبور کردید. دلیل خاصی داشت؟

مریم دوستی: البته نمی خواستیم زیاد وارد حاشیه شویم به همین خاطر به این صحنه ها خیلی نپرداختیم ولی لازم بود به این مهم اشاره شود که بچه ها خیلی با مادر ارتباط نمی گیرند چون هر کس در فضای خودش سیر می کند و گویا دنیای هر کدام به قدری با یکدیگر متفاوت است که کاری با یکدیگر ندارند.

ستاره اسکندری: آسیب نبود پدر خانواده را تبدیل به ۳ جزیره جدا از هم کرده که مادر هم نمی تواند این جزیره ها را به هم وصل کند. برخلاف تصور عموم که دختر می تواند ادامه راه مادر باشد اما همیشه هم اینطور نیست و سکویتی که بین شان است یعنی آنها هیچ پلی برای ارتباط بیشتر پیدا نمی کنند.

لاله اسکندری: در حال حاضر بیش از ۳۰ سال از جنگ می گذرد و طبیعتا این فاصله هر چه بیشتر شود فضایی که از جنگ به تصویر می آید متفاوت تر است. در

فیلمم فکر می کنم و ماندگاری اش. به همین خاطر از مسئولان توقع دارم که «دریاچه ماهی» را حمایت کنند.

خانم اسکندری نقش اسما در زمره کاراکترهایی است که پتانسیل تحلیلی دارد. وقتی با فیلمنامه مواجه شدید چه تعبیری از آن داشتید؟

لاله اسکندری: به طور کل از روز اولی که با این پروژه روبه رو شدم به نظرم آمد فیلمنامه سختی است و همیشه منتظر بودم ببینم در اجرا چه اتفاقی برای آن می افتد. زمانی که کار را خواندم می دانستم ایفای نقش اسما کار راحتی نیست چرا که متن با آنچه که قرار بود ساخته شود از مسیر پیچیده ای گذر می کرد و باید خیلی دقت می کردم درست جلو بروم.

این کاراکتر ویژگی هایی داشت که با آخر قصه گره خورده بود و در نتیجه برای ایفای آن لازم بود این فضای مستند گونه را کاملا بشناسم تا هیچ اغراقی در کار نباشد. بازی در نقش اسما نیاز به اکت زیادی نداشت و فاصله ها همیشه برای این کاراکتر رعایت می شد. با تمام نگرانی که از بابت آن وجود داشت اما خوشحالم که در باز خورد ها نظرات مثبت زیادی را شنیدیم. این نقش برایم جذاب بود چون پیش از این کارهایی که انجام داده بودم تا این حد سیال و روان نبودند و با اسما احساس کردم وارد دنیایی متفاوت شده ام.

برای خانم ستاره اسکندری چگونه؟

ستاره اسکندری: زمانی که خانم دوستی پیشنهاد داد من و لاله در این قصه حضور داشته باشیم من سخت تر قبول کردم چون همانطور که به کارگردان هم گفتم تماشاگر تصویری از من دارد که سخت باور می کند بازیگری در سن و سال من در این موقعیت سنی قرار بگیرد اما در جلسات متعدد در این باره بحث کردیم و در نتیجه حضور من در این فیلم رقم خورد.

به عنوان دو خواهر در فیلمی حضور پیدا کردید که اگر چه دلیل اصلی حضور بحث شباهت است اما قرار نبود خواهرانه بازی کنید.

ستاره: بله. شباهت معنایی من و لاله در انتخاب بازیگر خیلی نکته مهم و قابل بحثی بود. تا کنون بارها شرایطی پیش آمد که قرار بود در فیلمی نقش خواهر لاله را ایفا کنم اما هر بار به دلیلی این اتفاق نیفتاد و آثاری چون «خاک سرخ» یا «مرگ تدریجی یک رویا» و ...

گشتند و در این فاصله خانواده های شان چشم از در بر نمی داشتند تا پدر و برادر شان از راه برسد.

آنچه در این اثر به چشم می خورد فضای شاعرانه ای است که بعضا در واقعیت لمس نخواهیم کرد. چه اندیشه ای در نگارش طرح شما را به این مسیر هدایت می کرد؟

«دریاچه ماهی» منطق روایی دارد و برای شخصیت اسما؛ آن زن اثیری که پیام مهمی هم دارد منطقی طراحی شده که شاید نمود آن در دنیای واقعی سخت به تصویر بیاید ولی در عین حال قصه های روزمره در این فیلم وجود دارد و نشانه های روزمرگی کاملا مشهود است.

فضای باغ گل نمادی از ایران است که بچه های جنگ به سان گل های باغ از این مملکت حفاظت می کنند و مشاهده کردید زمانی که پا به بیرون گذاشتند چه بر سر باغ آمد. رزمنده ها عاشقانی بودند که برای حفظ خاک، جان دادند. عاشقانی که اطراف مان کم ندیدیم. سعی کردم همه اینها در دل قصه حل شود چون تمام سعیم این بود آنچه دغدغه ام بود در تصویر سمت شعارزدگی نرود.

لاله اسکندری: ساخت چنین فیلمی به عنوان کار اول قدم بزرگی برای یک کارگردان خانم است و چالش بزرگی برای خانم دوستی بوده که این فیلمنامه را طراحی کرده و جلوی دوربین برده است.

واکنش ها نسبت به این فضای شاعرانه چگونه بود؟

به شدت مورد نقدهایی قرار گرفتم که واقعا به حق نیستند. من به عنوان فیلمساز کار خود را به خوبی انجام دادم از این بعد و حمایت و دیده شدن فیلم و حمایت از ژانر ملی مان کار تهیه کننده و مسئولان است. چرا به عنوان یک زن فیلم اولی حمایتی از من نشد و بدون داشتن سرگروه و فقط با چند سانس محدود چرا فیلم من اکران شد.

با اینکه با عواقب سوژه ای که برای اولین کار بلندم انتخاب کردم آشنا بودم اما به خاطر دغدغه هایم خودم را وارد میدان مین کردم. من هم مثل بسیاری از اهالی این حرفه می توانستم فیلم اجتماعی ساده بسازم و مطمئن باشم خوب فروش می کند و به این موضوع واقف بودم که این تلاش را برای هر فیلم دیگر می کردم گیشه بهتری داشت اما من به دیده شدن





سال های اول سینمای جنگ مستندگونه تر بود و بیشتر قصه ها از دل جبهه روایت می شد بعد از مدتی اتفاقات پس از جنگ برجسته تر شد و خانواده ها مورد توجه قرار گرفتند. در «دریاچه ماهی» هم تصویری از خانواده را دیدیم که شاید پیش از این کمتر مورد توجه فیلمسازان بود.

چه بخشی از این کار برای تان جزو سکانس های خاص تری بود؟

ستاره اسکندری: یکی از جذاب ترین نقاط فیلم برای من شناخت شخصیت رضا روشن است. زمانی که به واسطه حضور یک آدم امیدوار می شوی اما با یک کشف همه چیز فرو میریزد. علاوه بر آن سکانشی که لاله از کنار من عبور می کند را بسیار دوست داشتم و انقدر برایم دلچسب بود که دلم می خواست این صحنه برایم مدام تکرار شود.

رضا روشن به عنوان پارتنر اسما ترکیب تضادی همراه با ترادف بود. در عین حال مثلث نامحسوسی که با آمدن فروغ شکل می گیرد این معنی را پررنگ تر می کرد. چه نکاتی در ایفای این معنا مدنظر تان بود؟

لاله اسکندری: اسما هیچ دیالوگی با فروغ ندارد چون او اگر چه به لحاظ زمان مربوط به امروز نیست اما جلوتر را می بیند و وقتی فروغ با به باغ می گذارد رسالت خود را تمام شده دیده و از کنارش عبور می کند. این دقیقاً مثل ماموریت هایی است که همه ما شاید در زندگی احساسش می کنیم.

درباره کاراکتر رضا روشن هم که نقش مقابل من بود می گویم او را زمانه پیر کرد. در جلسات دورخوانی و تمرین اصرار همه ما بود که این تضاد احساس شود. اسما یکی از همه آن زنانی است که همسرش به جنگ رفته و سرنوشتی پیدا کرده که اصلاً قابل پیش بینی نیست و هیچکس از آن خبر ندارد.

شما در زمره بازیگرانی هستید که نقش زنان در حوزه دفاع مقدس را به انواع متکثر ایفا کردید. چه انگیزه ای از قبول همه این نقش ها داشتید؟

لاله اسکندری: من به عنوان بازیگر خوشحالم که در ژانر دفاع مقدس نقش زنان متعددی را در قالب های گوناگون بازی کرده ام و هر یک از این دغدغه ها را با نگاهی متفاوت ایفا کرده ام اما فقط خدا می داند در

آن سال ها و پس از آن چه بر این زنان در دنیای واقعی گذشته و احساس می کنم هر چه از آنها بگویم باز هم عمیق احساس و درد در کلام نمی گنجد.

مجموعه «خاک سرخ» شاید اولین کار جدی برای من در بازیگری است که تجربه کاملی بود. کامل از این نظر که باعث شد برای اولین بار به خرمشهر بروم و از نزدیک شرایط زندگی خانواده های درگیر جنگ را ببینم و با دردهای شان آشنا شوم. جنگ ما تجاوز

به خاک کشور بود و برای همین دفاعش هم مقدس است. اگر چه خوش اقبالی من بود که ۵ سریال و ۳ فیلم سینمایی در این ژانر بازی کنم اما بعد از این هم نگاه جدی تری به موضوع جنگ خواهم داشت و چون خیلی اهمیت دارد بدانیم چه تصویری از این زنان نقش بسته می شود.

ستاره اسکندری: گاهی به لاله می گویم این چه اقبالی است ایفای نقش در دو سریال که از صحیح ترین آثار ساخته شده در ژانر دفاع مقدس است. پیشنهاد شده اما هر بار به دلیلی اتفاق نیفتاده است. من بر خلاف لاله در حوزه دفاع مقدس خیلی کار نکردم و همیشه می گویم سینمای دفاع مقدس چند نقش دلچسب به من میدون است. اگر چه در سریال «شوق پرواز» و تئاتر «هم هوایی» حضور داشتم اما همیشه از کنار نقش عبور کردم و خوشحالم که در «دریاچه ماهی» این فرصت داست داد تا نماینده زنانی باشم که اگر چه در جریان جنگ لطمه دیده اند اما هیچ وقت دیده نشدند.

به خاطر اولویت های تان بود یا دلیل دیگری داشت؟

ستاره اسکندری: اتفاقاً دفاع مقدس برای من خیلی جدی است. ۸ سال جنگ بخشی از این تاریخ این مملکت است که متأسفانه برخی مردم گاهی فراموشش می کنند. سینما یکی از راه های دسترسی به تاریخ را فراهم کرده و فراموش شده ها را یادآوری می کند. من شخصا از ذات جنگ متنفرم و دلم نمی خواهد در هیچ کجای دنیا شاهد این صحنه ها باشم اما وقتی جنگی ۸ ساله به ما تحمیل شد و ایستادگی مردان سرزمین را دیدم که از ذره ذره خاک میهن دفاع کردند به خودم می بالم و از داشتن این غیرت مردانه سربلندم. من به عنوان بازیگر دلم می خواهد بتوانم عمق درد و آسیب ها را به نمایش بگذارم تا همه بدانند چه رنج هایی را این مردان با غیرت و خانواده های شان متحمل شدند.

به دور از صحبت های شعاری و کلیشه ای ارزشی بودن یک اثر یا عمل یعنی چه؟

ستاره اسکندری: صحبت راجع به جنگ، مذهب، اعتقادات آرمانها و اندیشه ها در روزگار امروز به شعار

و ریا تبدیل شده و شرایطی داریم که بازیگر نمی تواند از علقه های واقعی اش حرف بزند. گاهی بیان این اعتقادات شعارزدگی می آورد و در نتیجه برخی افراد بی دغدغه و بی علاقه از این صحبت ها سوء استفاده می کنند. امروز دوباره برای جنگی خارج از مرزها فرزندان این مملکت شهید می شوند و من بازیگر نمی توانم احساسم را بیان کنم چون از ترس اینکه انگ ریا به من نزنند سکوت می کنم. گاهی فکر می کنم اگر نقشی که در این ژانر دلم می خواهد بازی کنم به من پیشنهاد نشود مجبور می شوم خودم دست به کار شوم و فیلم بسازم.

تکنیک و تجهیزات در این حوزه چقدر به فیلمساز کمک می کند؟ به نظر شما جوانان در پیشبرد سینمای تاثیرگذار دفاع مقدس چه نقشی دارند؟

مریم دوستی: نسل جدیدی به سینما وارد شده اند که غالباً یا تحصیلات آکادمیک دارند یا به تجربه های خوبی رسیده اند و به پشتوانه آن ادامه راه می دهند. ضمن اینکه در این عصر، تکنولوژی هم اضافه شده و من به عنوان مدرس، طراح چهره پردازی و داور جشنواره های کوتاه دنیا سال های قبل تر که هنوز تجهیزات به این اندازه رایج نبود برای فیلم هایی که از ویژوال درست استفاده می کردند امتیاز ویژه ای قائل می شدم چون نشان دهنده این بود که فیلمساز قدرت ریسک بالایی دارد و می خواهد فضای تصویری تازه ای را به سینما وارد کند. این فیلمسازان حرفی برای گفتن دارند و میخوانند خودشان را ثابت کنند و باید از آنها حمایت شود. در غیر این صورت استعدادهای شان جایی دیده نمی شود.

و حرف آخر؟

مریم دوستی زنی است که سنش به جنگ نمی رسد و چنین ریسکی کرده تا دغدغه هایش را به تصویر بکشد ولی به جز تعدادی خاص، هیچکس برای حمایت از من قدمی برنداشت. تنها فروش فیلم من سینما آزادی است با اینکه ظاهراً چند سینما دارم اما اکران های پراکنده که بیشترشان صبح است قطعاً کمکی به فروش فیلم نمی کند.

«دریاچه ماهی» در سینمای ایران خواهد ماند حتی اگر در اکران به آن کم لطفی شود. به هر حال همه ما خوب می دانیم فیلم های ژانر دفاع مقدس و انقلاب اگر تبلیغ و حمایت نشوند اوضاع جالبی نخواهند داشت. البته در این بین لازم است از کسانی که پای کار ایستادند تشکر کنم. علیرضا تابش مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی و حبیب ایل بیگی قائم مقام این بنیاد بسیار زحمت کشیدند و محمد حمزه زاده و غلامرضا فرجی نیز با اضافه کردن چند سینمای تک سانس به کمک فیلم آمدند که از همه این عزیزان تشکر می کنم.

ما جزو هنرمندانی هستیم که ظاهر و باطن مان فرقی ندارد و تمام این سال ها تغییری در رفتارمان نداشتیم. فیلمنامه های دیگری در این حوزه نوشته ام اما وقتی می بینم مدیران و مسئولان حتی گوشه چشمی به این کار نداشته اند من هم انگیزه و شوقم را از دست می دهم. نمی دانم بعد از این چه تصمیمی باید بگیرم.

ضرورت گسترش جبهه سینمای مقاومت و دفاع مقدس

محمد عمرانی

با توجه به اینکه خواسته‌های نظام و مردم ایران در مسیر دفاع از حقوق مردمان مظلوم جهان است ضرورت ویژه‌ای احساس می‌شود تا صاحبان اندیشه و هنرمندان کشور ما، جلوتر از رسانه‌ها و سینماگران دیگر ممالک مسلمان و غیر مسلمان به نمایش مظلومیت مردم کشورهای نظیر فلسطین، لبنان، عراق، سوریه، یمن، بحرین، میانمار و ... بپردازند.



انقلاب اسلامی بی‌اثر نبوده است با این حال نگاه فرهنگی و اجتماعی آن بر سپهر سیاسی جهان امروز، تأثیر خود را گذاشته است.

جنبش نویسی که امروزه در جای جای منطقه روییده و حرکت‌های چالشی و اعتراضی ملت‌ها در برابر قدرت‌های جهانی، نظام سلطه و دیکتاتوری‌های منطقه و جهان گویای این تأثیرگذاری و الهام‌پذیری از انقلابی است که به اذعان همگان ادبیات و قاموس جدیدی را در عرصه سیاست رقم زد و تاریخ تازه‌ای را شکل داد. با آنچه گذشت، به رغم برخورداری کشور از ظرفیت‌های عظیم فرهنگی و هنری، غنا و قدرت سینما با توجه به مشترکات فرهنگی، تاریخی، آیینی و آرمانی درصد کوچکی از این حجم عظیم حتی در نزدیک‌ترین کشورهای همجوار و همسایه هم به درستی عرضه نشده است.

بی‌تردید، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و خلأها در این حوزه فقدان دیپلماسی فرهنگی و نگاه استراتژیک است.

نکته دیگر اینکه، سینما به دلیل ماهیت تأثیرگذار و جریان‌ساز خود، ابزار مهمی برای انتقال پیام انقلاب اسلامی و مظلومیت ملت ما در دوران دفاع مقدس است و لازم است با برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از این ابزار نسبت به شناسایی این مقطع از تاریخ معاصر و پیام و محتوای انقلاب و اساساً فرهنگ مقاومت تلاش کرد. نمایش فیلم‌های ژانر مقاومت دارای کارکرد دوگانه است؛ نخست ایجاد ظرفیت برای شناخت بهتر سینمای ایران و پس از آن روشننگری در زمینه دفاع مقدس و مقاومت.

و حرف آخر اینکه، روایت و نمایش همه‌جانبه رشادات‌های اخیر جبهه مقاومت اسلامی به دست مستندسازان آگاه به مسائل روز، تنها به مدد حمایت‌های مادی و معنوی مسئولان فرهنگی کشور امکان‌پذیر است. رسانه‌های غربی با اینکه از آفت‌های گروه‌های تروریستی در امان نیستند اما با بزرگنمایی و تحریف بسیاری از اخبار و گزارش‌های منطقه و در اصل حمایت‌های رسانه‌ای از گروه‌های تروریستی همسو، قصد تشدید اوضاع و برهم زدن معادلات سیاسی در منطقه را دارند بنابراین اگر ما نتوانیم با تولیدات تصویری از درگیری‌های موجود در حوزه سینما و تلویزیون، بر جامعه خود تأثیر بگذاریم، این دشمنان ما هستند که با حيله و ترفند نظر مردم جهان را به سوی دیدگاه‌ها و نیت شوم خود جلب می‌کنند.

ضرورت ویژه‌ای احساس می‌شود تا صاحبان اندیشه و هنرمندان کشور ما، جلوتر از رسانه‌ها و سینماگران دیگر کشورها به نمایش مظلومیت مردم کشورهای نظیر سوریه، یمن و میانمار بپردازند.

سینما در هر گوشه‌ای از جهان از رساترین رسانه‌های امروز دنیا شناخته می‌شود و این هنر طرفداران بی‌شماری در عرصه بین‌المللی دارد. بدون تردید امروزه یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در معرفی اسلام حقیقی نسبت به اسلام تحریف شده مدنظر گروهک‌های تکفیری و تروریستی، استفاده از زبان مشترک سینما است.

اگر بخواهیم کشورها و ملت‌های جهان از ماهیت حقیقی اقدامات اسلام‌هراسانه گروه‌هایی مانند داعش مطلع شوند باید به سمت سینما و فعالیت در این عرصه بیشتر از حوزه‌های دیگر گام برداریم.

بنابر اهمیت موضوع مقاومت، حق کشور و جامعه است که با اندکی سیاست‌گذاری هدفمند، بخشی از تولیدات سینمایی خود را به سمت تقویت سینمای مقاومت که همان استمرار سینمای دفاع مقدس است سوق دهیم و از یاد نبریم که عصر ما عصر رسانه‌های تصویری و رقابت بر سر انتشار سریع اطلاعات و تحولات روز است. هر کس که در این کارزار سریع‌تر، دقیق‌تر و البته جامع‌تر دست به نمایش اتفاقات جاری بزند، با استقبال بیشتری از سوی مخاطبان رو به رو خواهد شد.

در تاریخ معاصر کشورهای بسیاری مفهوم مقاومت را به طور جدی دنبال کرده‌اند؛ از جمله این کشورها می‌توان به فلسطین، لبنان، افغانستان، عراق، برخی از کشورهای امریکای لاتین و قاره آفریقا اشاره کرد که مقاومت در این سرزمین‌ها مسیر پرفراز و نشیبی را برای تعالی دموکراسی و نیز ظلم‌ستیزی طی کرده است و روند مقابله خیر با شر همچنان ادامه خواهد داشت.

انقلاب اسلامی با وجود آن که انقلابی گفتمان‌ساز در حوزه فرهنگ بوده است و مدل جدیدی از الگوی تمدنی و پیشرفت مبتنی بر معنویت و انسانیت و عدالت را در جهان نابرابر و مملو از ظلم، زیاده‌خواهی و استکبار بنا نهاد ولی متأسفانه این ویژگی هویتی انقلاب کمتر از سوی هنرمندان و سینماگران مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه فضاسازی‌های گسترده و مسموم خبری و تشویش افکار عمومی جهانی در ترسیم مخدوش چهره



گزارش اختصاصی «سوره سینما» / اقتباس آثار حوزه هنری در سینمای دفاع مقدس؛

میراث خاطره نویسی جنگ؛ گنج بی پایان سینمای دفاع مقدس

غنی سازی سینما

محسن کاظمی که کتاب‌های پرفروشی همچون «خاطرات عزت شاهی» و «احمد احمد» را در کارنامه کاری خود دارد، در این باره می‌گوید: حرکت به سوی اقتباس، نوعی غنی سازی ادبیات و سینماست به طوری که قوت سینمای کشور به بنیه و مایه قوی ادبی آن است و حتی می‌توان ضعف تکنولوژی را با تکیه بر آثار پر مایه ادبی و اقتباس از آنها جبران کرد.

او می‌افزاید: می‌توان با تکیه بر آثار ارزنده ادبی، آثار فاخر سینمایی تولید کرد. سینمای ما به دلیل عدم استفاده از ادبیات استقرار یافته بر فرهنگ بومی کشور، به اجبار به تقلید و ترجمه روی آورده است.

کاظمی تاکید می‌کند: وقتی به سراغ آثار مطرح کشورهای دارای سینمای توسعه یافته می‌رویم، متوجه می‌شویم که سینمای آنها مبتنی بر ادبیات بومی سرزمین‌شان است و همه شاهکارهای سینمایی جهان، در ژرف ساخت خود، از یکی از آثار ادبی بزرگ جهان وام

گرفتار شده در حوزه دفاع مقدس یکی از گنج‌های پنهانی است که می‌تواند به سینمای دفاع مقدس جانی دوباره دهد و نگاه همه را به سمت پرده نقره‌ای برگرداند.

بیش از ۳ دهه از آغاز حمله رژیم بعث عراق به ایران می‌گذرد. به تعداد افراد حاضر در صحنه‌های جنگ و به عدد پدر، مادر، همسر و فرزندان رزمندگان و... می‌توان جنگ را تعریف کرد. با این گستره و تنوع روایت اما اکنون، در آستانه سی و چند سالگی این جنگ نابرابر، مضامین سینمای دفاع مقدس ما ته کشیده است! می‌توان با مقایسه مشابهی به ابعاد این قضیه پرداخت. به عنوان مثال با گذشت ۶۶ سال از پایان جنگ جهانی دوم همچنان و هر ساله در سینمای جهان شاهد فیلم‌های بکر و بی نظیری با موضوع جنگ هستیم در صورتی که ایران با وجود پشت سر گذاشتن تجربه طولانی‌ترین جنگ قرن، آثار سینمایی‌اش بسیار محدود است.

تصویر ادبیات دفاع مقدس سرمایه‌ای ابدی برای سینماست و حالا چند سالی است که می‌توان ردی از این اتفاق را در اظهار نظرهای برخی از اهالی سینما دید، اما کاش بتوان به راهکارهای کشف ناگفته‌های جنگ از زبان افرادی غیر از سینماگران نیز فکر کنیم.

یکی از مشکلات سینماگران در این عرصه نبود فیلمنامه‌های درخور سینمای دفاع مقدس است. با وجودی که ادبیات داستانی نسبت به سینما، دین خود را به دفاع مقدس تا حدی ادا کرده است، سینمای ایران هر سال از فقر فیلمنامه‌هایی رنج می‌برد که به نظر می‌رسد با وجود مواد خام ادبی نباید این مشکل وجود داشته باشد. کتاب‌های منتشر شده در حوزه دفاع مقدس و البته کتاب‌های خاطرات توانسته‌اند تا حدی این خلأ را پر کنند. این کتاب‌ها یکی از گنج‌های پنهانی است که می‌تواند به سینمای دفاع مقدس جانی دوباره دهد و نگاه همه را به سمت پرده نقره‌ای برگرداند.

شاید نویسندگان ادبیات معاصر ما علاقه‌ای به برقراری ارتباط با سینماگران ندارند و شاید هم سینماگران، نقش موثر ادبیات را در سینما فراموش کرده‌اند، اما این بار به جای سینماگران سراغ چند تن از نویسندگان کتاب‌های دفاع مقدس رفتیم و از آنها پرسیدیم آیا حاضرند کتاب‌های چاپ دورقمی‌شان را در اختیار سینماگران قرار دهند و با آنها پیمان آشتی ادبیات و سینمای دفاع مقدس ببندند؟

مریم اکبرلو

می‌کند. او به ما می‌گوید: اگر فیلمنامه‌ها با اقتباس از کتاب‌های مستند و حقیقی ارائه شود، بهتر می‌توانیم پاسخگوی نسل بعد خود باشیم.

او می‌افزاید: هر نسلی سوال‌های جدیدی در همه زمینه‌ها با خود به همراه می‌آورد، یکی از این مسائل دفاع مقدس است. با تغییر نگرش‌ها و تغییر نسل، ما باید پیش‌بینی این مساله را انجام داده و برای پاسخگویی به نسل بعد آماده شویم. ما با توجه به گنجینه عظیمی که از جنگ در دست داریم، در دو دهه اخیر کار منسجمی برای تغذیه فرهنگی انجام نداده‌ایم و در این زمینه اگر هم کتاب‌ها پیشنهاد می‌دهند، سینما به عنوان پرطرفدارترین هنر، بسیار دست خالی است.

به اعتقاد بیضایی نسل راویان سینمای دفاع مقدس رو به اتمام است و باید فکری برای تربیت افرادی از نسل حاضر برای روایت ناگفته‌های دفاع مقدس کرد؛ کسانی که بتوانند جای سینماگرانی چون مرحوم رسول ملاقلی‌پور، ابراهیم حاتمی‌کیا و احمد رضا درویش را پر کنند.

او در توضیح نبود آثار درخور توجه سینمایی در دهه اخیر می‌گوید: چرا باید هر ساله در آستانه هفته دفاع مقدس برای چندمین بار فیلم «افق» یا «از کرخه تا راین» را نشان دهیم و چرا در بیان حقایق اجتماع، دیگر مثل آژانس شیشه‌ای نمی‌سازیم.

بیضایی فیلم‌های مستند جنگ را موفق‌تر از فیلم‌های سینمایی می‌داند و می‌گوید: مجموعه روایت فتح هنوز هم جاذبه‌های تاثیرگذاری برای مخاطب دارد. از این رو باید در فیلم‌های بلند سینمایی هم به سراغ پیدا کردن اسناد، تحقیقات میدانی و نوشتن فیلمنامه از روی منابعی که بازگوی حقیقت هستند، باشیم. یکی از آن منابع، کتاب‌های خاطره‌نویسی جنگ است.

او درباره تاکید بر ضرورت اقتباس‌های سینمایی از آثار مکتوب توضیح می‌دهد: دنیای امروز در تسخیر رسانه‌های تصویری است. یک کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را بعد از زمان زیادی فقط یک نفر برای خودش می‌خواند اما فیلم دو ساعته یا سریال تلویزیونی نزدیک به ۷۰ میلیون مخاطب دارد و این یعنی تاثیرگذاری بیشتر و اطلاع‌رسانی بهتر. این ویژگی را نباید دست کم گرفت و از آن غفلت کرد.

داوود امیریان با کتاب‌های «خدا حافظ کرخه»، «فرزندان ایرانیم»، «رفاقت به سبک تانک»، «مین نخودی» و «آقای شهردار» یکی دیگر از نویسندگانی است که با ما همراه می‌شود و می‌گوید: داستان در سینمای دفاع مقدس هرگز تمام نمی‌شود و خطرات هر یک از افراد حاضر در جنگ گنجینه‌هایی تمام ناشدنی ست که اتفاقا در سال‌های گذشته حوزه هنری روی این گنج نشسته است.

وی افزود: در حالت کلی سینمای اقتباسی ما بحران زده و عمر اقتباس در این سینما بسیار کم. اکثر نویسندگان و شاید بتوان گفت همه آنها دوست دارند که کتابشان مورد اقتباس واقع شود، اما متأسفانه در کشور ما هنوز اطمینان به همدیگر وجود ندارد. نویسنده «ایرج خسته است» تشریح کرد: ما بعد از انقلاب به تعداد انگشت‌های یک دست هم اثر

نیست، محدودیت‌ها و ضعف تکنولوژی هم هست و فیلم‌های ساخته شده درخصوص حاشیه‌های جنگ موفق‌تر بوده‌اند.

همین دغدغه است که بسیاری از نویسندگان را از همکاری با سینماگران می‌ترساند. در همین راستا، راحله صبوری می‌گوید: برای مثال کتاب «کوچه نقاش‌ها» چون بخشی از تاریخ شفاهی را در بر می‌گیرد، شرط امانتداری در آن بسیار اساسی است. برای همین فیلمساز نباید یک سری مسائلی که نظر شخصی و برداشت شخصی‌اش است، به اسم کتاب به جامعه تحمیل کند و کار راوی و نویسنده را زیر سوال ببرد.

او در پایان حرف‌هایش به مخاطب هم اشاره می‌کند. این که این روزها حوصله خواندن کمتر از دیدن است و این می‌تواند فرصتی باشد برای سینماگران. صبوری در همین ارتباط می‌گوید: آدم‌ها همیشه حوصله کتاب خواندن ندارند، اما همیشه فیلم را نگاه می‌کنند و همیشه برای رفتن به سالن سینما آماده‌اند. بنابراین سینماگران، می‌توانند اندیشه‌های جاری جامعه را نو و تر و تازه کنند و از کهنگی در بیاورند.

کیانوش گلزار راغب، نویسنده کتاب «شنام» یکی دیگر از نویسندگان حوزه دفاع مقدس در حوزه هنری است که در این بحث همراه ما می‌شود.

او هم در ابتدا با اشاره به سهم کم اقتباس سینمایی از آثار مکتوب دفاع مقدس به سوره سینما می‌گوید: در اقتباس، ماهیت و هدف کلی هر کتابی، نباید قربانی برخی حواشی زبینه سینما و جاذبه‌های گیشه شود.

سینماگر می‌تواند با برداشت آزاد و دخالت هنر و تخیل، از روی هر کتابی فیلم بسازد، اما روایت کلی فیلم باید بر اساس واقعیت‌های مندرج در کتاب باشد و هدفی که کتاب دنبال می‌کند تغییر نکند.

این نویسنده با این که اعتراف می‌کند تماشاگر سینما بیشتر از کتاب است، اما تاکید می‌کند اثر سینمایی در بیان عمق مسائل مطرح شده در هر کتابی الکن است. گلزار راغب می‌گوید: گرچه فیلم به دلیل بهره‌مندی از تماشاگر در سطحی بسیار گسترده، به مراتب تاثیرگذارتر از کتاب است، اما بعید می‌دانم که فیلم بتواند در بیان عمق مسائل و حالات روحی و روانی شخصیت به موفقیت کتاب برسد.

زیرا اگر سینماگر بخواهد فکر درون آدم‌ها را با رفتارهای بیرونی‌شان در فیلم به مخاطب انتقال دهد، کار بسیار بسیار سختی در پیش خواهد داشت. گلزار راغب پیشنهاد می‌کند آثار فرهنگی تولید شده در مورد دفاع مقدس به سمت نمایش روابط انسانی بین رزمندگان و انتقال حال و هوای روحی و معنوی جبهه‌های مقاومت بروند و می‌گوید: شنام با همه جزئی‌گویی‌ها و دقت در پردازش شخصیت‌ها هنوز زوایای باز نشده بسیاری دارد که می‌تواند راهنما و سوژه کار نویسندگان جوان قرار گیرد و من در تشریح مطالب به همه آنها کمک خواهم کرد.

دست سینما خالی نیست اما وقتی به سراغ حسین بیضایی - نویسنده کتاب «بابانظر» - می‌رویم، بحث را کلی‌تر آغاز

گرفته‌اند. سینما ویرترین قابل توجهی برای نمایش آثار ادبی تولید شده است. سینما می‌تواند آنچه در چارچوب کتاب حصر شده و امکان فرار از این قاب را ندارد به مخاطبان بیشتری عرضه کند.

کمبود مخاطب مهم‌ترین مشکل بازار کتاب ماست، موفق‌ترین کتاب‌های ادبی با تیراژ ۳۰۰۰، نهایتاً به چاپ دوم یا سوم می‌رسند و این در حالی است که با نمایش در سالن‌های سینما میلیون‌ها مخاطب را به خود اختصاص می‌دهد.

محسن کاظمی این مورد را باعث تأسف می‌داند و می‌افزاید: چنان دیوار عظیمی بین صاحبان ادبیات و سینماگران کشیده شده است که اگر از سر اتفاق هم یک نویسنده با یک سینماگر برخورد و تعاملی پیدا کند، حرف یکدیگر را درک نمی‌کنند.

او ادامه می‌دهد: سینماگران ما نبود آثار ادبی قابل تکیه را توجیهی برای ساختن فیلم‌های تقلیدی و ترجمه‌ای می‌دانند و نویسندگان ما هم به دلیل عدم انتقاد صحیح در ادبیات، کیفیت آثار خود را بالا نمی‌برند و مزید بر علت دوری ادبیات و سینما می‌شوند.

راحله صبوری، نویسنده کتاب «کوچه نقاش‌ها» یکی دیگر از نویسندگانی است که معتقد است، فیلم و ادبیات به‌طور تفکیک‌ناپذیری به هم گره خورده‌اند، به طوری که سینما به بن‌مایه و پشتوانه ادبیات محتاج است و همچنین ادبیات به زبان تصویر و نمایش مکتوبات در سینما نیاز دارد.

او به سوره سینما می‌گوید: فیلم همان ادبیات مصور است و به جز سینمای صامت که آن هم البته نوعی ادبیات پنهان در خود دارد و فقط با تصویر بیان می‌شود، فیلم و ادبیات به نوعی با هم گره خورده‌اند و ادبیات جزئی انکارناپذیر از فیلم است.

این نویسنده درباره گستره ادبیات مکتوب که می‌تواند دستمایه فیلمنامه‌نویسان قرار بگیرد، توضیح می‌دهد: همیشه آثار ادبی مثل زندگینامه‌ها، رمان‌ها و داستان‌ها محل الهام فیلمنامه‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان و در کل هنرمندان بوده و هست. فکر می‌کنم هر نویسنده‌ای دوست دارد، کتابش الهام‌بخش هنرمندان و زمینه‌ساز خلق آثار هنری دیگر باشد؛ چه مجسمه‌ساز باشد، چه نقاش و چه فیلمساز.

صبوری اما از وفادار نبودن فیلمنامه‌نویسان به آثار ادبی گلایه می‌کند و می‌افزاید: بیشتر مواقع فیلمنامه‌نویسان، تنها از یک اثر ادبی الهام می‌گیرند تا فیلمنامه را به طور کامل براساس آن بنویسند. این کار در ایران بسیار رایج است و برای همین همکاری بین نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان را خیلی زود قطع می‌کند.

خیلی از رزمندگان معتقدند فیلم‌هایی که در زمینه جنگ ساخته شده، به واقعیت جنگ نزدیک نیستند و تاثیر لازم را ندارند. کمتر فیلمی است که بیننده را به عنوان یک جنگ ترفته، به فضای جبهه‌ها نزدیک کند و اثرش در ذهن ماندگار باشد. حتی در فیلم‌هایی که بر اساس اتفاقاتی ساخته شده که در جنگ واقعا رخ داده و حقیقی هستند، آن فضا، روح و معنویت و مظلومیت جبهه کمتر منتقل می‌شود. البته همیشه ضعف فیلمنامه مطرح

ارزنده اقتباسی نداشتیم. در دهه ۳۰ فیلم هایی از روی نوشته های منوچهر مطیعی، حسین قلی خان مستعان و فردی که با نام ح.حمید تخلص می کرد و نوشته هایش پاورقی روزنامه های صبح آن زمان بود، فیلم هایی ساخته شد.

امیریان ادامه داد: «گاو» مهرجویی از روی کتاب غلامحسین ساعدی، نخستین اثر اقتباسی ارزنده آن زمان بود. امیر ارسلان نامدار، فیلمی از روی کتاب طوطی ذکر یا هاشمی، فیلم آقای هالو که کتابش را خود علی نصیریان نوشته بود و امثال اینها اندک مواردی از این دست بود. این روند بعد از انقلاب کند شد، تا جایی که در سال ۶۵ دوباره ناصر تقوایی دست به اقتباسی عظیم زد و ناخدا خورشید را با برداشتی آزاد ساخت.

این نویسنده عنوان کرد: این روند دوباره کند شد و همچنان مهرجویی سردمدار جریان حضور ادبیات در سینما ماند تا به چند سال پیش رسیدیم و جشنواره فجر با گذاشتن بخش فیلمنامه اقتباسی نگاهی دوباره به این مقوله انداخت. در آن سال من به خاطر «نفوذی» دیپلم افتخار گرفتم و «چهل سالگی» برنده سیمرغ بلورین شد.

وی خاطر نشان کرد: همانگونه که دیدیم سیمرغ بلورین جشنواره تا حد زیادی مخاطبان کتاب «چهل سالگی» ناهید طباطبایی را بالا برد. این دقیقا همان اتفاقی ست که در سینمای امریکا و اروپا به شدت رواج دارد و ادبیات ما از این نعمت سینما بی بهره است.

وی به راهکار خوبی اشاره کرد و گفت: خوب است در برخی موارد از ایده ها و تجربیات ارزنده دیگران استفاده کنیم. در امریکا و اروپا نویسندگانی مانند استیون کینگ داریم، که قبل از چاپ کتاب، یک فصلش را در روزنامه چاپ می کنند و پیشاپیش حق سینمایی آن را می فروشند. چرا نباید در ایران چنین کاری بکنیم!

نویسنده «مین نخودی» هر دو گروه نویسنده و سینماگران را مقصر دانست و گفت: یکی از مشکلات این است که نویسندگان ما تصویری نمی نویسند. داستان نویسان ما شخصیت پردازی تصویری نمی کنند.

نویسنده «خداحافظ کرخه» ادامه داد: از سویی دیگر سینماگران ما هم بسیار تنبل و بی سواد هستند. ما محدود کارگردان های فهیمی داریم، که مطالعه کنند و کتاب شناس باشند.

وی تشریح کرد: مثلا حوزه هنری گنجینه کتاب های خیلی خوبی دارد ولی اتفاق بد سینمای کنونی ما این است که همه می خواهند کارگردان مولف باشند و به اشتباه تصور می کنند که اگر خودشان فیلمنامه بنویسند مولف محسوب می شوند. این دیدگاه صد در صد غلط است و مثلا ما آلفرد هیچکاک را در همه حال یک کارگردان مولف می دانیم، با اینکه خودش فیلمنامه هایش را نمی نویسد!

امیریان افزود: این تفکر غلط چنان در فضای عمومی سینما تعمیم پیدا کرده که روی دستمزد فیلمنامه نویس هم تاثیر گذاشته و اگر هم کاگردانی



حاضر شود خودش زحمت نوشتن را نکشد و به سراغ متخصص برود، تنها ۵ میلیون تومان برای آن هزینه می کند. این قیمت در شرایطی اتفاق می افتد که یک بازیگر نه چندان حرفه ای سینما به راحتی ۵۰ میلیون تومان دست مزد می گیرد.

نویسنده «مترسک مزرعه آتشین» گفت: شرایط کنونی سینما، کارگردانان و سینماگران را به سمت بازیگر محوری کشانده است و این گونه است که وقتی از تماشای فیلمی که چندین و چند ستاره داشت بیرون می آییم، متوجه می شویم که فیلم اصلا داستان خاصی و یا بهتر بگوییم اصلا داستان نداشت و این حقیقت تاسف باری است که پیش تولید خیلی از فیلم های ما بدون داشتن فیلمنامه شروع می شود.

داوود امیریان ادامه داد: ما باید متعادل و دو جانبه به قضیه بنگریم. نویسندگان نباید گارد بگیرند و بخواهند که کتابشان عین به عین فیلم شود. فیلم تا کتاب دو دنیای متفاوتند و زمین تا آسمان فرق دارند. نمونه مشهور این اتفاق، «هری پاتر» است که همگی تفاوت کتاب ها و فیلم هایش را خوب متوجه شده ایم.

وی افزود: از سویی دیگر سینماگران هم نباید بی انصاف باشند و مزد زحمت ۳ ساله نویسنده یک کتاب را یک دهم مزد بازیگر یک تله فیلم تلویزیونی قرار دهند.

این نویسنده راه کارهای جالبی در این باره دارد و می گوید: همه می دانیم که سینمای ما مشکل داستان دارد و تا زمانی که کارگردان خودش مطلب می نویسد هیچ بهبودی حاصل نخواهد شد. لذا بهتر است به جای صد فیلم بی داستان در سال، ۱۰ فیلم بسازیم، ولی دستمزد بازیگران را سرشکن کرده و به نویسنده مثلا ۲۰ میلیون تومان بدهیم. شما فکر می کنید وقتی «کلیدر» را از محمود دولت آبادی خواستند تا فیلمش را بسازند و گفت یک میلیارد آن را می فروشد، حقیقتا به این پول نیاز داشت! نه. او این کار را کرد و این حرف را گفت تا ارزش متن اولیه و ارزش مولف حقیقی را به سینماگران یادآوری کند.

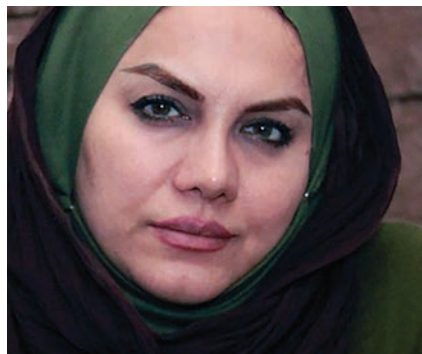
امیریان در پایان به مسایل خوبی اشاره کرد و گفت: داستان در سینمای دفاع مقدس هرگز تمام نمی شود و خاطرات هر یک از افراد حاضر در جنگ گنجینه های تمام ناشدنی است که حوزه هنری روی این گنج نشسته است. اگر دو طیف نویسندگان و سینماگران با حسن نیت باهم روبه رو شوند و پس از رفع تنبلی، مشکل پول خرج کردن برای ادبیات سینما را حل کنند، درخشش این گنج چشم همه را به خود جلب خواهد کرد.

با توجه به برآیند صحبت های نویسندگان عرصه ادبیات دفاع مقدس، می توان گفت آنان با این که ملاحظاتی دارند، اما بشدت طرفدار اقتباس های سینمایی از آثارشان هستند. اینک نوبت سینماگران است تا رغبت و همتی نشان دهند تا سینمای دفاع مقدس برای بیان درست حقایق جنگ به نسل های بعد، به سراغ داشته های ادبیات این حوزه در شاخه های گوناگون داستان و خاطره نویسی برود. ■

زنان و سینمای دفاع مقدس

قصه این رنج را دوباره بخوان

نرجس علوی مقدم



کشیده. رویکرد او مانند بنی‌اعتماد در «گیلانه»، زنانه، عاطفی و انسانی است. تمرکز بر احوال درونی و سلوک بیرونی الفت ناگفته‌های زندگی زنانی را به تصویر می‌کشد که فرزندان‌شان را در جنگ از دست داده‌اند. مریم دوستی در «دریاچه ماهی» و جهی دیگر از ماجرای جنگ را به تصویر می‌کشد. او به عنوان فیلمساز که در کودکی جنگ را درک کرده و فرزند شهید است، کوشیده با روایت چند قصه در قالبی شاعرانه، حقایق تلخ جنگ را در قالب اثری پراحساس بیان کند. انسیه شاه حسینی یکی دیگر از چهره‌های مصمم و پرکار سینمای دفاع مقدس است. بخش اعظم فعالیت سینمایی او با این موضوع گره خورده و او در فیلم‌های «شب بخیر فرمانده» (۱۳۸۴)، «پنالتی» (۱۳۸۷) و «زیباتر از زندگی» (۱۳۹۰) به موضوع دفاع مقدس از زوایای مختلف پرداخته است.

با گذشت سال‌ها از پایان جنگ تحمیلی، رویکرد زنان سینمای ایران به فیلمسازی درباره جنگ و دفاع مقدس، جذاب به نظر می‌رسد. با وجود مشکلات و دشواری‌هایی که فیلمسازی در این حوزه دارد و معمولاً اکران این آثار، در شرایط نامناسب انگیزه فیلمسازان را از آنان می‌گیرد، اما تعصب و تلاش فیلمسازان نسل‌های مختلف برای ساخت فیلم

حضور زنان سینماگر در فضای مردانه سینمای دفاع مقدس، به خلق آثاری قابل توجه انجامیده است.

سینمای دفاع مقدس، در نگاه اول سینمای مردانه است. شاید به این دلیل واضح که موضوع جنگ، ظاهری مردانه و خشن دارد و کارزاری زنانه نیست یا دست کم زنان در مرکز ماجراهایش قرار ندارند. اما واقعیت این است که جنگ به عنوان یک پدیده اجتماعی، کل جامعه را در برمی‌گیرد و تفکیک جنسیتی آن درست نیست. در سال‌های دفاع مقدس نیز، از همان روزهای نخست، زنان و مردان همدوش هم و در کنار هم، در این رویداد حضور داشتند. بسیاری از زنان، در شهرهای جنگ زده ماندند، شهید یا اسیر شدند و بعضی همپای مردان از سرزمینشان دفاع کردند. در سینمای ایران، اما حضور زنان به کندی اتفاق افتاد. در فیلم‌های نخستین از سینمای دفاع مقدس، کاراکترهای مرد در اولویت و اهمیت بودند و قصه‌ها و فیلم‌ها، فضایی مردانه داشتند. اما به مرور و بیشتر با پایان جنگ، زنان از حاشیه به متن سینمای دفاع مقدس راه یافتند و نقش‌شان از خواهر شهید و همسر شهید تغییر کرد و به یکی از کاراکترهای موثر در داستان تبدیل شد. رسول ملاقلی‌پور در فیلم «نجات یافتگان» (۱۳۷۴) داستان ارتباط یک پرستار زن و رزمنده‌ای را روایت کرد که در موقعیتی دشوار گرفتار شده‌اند و در آن فضا، بهم تعلق عاطفی پیدا می‌کنند. این فیلم که در زمان اکران، با بی‌مهری مواجه شد یکی از نخستین گام‌ها برای تغییر تصویر زن در سینمای دفاع مقدس است. تصویری که هر چه زمان می‌گذرد، ارزش بیشتری می‌یابد.

اما سینماگران زن نیز، به مرور تعلق خاطر خود را به روایت قصه‌هایی نشان دادند که درباره ارتباط زنان و جنگ بود. رخشان بنی‌اعتماد در «گیلانه» (۱۳۸۳) قصه زنی را روایت کرد که با عشقی ستودنی، از پسر جانبازش نگهداری می‌کند. فضای فیلم، زنانه است و فیلمساز توانسته رنج و اندوهی که بر زندگی چنین زنانی جریان دارد به تصویر بکشد. «گیلانه» اثری تأثیرگذار و سندی از یک دوران است. از فیلمسازان متاخر، منیره قیدی در «ویلاهی‌ها» (۱۳۹۵) نگاهی تازه به وضعیت زنان در جنگ می‌اندازد. قصه فیلم درباره اقامت زنان در یک منطقه امن اما نزدیک به جبهه و تأثیر آنها از جنگ به عنوان یک رویداد دشوار و خاص است. قیدی برخلاف بنی‌اعتماد تنها به نمایش روابط انسانی بسنده نکرده و با کارگردانی سکانس‌هایی از بمباران، کوشیده در بخش تکنیکی هم به حوزه مردانه سینمای دفاع مقدس ورود کند. نرگس آبیاری در «شیار ۱۴۳» (۱۳۹۲) با نمایش زندگی یک مادر (مریلا زارعی) بخشی از ناگفته‌های وضعیت زنان در جنگ را به تصویر

دفاع مقدس، نشان می‌دهد این رویداد همچنان ناگفته‌های بسیار دارد و بخشی از آنچه در طول هشت سال دفاع مقدس اتفاق افتاده، هنوز مطرح نشده است. به شهادت فیلم‌هایی که زنان سینماگر ساخته‌اند، آنان توانایی ورود به چنین حوزه‌ای را دارند و در حالی که بسیاری از سینماگران نسل اول تمایلی به ساخت فیلم دفاع مقدس ندارند، پرچم این سینما را زنان بالا نگه داشته‌اند. شاید در سال‌های بعد این حضور و تأثیرگذاری در سینمای دفاع مقدس، پررنگ تر و جدی تر شود.



مخاطب شناسی در سینمای مفرح-۱

ارتباط فروش آثار مفرح با سطح سلیقه مردم

تعداد سالن‌ها، اکران خوب، فرصت دادن به اینکه فیلم بتواند خودش را جا بیندازد و مطرح کند نیز به گیشه کمک می‌کند.

همه این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا یک فیلم بتواند در فروش هم موفق باشد اما بعضاً این اتفاق نیفتاده و تجربه نشان داد در جاهایی ناموفق عمل کردیم. هرچند که همیشه سعی خودمان را کردیم فیلم‌هایی را که ما اکران می‌کنیم تا جایی که در تعداد سانس و میزان تبلیغات امکان دارد، شرایط و اکران خوبی را به وجود بیاوریم اما علی‌رغم تلاش مان بعضاً مواردی بوده که فیلم در جذب مخاطب آنطور که باید نتیجه نگرفته است. ما فیلم‌های خوبی داشتیم که متأسفانه دیده نشدند و در عین حال فیلم‌های خارج از استاندارد هم داشتیم که برخی توانستند با استفاده از شرایط و اتفاقات به خوبی مردم را به دیدن آن ترغیب کنند.

به نظر من اصلاً مقوله سینما در دنیا همین است و هیچ پارامتری در آن به طور صد در صد قابل پیش‌بینی نیست. یک کمپانی ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار هزینه می‌کند و تنها ۵۰ میلیون دلار فروش دارد در حالی که کمپانی دیگر با ۱۰۰ میلیون دلار فیلم می‌سازد و آن فیلم به فروش یک میلیاردی می‌رسد. این‌ها اجتناب‌ناپذیر است و بر جذابیت سینما و رقابت بین اهالی این حرفه می‌افزاید.

بحث امروز ما در رابطه با میزان رضایت مردم از سینمای مفرح است که سینمای کم‌دی بخشی از آن محسوب می‌شود. آمار فروش این فیلم‌ها در سال‌های اخیر نشان داده برخی از آثار با داشتن کست خوب و فیلمنامه قابل دفاع نتوانستند در گیشه موفق شوند در صورتی که برخی فیلم‌های ضعیف‌تر وضع بهتری در فروش پیدا کردند. چه عواملی در این نتیجه غیرمنطقی دخیل بوده است؟

علی‌سرتیپی مدیرعامل شرکت «فیلمیران»: موفقیت فیلم‌ها به خصوص آثار مفرح و سرگرم‌کننده به پارامترهای مختلفی بستگی دارد. اصلی‌ترین مسئله، خود فیلم است که اگرچه تأثیر بسزایی در فروش دارد ولی شرط اصلی نیست. در کنارش، ویژگی ذاتی برخی آثار است که به اصطلاح «آن» می‌گوییم. یعنی رنگ و لعاب و شکل کار در فیلم به گونه‌ای باشد که تماشاگر را به سمت خودش بکشاند. عامل دیگر تبلیغات است که به مرحله اول و دوم برمی‌گردد یعنی نوع تبلیغاتی که حین تولید ارائه می‌شود نقش مهمی در جلب توجه مردم ایفا می‌کند. مسئله بعدی حاشیه است در سینمای ما با توجه به گسترش فضای مجازی فیلم‌هایی که توانستند شرایط حاشیه خوبی را برای فیلم‌شان به وجود بیاورند و بر آن حاشیه سوار شوند هنگام فروش نیز نتیجه خوبی گرفتند. در کنار همه اینها قطعاً پخش،

حیات سینمای کشور مانند هر صنعت و هنر دیگری به تقاضا از سوی مردم وابسته است. به همین خاطر میزان رضایت مخاطب از آثار سینمای ایران مورد اهمیت قرار می‌گیرد.

تازمانی که سینماورها علی‌رغم کیفیت خوب یا بد فیلم و سالن‌های نمایش دهنده برای تهیه بلیت سینما انگیزه دارند؛ رقص هنر هفتم بر پرده نقره‌ای تماشایی است. در این میان بر اساس آمارهای موجود، آنچه بیشتر مردم این زمانه را به سینماها کشانده فیلم‌هایی با درون مایه طنز و فضای مفرح است. آثاری که بعضاً در ژانر کمدی نمی‌گنجند اما مخاطب را برای ساعتی از این دنیا دور می‌کند.

سینمای ایران در سطوح مختلف کیفی چنین تولیداتی را به خود دیده است اما بعضاً فاکتورهای غیرقابل پیش‌بینی باعث شده اند آثاری در حد و اندازه یک فیلم قابل دفاع چندان مورد اقبال مردم قرار نگیرند در حالیکه برخی تولیدات علی‌رغم دور بودن از استانداردهای اولیه تکنیکی و کیفی رقم‌های خیره‌کننده‌ای از گیشه را مال خود کردند. برای بررسی این موضوع با علی‌سرتیپی مدیرعامل دفتر پخش فیلمیران، جواد نوروز بیگی، منصور سهراب‌پور و منصور لشگری قوچانی تهیه‌کننده سینما و کاظم راست‌گفتار کارگردان که آثار هر کدام در سال‌های اخیر در گیشه با افت و خیزهایی همراه بوده در محل حوزه هنری به گفتگو نشستیم تا ارتباط سینمای مفرح را با ذائقه مخاطب مورد ارزیابی قرار دهیم. بخش اول این گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

محیا رضایی

خود می برد ولی فیلم دیگر با توجه به استانداردهای خوبی که برای خندانند دارد خیلی فروش نمی کند؟

لشگری قوچانی: سطح سلیقه مردم بسیار پایین آمده و مردم دوست دارند این فیلم ها را ببینند. وقتی در مجلسی که رئیس جمهور می خواهد از برنامه های ۴ سال آینده اش صحبت کند، بحث سلفی گرفتن داغ تر می شود یعنی مردم حواشی زرد را بیشتر می پسندند. به تبع آن رسانه نیز به آن بیشتر می پردازد چون مردم می خواهند. البته همانطور که گفتم مقصر اصلی مردم نیستند و دلیل را باید سیاست گذاران اجتماعی و کلان مملکت بررسی کنند، درواقع سینما فقط یک بخش است که شاید قدرت زیادی هم نداشته باشد.

آقای سهراب پور در سال های اخیر دو فیلم «من سالوادور نیستم» و «ناردون» را داشتید که هر دو مفرح بودند اما یکی بسیار پرفروش بود و دیگری بالعکس. در کنار تجربه این دوستان شما اخیرا دوروی سکه سینما را از بعد جذب مخاطب دیده اید. نظر تان چیست؟

منصور سهراب پور - تهیه کننده: بنده علی رغم احترامی که برای آقای قوچانی قائلم، مخالف این نظرات هستم. در این بحث آقای سرتیپی اشاره کارشناسانه ای داشتند و آن را به نظر خودم نزدیک می دانم ولی موضوع اصلی که به آن اشاره نشد، بحث



با ارزش های انقلاب و روحانیت و دوم شوخی های جنسی. فیلمی که از ترکیب این دو عنصر باشد، موردپسند است و حتما فروش دارد ولی به بقیه عناصر نمی توان صد درصد مطمئن بود.

ما می گوئیم سوپرستارهای خوب مانند رضا عطاران و محمدرضا گلزار در سینمای ایران می توانند در فروش یک فیلم موثر باشند ولی بارها دیده ایم فیلم هایی با حضور این افراد اکران شده که اتفاقا استانداردهای دیگر را هم رعایت کرده اند اما به فروش شان مطمئن نبودند چون آن دو نوع شوخی که گفتم را در فیلم نداشته اند.

آقای لشگری قوچانی شما تهیه کننده ای با یک فیلم اجتماعی مفرح شروع کردید ولی در آثار بعدی، ژانر را تغییر دادید آیا این دلیل خاصی داشته یعنی جواب نگرستن از بخش سینمای مفرح باعث این تصمیم شد؟

منصور لشگری قوچانی - تهیه کننده: این مسئله ای که آقای راست گفتار به آن پرداختند، وجود دارد یعنی ذائقه و سلیقه مردم به شدت پایین آمده ولی فقط به سینما منتهی نمی شود. مواردی که آقای سرتیپی به آن اشاره کردند از قبیل تبلیغات و پخش فیلم و مسائل حاشیه ای کاملاً درست است و ما باید بپذیریم که متأسفانه سطح سلیقه و ذائقه مردم پایین آمده ولی نباید آن را در حوزه سینما جستجو کرد چون مخاطبان حرفه ای سینما شاید دو میلیون نفر هم از کل جمعیت ۷۰ میلیونی ایران نباشند در حالی که افت سطح سلیقه در بیرون از فضای سینما رخ داده است. من معتقدم عده ای با برنامه ریزی باعث بروز این مسئله شده اند که در سینما هم نمود پیدا کرده است. اگر واقعا دنبال جواب سوال باشیم باید آن را در جامعه، در مجلس و در صدا و سیما پیگیری کنیم. سینمای ایران تنها با ۲ میلیون مخاطب یعنی اقلیت جامعه صحبت می کند. شاید همین هم باعث شد بعد از «خط ویژه» تغییر ژانر بدهم چون عده ای فقط به فکر پول درآوردن هستند در حالی که بنده می خواهم دغدغه و حرف های خود را به زبان بیاورم.

یعنی به عنوان یک تهیه کننده صرفا دغدغه برای تان مهم بود؟

لشگری قوچانی: تا همین الان دغدغه هایم برایم مهمتر بوده است.

حتی اگر فیلم شکست بخورد؟

لشگری قوچانی: به هر حال تمام تلاشم را می کنم فضایی را به وجود بیاورم که ضرر نکنم و تاکنون هم هیچ فیلمی برای من ضرر مالی نداشته است. شما اگر از بین همین ۲ میلیون نفر افرادی را پیدا کنید که با شما دغدغه های یکسان داشته باشند و بیاوند فیلم تان را ببینند موفق عمل کرده اید. همانطور که آقای راست گفتار به آن اشاره کردند قرار نیست هر فیلمی که پرفروش باشد، بهتر هم باشد اتفاقا این زنگ خطر است.

بیا بیداز دید مخاطب و کسی که برای تماشای فیلم به سینما می رود، بحث کنیم. می خواهیم بگوئیم که چرا به طور مثال مردم درباره برخی فیلم ها می گویند بد بود، ولی پول بلیت می دهد و دوستان خود را هم با

البته اگر برنامه ریزی درستی وجود داشته باشد، دست کم در ایران ۶۰ تا ۷۰ درصد کار را می توان پیش بینی کرد. وقتی مردم به سالن سینما می روند و دوستان شان را دعوت می کنند، یعنی فیلم را دوست دارند زیرا از استاندارد خوبی برخوردار بوده پس با توجه به آنچه که مردم می پسندند می توان در کارهای بعدی از المان هایی استفاده کرد که مخاطب به آن واکنش مثبت نشان داده است.

آقای راست گفتار شما به عنوان کسی که اخیرا فیلمی مفرح همزمان با آثار دیگری در این فضا اکران کردید چقدر با این نظرات موافق هستید؟

کاظم راست گفتار - کارگردان و تهیه کننده: من همه صحبت های آقای سرتیپی را تأیید می کنم ولی می خواهم مواردی را اضافه کنم. متأسفانه این واقعیت همیشه هست که برخی فیلم ها با یکسری حواشی ها موفق می شوند و بعضی دیگر با داشتن کیفیت خوب شاید نمی توانند به حق واقعی خودشان برسند ولی در مجموع آن چیزی که ملاک ارزش گذاری در سینما برای یک فیلم بوده، کیفیت است و بقیه موارد، چیزهایی است که بعدا به آن اضافه می شود و می تواند فروش فیلم را از یک مبلغ معینی بیشتر یا کمتر کند.

این روزها کیفیت در انزوا قرار گرفته و به آن هیچ توجهی نمی شود. به نظر من این زنگ خطر بزرگی برای همه دوستانی است که می خواهند در این سینما ادامه فعالیت بدهند. ممکن است فردی فیلمی بسازد که با کیفیت هم باشد و تا ۱۵ میلیارد هم بفروشد و بگوید من سود فیلم خود را برده ام پس این هزینه را برمی دارم و دیگر وارد سینما نمی شوم ولی همه اینطور نیستند و آمده اند که در این حوزه ادامه فعالیت بدهند.

شرایطی که امروز در سینمای ایران به وجود آمده و به دسته یا گروه خاصی هم بر نمی گردد، شرایطی است که به سرعت سینمای ما را به سمت نابودی می کشاند و هیچ بعید نیست که به طور مثال چهار سال دیگر سر در سینماها را برداریم و نام آن را به جای «سینما»، «سیرک» بگذاریم.

به هر حال سینما یک تعریفی دارد، برخی با یک تعریفی فیلم می سازند و فیلمشان جواب نمی گیرد و برخی دیگر ظاهرا فیلم می سازند اما وقتی نگاه می کنی به نظر می رسد که بیشتر به تماشای سیرک نشسته ای. این آثار با یکسری حاشیه هایی که فضای مجازی به آن اضافه می کند اتفاقا خوب هم می فروشد و بدون اینکه حائز کوچک ترین ارزشی باشد، فیلم بسیار موفقی در گیشه می شود.

مقصر این جریان شرایطی است که ایجاد شده و به نظر من اصلا جالب نیست و راهکاری هم به آن معنا برای آن وجود ندارد که چرا چنین اتفاقی افتاده است و چگونه می توان جلوی آن را گرفت ولی از طرفی فکر می کنم این ماجرا نمی تواند غیر عمد باشد یعنی سهوا اتفاق نیفتاده که مردم برای خندیدن صرفا به دو چیز اکتفا کنند. اگر بپرسید که مردم ایران چه می پسندند که صد درصد مطمئن باشید وقتی بودجه ای می گذارید، فیلم تان به فروش می رسد دو جواب دارد؛ اول شوخی



بحث امروز ما در رابطه با میزان رضایت مردم از سینمای مفرح است که سینمای کمدی بخشی از آن محسوب می‌شود. آمار فروش این فیلم‌ها در سال‌های اخیر نشان داده برخی از آثار با داشتن کست خوب و فیلمنامه قابل دفاع نتوانستند در گیشه موفق شوند در صورتی که برخی فیلم‌های ضعیف‌تر وضع بهتری در فروش پیدا کردند. چه عواملی در این نتیجه غیرمنطقی دخیل بوده است؟

علی سرتیپی مدیرعامل شرکت «فیلمیران»: موفقیت فیلم‌ها به خصوص آثار مفرح و سرگرم کننده به پارامترهای مختلفی بستگی دارد. اصلی‌ترین مسئله، خود فیلم است که اگر چه تأثیر بسزایی در فروش دارد ولی شرط اصلی نیست. در کنارش، ویژگی ذاتی برخی آثار است که به اصطلاح «آن» می‌گوئیم. یعنی رنگ و لعاب و شکل کار در فیلم به گونه‌ای باشد که تماشاگر را به سمت خودش بکشاند. عامل دیگر تبلیغات است که به مرحله اول و دوم برمی‌گردد یعنی نوع تبلیغاتی که حین تولید ارائه می‌شود نقش مهمی در جلب توجه مردم ایفا می‌کند. مسئله بعدی حاشیه است در سینمای ما با توجه به گسترش فضای مجازی فیلم‌هایی که توانستند شرایط حاشیه خوبی را برای فیلم‌شان به وجود بیاورند و بر آن حاشیه سوار شوند هنگام فروش نیز نتیجه خوبی گرفتند. در کنار همه اینها قطعا پخش، تعداد سالن‌ها، اکران خوب، فرصت دادن به اینکه فیلم بتواند خودش را جا بیندازد و مطرح کند نیز به گیشه کمک می‌کند.

همه این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا یک فیلم بتواند در فروش هم موفق باشد اما بعضا این اتفاق نیفتاده و تجربه نشان داد در جاهایی ناموفق عمل کردیم. هرچند که همیشه سعی خودمان را کردیم فیلم‌هایی را که ما اکران می‌کنیم تا جایی که در تعداد سانس و میزان تبلیغات امکان دارد، شرایط

و اکران خوبی را به وجود بیاوریم اما علی‌رغم تلاش مان بعضا مواردی بوده که فیلم در جذب مخاطب آنطور که باید نتیجه نگرفته است. ما فیلم‌های خوبی داشتیم که متأسفانه دیده نشدند و در عین حال فیلم‌های خارج از استاندارد هم داشتیم که برخی توانستند با استفاده از شرایط و اتفاقات به خوبی مردم را به دیدن آن ترغیب کنند.

به نظر من اصلا مقوله سینما در دنیا همین است و هیچ پارامتری در آن به طور صد در صد قابل پیش‌بینی نیست. یک کمپانی ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار هزینه می‌کند و تنها ۵۰ میلیون دلار فروش دارد در حالی که کمپانی دیگر با ۱۰۰ میلیون دلار فیلم می‌سازد و آن فیلم به فروش یک میلیاردی می‌رسد. این‌ها اجتناب‌ناپذیر است و بر جذابیت سینما و رقابت بین اهالی این حرفه می‌افزاید.

البته اگر برنامه‌ریزی درستی وجود داشته باشد، دست کم در ایران ۶۰ تا ۷۰ درصد کار را می‌توان پیش‌بینی کرد. وقتی مردم به سالن سینما می‌روند و دوستان‌شان را دعوت می‌کنند، یعنی فیلم را دوست دارند زیرا از استاندارد خوبی برخوردار بوده پس با توجه به آنچه که مردم می‌پسندند می‌توان در کارهای بعدی از المان‌هایی استفاده کرد که مخاطب به آن واکنش مثبت نشان داده است.

آقای راست‌گفتار شما به عنوان کسی که اخیرا فیلمی مفرح همزمان با آثار دیگری در این فضا اکران کردید چقدر با این نظرات موافق هستید؟

کاظم راست‌گفتار - کارگردان و تهیه‌کننده: من همه صحبت‌های آقای سرتیپی را تأیید می‌کنم ولی می‌خواهم مواردی را اضافه کنم. متأسفانه این واقعیت همیشه هست که برخی فیلم‌ها با یکسری حواشی‌ها موفق می‌شوند و بعضی دیگر با داشتن کیفیت خوب شاید نمی‌توانند به حق واقعی خودشان برسند ولی در مجموع آن چیزی که ملاک ارزش‌گذاری در سینما برای یک فیلم بوده، کیفیت است و بقیه موارد، چیزهایی است که بعدا به آن اضافه می‌شود و می‌تواند فروش فیلم را از یک مبلغ معینی بیشتر یا کمتر کند.

این روزها کیفیت در انزوا قرار گرفته و به آن هیچ توجهی نمی‌شود. به نظر من این زنگ خطر بزرگی برای همه دوستانی است که می‌خواهند در این سینما ادامه فعالیت بدهند. ممکن است فردی فیلمی بسازد که با کیفیت هم باشد و تا ۱۵ میلیارد هم بفروشد و بگوید من سود فیلم خود را برده‌ام پس این هزینه را برمی‌دارم و دیگر وارد سینما نمی‌شوم ولی همه اینطور نیستند و آمده‌اند که در این حوزه ادامه فعالیت بدهند.

شرایطی که امروز در سینمای ایران به وجود آمده و به دسته یا گروه خاصی هم بر نمی‌گردد، شرایطی است که به سرعت سینمای ما را به سمت نابودی می‌کشاند و هیچ بعید نیست که به طور مثال چهار سال دیگر سر در سینماها را برداریم و نام آن را به جای «سینما»، «سیرک» بگذاریم.

به هر حال سینما یک تعریفی دارد، برخی با یک تعریفی فیلم می‌سازند و فیلمشان جواب نمی‌گیرد و برخی دیگر ظاهرا فیلم می‌سازند اما وقتی نگاه می‌

کنی به نظر می‌رسد که بیشتر به تماشای سیرک نشست‌ه‌ای. این آثار با یکسری حاشیه‌هایی که فضای مجازی به آن اضافه می‌کند اتفاقا خوب هم می‌فروشد و بدون اینکه حائز کوچک‌ترین ارزشی باشد، فیلم بسیار موفق‌تری در گیشه می‌شود.

مقصر این جریان شرایطی است که ایجاد شده و به نظر من اصلا جالب نیست و راهکاری هم به آن معنا برای آن وجود ندارد که چرا چنین اتفاقی افتاده است و چگونه می‌توان جلوی آن را گرفت ولی از طرفی فکر می‌کنم این ماجرا نمی‌تواند غیرعمد باشد یعنی سهوا اتفاق نیفتاده که مردم برای خندیدن صرفا به دو چیز اکتفا کنند. اگر بپرسید که مردم ایران چه می‌پسندند که صد درصد مطمئن باشید وقتی بودجه‌ای می‌گذارید، فیلم تان به فروش می‌رسد دو جواب دارد؛ اول شوخی با ارزش‌های انقلاب و روحانیت و دوم شوخی‌های جنسی. فیلمی که از ترکیب این دو عنصر باشد، موردپسند است و حتما فروش دارد ولی به بقیه عناصر نمی‌توان صد درصد مطمئن بود.

ما می‌گوئیم سوپرستارهای خوب مانند رضا عطاران و محمدرضا گلزار در سینمای ایران می‌توانند در فروش یک فیلم موثر باشند ولی بارها دیده‌ایم فیلم‌هایی با حضور این افراد اکران شده که اتفاقا استانداردهای دیگر را هم رعایت کرده‌اند اما به فروش‌شان مطمئن نبودند چون آن دو نوع شوخی که گفتیم را در فیلم نداشته‌اند.

آقای لشگری قوچانی شما تهیه‌کنندگی را با یک فیلم اجتماعی مفرح شروع کردید ولی در آثار بعدی، ژانر را تغییر دادید آیا این دلیل خاصی داشته یعنی جواب نگرفتن از بخش سینمای مفرح باعث این تصمیم شد؟

منصور لشگری قوچانی - تهیه‌کننده: این مسئله‌ای که آقای راست‌گفتار به آن پرداختند، وجود دارد یعنی ذائقه و سلیقه مردم به شدت پایین آمده ولی فقط به سینما منتهی نمی‌شود. مواردی که آقای سرتیپی به آن اشاره کردند از قبیل تبلیغات و پخش فیلم و مسائل حاشیه‌ای کاملا درست است و ما باید بپذیریم که متأسفانه سطح سلیقه و ذائقه مردم پایین آمده ولی نباید آن را در حوزه سینما جستجو کرد چون مخاطبان حرفه‌ای سینما شاید دو میلیون نفر هم از کل جمعیت ۷۰ میلیونی ایران نباشند در حالی که افت سطح سلیقه در بیرون از فضای سینما رخ داده است. من معتقدم عده‌ای با برنامه‌ریزی باعث بروز این مسئله شده‌اند که در سینما هم نمود پیدا کرده است. اگر واقعا دنبال جواب سوال باشیم باید آن را در جامعه، در مجلس و در صدا و سیما پیگیری کنیم. سینمای ایران تنها با ۲ میلیون مخاطب یعنی اقلیت جامعه صحبت می‌کند. شاید همین هم باعث شد بعد از «خط ویژه» تغییر ژانر بدهم چون عده‌ای فقط به فکر پول درآوردن هستند در حالی که بنده می‌خواهم دغدغه و حرف‌های خود را به زبان بیاورم.

یعنی به عنوان یک تهیه‌کننده صرفا دغدغه برای تان مهم بود؟

لشگری قوچانی: تا همین الان دغدغه‌هایم برایم

مهمتر بوده است.

حتی اگر فیلم شکست بخورد؟

لشگری کوچانی: به هر حال تمام تلاشم را می‌کنم فضایی را به وجود بیاورم که ضرر نکنم و تاکنون هم هیچ فیلمی برای من ضرر مالی نداشته است. شما اگر از بین همین ۲ میلیون نفر افرادی را پیدا کنید که با شما دغدغه‌های یکسان داشته باشند و ببینند فیلم تان را ببینند موفق عمل کرده‌اید. همانطور که آقای راست‌گفتار به آن اشاره کردند قرار نیست هر فیلمی که پرفروش باشد، بهتر هم باشد اتفاقاً این رنگ خطر است.

بباید از دید مخاطب و کسی که برای تماشای فیلم به سینما می‌رود، بحث کنیم. می‌خواهیم بگوییم که چرا به طور مثال مردم دوباره برخی فیلم‌ها می‌گویند بد بود، ولی پول بلیت می‌دهد و دوستان خود را هم با خود می‌برد ولی فیلم دیگر با توجه به استانداردهای خوبی که برای خنداندن دارد خیلی فروش نمی‌کند؟

لشگری کوچانی: سطح سلیقه مردم بسیار پایین آمده و مردم دوست دارند این فیلم‌ها را ببینند. وقتی در مجلسی که رئیس‌جمهور می‌خواهد از برنامه‌های ۴ سال آینده‌اش صحبت کند، بحث سلفی گرفتن داغ‌تر می‌شود یعنی مردم حواشی زرد را بیشتر می‌پسندند. به تبع آن رسانه نیز به آن بیشتر می‌پردازد چون مردم می‌خواهند. البته همانطور که گفتیم مقصر اصلی مردم نیستند و دلیل را باید سیاست‌گذاران اجتماعی و کلان‌مملکت بررسی کنند، درواقع سینما فقط یک بخش است که شاید قدرت زیادی هم نداشته باشد.

آقای سهراب پور در سال‌های اخیر دو فیلم «من سالوادور نیستم» و «ناردون» را داشتید که هر دو مفرح بودند اما یکی بسیار پرفروش بود و دیگری بالعکس. در کنار تجربه این دوستان شما اخیراً دو روی سکه سینما را از بُعد جذب مخاطب دیده‌اید. نظر تان چیست؟

منصور سهراب پور - تهیه‌کننده: بنده علی‌رغم احترامی که برای آقای کوچانی قائلم، مخالف این نظرات هستم. در این بحث آقای سرتیپی اشاره کارشناسانه‌ای داشتند و آن را به نظر خودم نزدیک می‌دانم ولی موضوع اصلی که به آن اشاره‌اش نکردم، بحث زیرساخت‌ها است. قبل از آن باید به نکته‌ای درباره آنچه تاکنون صحبت شد اشاره کنم. اول اینکه اگر بخواهیم در بحث کیفی، موضوع را به بیرون از سینما بکشانیم، مخالفم زیرا هر چه که به لحاظ کیفی در جذب مخاطب وجود دارد مربوط به خانواده سینما است. اگر قرار است از فیلمی استقبال شود یا نشود، به خود ما سازندگان برمی‌گردد و نمی‌توان کسی را از بیرون مقصر دانست.

فیلمساز جدا از اشرافی که به موضوع تولید و ساخت فیلم دارد، باید حتماً به روز باشد و در ارتباط با ذائقه مردم تحقیق کند. طی این سال‌ها هم فیلم باکیفیت داشتیم و هم بی‌کیفیت که به آن اشاراتی هم شد، من فکر می‌کنم ذائقه مردم تنزل پیدا نکرده مردم هر زمان که فیلم خوب روی پرده سینما رفته از آن استقبال کرده‌اند و فروش خوبی هم رقم خورده است. بنابراین اگر ایرادی هم وجود دارد باید در خودمان و کیفیت فیلم‌های مان جستجو

کنیم و به نظرات و سلاقی مردم احترام بگذاریم. اگر برای فیلمی زحمت کشیده شده باشد، مخاطب این مسئله را به خوبی درک می‌کند و از پولی که برای تماشای فیلم داده پشیمان نمی‌شود. کسانی که دست‌اندرکار و تولیدکننده هستند باید مسیری پیدا کنند تا اگر نکات منفی که دوستان اشاره کردند در فیلمی وجود دارد، از بین برود و نقاط مثبت فیلم‌ها تقویت شود.

اما نکته اصلی که بخش عمده‌ای از مسئله فروش سینما نیز به آن بستگی دارد و تا الان مغفول مانده بحث زیرساخت‌ها است. فیلم‌ها خوب یا بد در هر صورت اوایل اکران از استقبال نسبی برخوردار هستند در این بین اگر تعداد و تجهیزات سالن‌ها در همه جای کشور از کیفیت خوبی برخوردار باشد یقیناً درصد فروش از آنچه الان هست بیشتر خواهد شد. این مسئله‌ای نیست که بخش خصوصی بتواند بابت آن مبلغی بپردازد ولی با توجه به بودجه‌هایی که ارگان‌های مختلف در بخش فرهنگی، (به خصوص وزارت ارشاد که متصدی اصلی این مسئله است) دریافت می‌کنند اگر مدیریت درستی در راس بود این زیرساخت‌ها وضعیت بهتری پیدا می‌کردند که نتیجه‌اش در فروش فیلم‌های فانتزی و مفرح هم به چشم می‌خورد.

در اجرا اولین قدم موثر را چه می‌دانید؟

سهراب پور: گاهی اوقات فکر می‌کنم که ای کاش می‌شد تولیدات مان را یک سال متوقف می‌کردیم و همه دست‌اندرکاران سینما با کمک وزارت ارشاد، فقط به بهسازی زیرساخت‌ها می‌پرداختیم تا در اقصی نقاط کشور، این اتفاق بیفتد. بنده با توجه به حضوری که در شهرستان‌ها برای اکران فیلم‌ها داشتم، به چشم دیدم که واقعاً جای خالی سینماهای خوب و استاندارد در شهرستان‌ها به شدت محسوس است. همانطور که پیش از این هم دیدیم ایجاد سالن‌های مجهز در برخی شهرستان‌ها باعث شد مردم دوباره به سینما بروند و فیلم‌ها از فروش نسبی خوبی بهره‌برند. بنابراین به نظر من باید اول زیرساخت‌ها را فراهم کنیم زیرا معتقدم مهمترین ضعف سینما در همین بخش است.

در رابطه با میزان فروش دو فیلم «من سالوادور نیستم» و «ناردون» فکر می‌کنید نبود سالن‌ها در فروش نقش اول را بازی می‌کردند؟

سهراب پور: معتقدم «من سالوادور نیستم» قابلیت بیشتر فروختن را داشت. چون ظرفیت‌هایی را در خود ایجاد کرده بود که می‌دانستیم فروش قابل قبولی رقم می‌زند. فکر می‌کنم می‌توانیم قابلیت ۶۰ تا ۷۰ میلیارد فروش را به راحتی در سینمای ایران ایجاد کنیم به شرطی که اصلی‌ترین نقص یعنی کمبود سالن‌ها جبران شود.

سرتیپی: بحث آقای سهراب پور درست است یعنی من هم مخالف برخی از این صحبت‌ها هستم و معتقدم ذات سینما یعنی سرگرمی. در دنیا سینما را به خاطر وجه سرگرمی‌اش اختراع کردند حال اینکه در کنار آن می‌خواهیم حرف بزنیم و جامعه را نقد کنیم درست است ولی یادمان باشد مهمترین چیزی که سینما را سرپا نگه می‌دارد سرگرمی آن است.

از سال گذشته تا کنون ۱۲-۱۰ فیلمی که بالای ۱۰ میلیارد فروش کرده‌اند، ۸ مورد آنها فیلم‌های طنز و مفرح هستند. «نهنگ عنبر ۲» هنوز خوب می‌فروشد و همچنان از خیلی فیلم‌های جدید بهتر توانسته گیشه را نگه دارد. در کنار این اثر فیلم‌های دیگری آمده و رفته‌اند که خیلی خوب و خوش‌رنگ و لعاب بودند ولی فروش قابل قبولی نداشتند، این یعنی مردم هنوز بین خوب و بد تشخیص قائلند. به طور مثال فیلمی مانند «خوب، بد و جلف» یکسری استانداردها را رعایت کرده که در گیشه هم خودش را نشان داده است. من از هیچ کدام‌شان دفاع نمی‌کنم و نمی‌گویند فیلم خوب یا فیلم بدی هستند اما حداقل‌هایی را رعایت کردند که مورد استقبال مردم قرار گرفتند.

شعور مخاطب است که برای فیلمی قابل دفاع حتی در ژانر اجتماعی مبلغ بالای پنج میلیارد و نیم فروش رقم می‌خورد. فیلم‌های آقای لشگری قطعاً فروش‌شان به خاطر توجه مردم بوده، اگر مردم به تماشای آن نمی‌آمدند یا استقبالی از آن نمی‌شد امروز تهیه‌کننده‌ای بودند که باید از ضررهای مالی صحبت می‌کردند، من فکر می‌کنم که اتفاقاً در چند سال گذشته مقداری شعور مخاطب‌ها بالاتر رفته است یعنی نوع فیلم‌هایی که خوب به فروش رفته همه به خاطر توجه مخاطب به انتخاب درست بوده است، حتی فیلمی مثل «ساعت ۵ عصر» که شاید عوام‌لش انتظار فروش ۲۰ میلیارد داشتند ولی ۱۰ میلیارد بیشتر فروش نرفت نشان می‌دهد همین رقم هم برای این اثر یک موفقیت است.

در مورد فیلم آخر این مسئله به همان بحث «آن» برمی‌گردد؟

سرتیپی: بله. آن و حاشیه‌ها و همه پارامترهای کناری‌اش تاثیرگذار بود.

سهراب پور: من هم موافقم. یعنی کسی که اثری را تولید می‌کند، جدا از اینکه اشراف کامل به کیفیت ساخت و استانداردهای لازم دارد، خارج از این چارچوب باید با موارد دیگری نیز آشنا باشد تا فضا و بستر خوبی را به لحاظ روانی برای مخاطبان





فیلم‌های جدی و با جزییات دقیق نمی‌روند. این موضوعی است که در همه رفتارهای انسان امروزی مشاهده می‌شود مثلاً مردم خیلی به سمت خواندن کتاب‌ها نمی‌روند چون متن‌های کوتاه و راحت در فضای مجازی باعث شده خواندن ۲۰۰ صفحه کتاب برای شان سخت

شود.

ولی مهم اینجاست که با زیرساخت‌ها، حاشیه‌ها و تبلیغاتی که ما به هنر اضافه کردیم و کارهایی که در ارتباط با سینما انجام دادیم، کمک نکردیم تا از این موقعیت به گونه‌ای استفاده کنیم که سینما روز به روز اعتلای بیشتری پیدا کند، متأسفانه فقط امروز و متافع الان را دیده ایم به همین خاطر متوجه هشدارهای که من گفتم سینمای ما چهار سال آینده تبدیل به سیرک می‌شود، نیستیم. فرمایش آقای سرتیپی درست است؛ اصل سینما سرگرمی است، لذا سرگرمی لزوماً به معنی خنده و شوخی‌های سبک نیست بلکه سرگرمی ممکن است فیلم ترسناک، تاریخی، اکشن و علمی - تخیلی باشد، امروزه در هالیوود انواع و اقسام فیلم‌ها تولید می‌شود، مسلماً است که اگر ژانر خاصی خیلی سود داشته باشد، تولید بیشتری می‌شود ولی همه چیز تحت کنترل است تا ژانرهای دیگر هم قابلیت‌های شان را عرضه کنند.

زیرساخت‌های بزرگی را در قالب سالن‌ها و کمپلکس‌های سینمایی به خصوص در تهران فراهم کردیم ولی شدیم مثل سوپرمارکت‌داری که سوپرمارکت بسیار بزرگی را تأسیس کرده، بعد از چهار روز شاهد بوده که فروش فلان شامپو بیشتر از بقیه محصولات است. این فرد تمام محصولات را در یک قفسه و طبقات زیرین جا داده و تمام قفسه‌های اصلی را شامپو چیده و معتقد است که مردم استقبال می‌کنند و من هم دنبال سود هستم. بحث اصلی ما سینما است. کجای دنیا، کدام شورای صنفی و وزارت ارشاد و کدام مقام دولتی این مجوز را داده که یک فیلم با هر شرایطی در یک روز در کشور ایران ۶۰۰ سانس اکران داشته باشد؟ از طرف دیگر یک فیلم دیگری که همه آن شرایط را ممکن است داشته باشد یا نداشته باشد، به دلیل همین شرایط که پیش می‌آید از زیرساخت‌ها نتواند استفاده کند و فیلم کم بفروشد.

منصور لشگری قوچانی: این سوال را من به جای آقای سرتیپی جواب می‌دهم. چون مردم بیشتر استقبال کرده‌اند و نیاز به سانس‌های بیشتری بوده است. راست گفتار: اگر منافع امروز را فقط ببینیم، کاملاً درست است. ولی اگر قرار باشد در این سینما پنج سال دیگر هم فیلمساز، تولیدکننده و تهیه‌کننده باشیم و روز به روز کیفیت سینمای ایران را ارتقا بدهیم، بایستی از الان به گونه‌ای عمل کنیم که تماشاگر خودمان را برای تمام سال‌های آینده داشته باشیم و افزایش دهیم نه اینکه مقطعی نگاه کنیم.

یک جایی متوجه می‌شوید سینمای ایران در حال حاضر گلخانه‌ای شده است، زیرا دور سینمای ایران یک حباب قرار دارند که سینمای اصلی دنیا که هالیوود و بالیوود است نمی‌توانند در آن نفوذ کنند. شما فکر می‌کنید این شرایط چقدر می‌تواند دوام بیاورد؟ مطمئن باشید دو سال دیگر نمی‌تواند جلوی چنین شرایط ارتباطی را بگیرند چون مردم این اجازه را نمی‌دهند و می‌گویند ما فقط دوست داریم فیلم هالیوود و بالیوودی تماشا کنیم. آن زمان گمان نمی‌کنم فیلمی

مانند «گشت ارشاد» در مقابل یک فیلم هالیوودی بتواند دوام بیاورد.

لشگری قوچانی: مطمئن باشید آمریکا نمی‌تواند سینمای کمدی ما را داشته باشد.

راست گفتار: به هر حال کشورهای دیگری هم در دنیا بودند و فقط ایران نبوده، کل کشورهای دنیا، مغلوب هالیوود و بالیوود هستند که ممکن است ما هم تبدیل به این وضعیت بشویم. ما باید به سمت سینمایی برویم که آنچنانی نیست. هدف از اینکه دور ایران یک حباب قرار دادند که سینما به صورت گلخانه‌ای رشد کند و بزرگ شود، به دلیل این است که سینمای ایران به جایگاهی برسد تا توانایی رقابت با سینمای جهان را داشته باشد. همان گونه که در صنعت خودرو نتوانسته اتفاق بیفتد، در صنعت سینما هم متأسفانه اتفاق نیفتاده و باید مراقبت کنیم که این بحران بیشتر نشود. ما که در این حرفه فعالیت می‌کنیم باید بتوانیم خودمان را تقویت کنیم. اینکه سینما فقط منفعت و سود امروز را ببیند و فکر نکند که سه تا شش سال دیگر چگونه باید عمل کند که بتواند زندگی‌اش را به همین طریق طی کند، این مسیر به نظر بنده اشتباه است.

لشگری قوچانی: این حرف شما درست است ولی سینما دار یعنی کسی که فقط برای پول درآوردن آمده است. اصل سینمای ما، سینما دار است که به دنبال فروش بهتر است تا وقتی مردم به سالن بیایند، فیلم می‌فروشد و نمی‌توان به سینما دار خرده گرفت که چرا به این فیلم سانس بیشتر داده‌ای. بلکه باید برنامه‌ریزی کرد و شرایطی را به وجود آورد تا فیلم‌ها دیده شوند. راست گفتار: مسئله ما اینجاست که با تبلیغات، جوسازی و حاشیه‌سازی و شرایط خاصی که ایجاد کردند، امکان این فراهم می‌شود یک فیلمی را بازاری که حائز هیچ گونه کیفیتی نباشد، ولی با سانس دادن‌ها، برخورد‌ها، تبلیغات و شرایط خاصی که ایجاد می‌شود، مردم می‌گویند حتماً یک چیزی است که همه به سراغ آن می‌روند پس بیایید ما هم برویم.

منصور سهراب پور: من احساس می‌کنم که این سبک صحبت کردن شاید توهین به شعور مردم باشد. مخاطبی که به سینما می‌آید و می‌بیند که فیلم فاقد کیفیت است، از فردای آن روز کم‌کم ریزش می‌کند و در سینمای ایران مشهود است. من ۱۰ فیلم را می‌توانم مثال بزنم که در یکسال گذشته این اتفاق برایشان افتاده که تبلیغات فراوان بوده و مردم به تماشای آن فیلم رفتند و آن اتفاقی که باید برای آن فیلم می‌افتاده، رخ نداده.

بنابراین در اینجا هم نمی‌توان به شعور مردم توهین کرد که ذائقه‌شان تنزل پیدا کرده است. به اعتقاد بنده، مخاطب سینمای ایران یکی از هوشمندترین مخاطبان سینمای جهان است به دلیل اینکه من کم و بیش حضوری در کشورهای مختلف داشتم و از نزدیک با سینما، تولیداتشان، محصولات و نحوه اکران‌شان در موضوعات مختلف تحقیق کردم. همه جای دنیا مرسوم است (شاید کمی سختگیرانه‌تر نسبت به ایران باشد) که یک هفته فیلم اکران می‌شود و در ادامه خود فیلم باید از خودش دفاع کند.

بنده به عنوان تهیه‌کننده زمانی تصور این بود که چرا سینما دار ۵۰ درصد از فروش فیلم را دریافت می‌کند. وقتی به عرصه سینما داران ورود کردم و با مسائل و مشکلات‌شان آشنا شدم، دیدم واقعا حق‌شان است. اگر این امکان وجود داشت که از سینما دار هم دعوت می‌شد درباره همه این موضوعات به صورت رو در رو صحبت کرد، یقیناً آنها هم حرف‌هایی داشتند که جذاب و جالب بود.

ادامه دارد ...

آماده کند و فیلم مورد توجه قرار بگیرد. به نظرم اگر زیرساخت درست باشد، تبلیغات مناسب و خوب شکل بگیرد (این هم به سازنده فیلم برمی‌گردد که بتواند این فضا را ایجاد کند)، گروه صاحب ایده و فکر خوب باشند و فیلم موفقیت خودش را تضمین خواهد کرد. در این شرایط دیگر فرقی نمی‌کند چه ژانری دارد.

لشگری قوچانی: الان فیلمی که دارای قصه خوب، کیفیت خوب، فضای خوب باشد که حتی اسکار هم گرفته از فیلم‌های کمدی کمتر فروش داشته است. این یک واقعیت است.

سهراب پور: چرا کمتر می‌فروشد، مگر فیلم «فروشنده» یا «ابد و یک روز» کمتر از فیلم‌های کمدی فروش داشته است؟

لشگری قوچانی: بله، اگر به ۱۰ فیلم پرفروش اول نگاه کنیم، مشخص است؛ بیایید واقعیت را ببینیم. سرتیپی: اولاً ذات سینما تفریح است و این که مردم بروند و از فیلم لذت ببرند.

لشگری قوچانی: هیچ اشکالی ندارد و کسی مخالف سرگرمی بودن فیلم نیست.

سرتیپی: به نظرم فیلم «فروشنده» هم که حدود ۱۷ میلیارد با شرایط سینمای آزاد فروش داشته است خیلی موفق بوده است.

لشگری قوچانی: ببینید استثنا همیشه وجود دارد اما واقعیت را ببینیم که اکثریت مردم ایران، حتی خارج از بحث سینما به اخبار زرد بیشتر رغبت دارند. ما هم جزو مردم هستیم. من با شما هم نظر هستم ولی نمی‌توان پنهان کرد که فیلم‌های کمدی موقعیت و کلامی، اگر خوب ساخته شود، احتمال موفقیت بیشتری نسبت به ژانرهای دیگر دارند اما نمی‌توان منکر شد بخشی از سینما که اتفاقاً زرد است و حتی از نظر شما هم مورد تأیید نیست و سخیف است اقبال بیشتری دارد.

من فیلم «من سالوادور نیستم» را کمدی خوبی می‌دانم که برای آن برنامه‌ریزی شده و قصه دارد به همین خاطر هم خوب فروش کرده در حالی که عده‌ای بیرون سینما از آن بد می‌گویند. من و شما باید تلاش کنیم فیلمی را بسازیم که سطح سلیقه و ذائقه مردم را به اندازه توانی که سینما در ایران دارد، بالا ببرد.

سینما با جایی مثل صدا و سیما قابل مقایسه نیست قطعاً در بررسی نزول سطح سلیقه مردم صدا و سیما تأثیر بسیار بیشتری داشته تا سینما چون برنامه‌های صدا و سیما پر بیننده تر است. به هر حال واقعیت این است که مردم امروز به سمت مسائل زرد بیشتر گرایش دارند.

به نظر می‌رسد بحث بر سر اینکه ذائقه مردم بالا رفته یا افت کرده اختلاف نظرهایی وجود دارد. چطور است کمی مصداقی به این موضوع بپردازیم؟

کازم راست گفتار: چون در بخش اول اکثر مخالف نظر بنده بودند، توضیحی در ارتباط با بحث زیرساخت لازم است بدهم. متأسفانه علیرغم اینکه می‌دانیم سطح سلیقه مردم بالا رفته ولی این مسئله مردم را کمی بی‌حوصله کرده است، طوری که خیلی سراغ

منتقد به فیلم مفرح نمی خندد

برخی سینماگران معتقدند نگاه صنعتی به سینما می تواند بازگشت سرمایه را تسریع کند.

بخش اول نشست نقد و بررسی مخاطب شناسی در سینمای مفرح که با حضور علی سرتیپی مدیرعامل دفترپخش فیلمیران، جواد نوروز بیگی، منصور سهراب پور و منصور لشگری قوچانی تهیه کننده سینما و کاظم راست گفتار کارگردان در محل حوزه هنری برگزار شد. سطح سلیقه و ذائقه مورد مورد بحث قرار گرفت که برخی از سینماگران حاضر از افت سلیقه و برخی دیگر از ارتقای آن سخن گفتند. در نتیجه تفاوت نظرها ادامه این گفتگو با موضوع زیرساخت ها گره خورد و در بخش دوم باب تازه ای از سخن باز شد که در ادامه می خوانید:

محیا رضایی

حتی به زیرساخت هم ربطی ندارد. بنابراین مشکل از جای دیگر است، مخاطب خودش به ما می گوید که برای ما چیز دیگر نسازید. من این را می خواهم و پول هم بابت آن می دهم. پس شاید استاندارد را باید از آنچه مطالبه مردم است، دانست.

چندی پیش جریانی پیش آمد که آقای سرتیپی و دیگر دوستان برادرانه به من گفتند از آن صرف نظر کن. برنامه ای داشتیم که مردم برای یک فیلم استاندارد و خانوادگی در برج میلاد ۳۰۰ هزار تومان پول پرداخت کردند، این نشان داد مشکل مردم پول نیست، آن برنامه کنسل شد و البته علی رغم اینکه اغلب شایعه کردند این پول ها برگردانده نشده ولی ما این هزینه ها را برگردانیم. می خواهم بگویم مردم برای چیزی که بخواهند پول می پردازند و به من تهیه کننده القا می کنند اگر می خواهی فیلمت را ببینیم برای ما این را بساز. بنابراین مردم مسیر ما را مشخص می کنند بحث زیرساخت ها هم وجود دارد که البته در حیطه تخصص آقای سرتیپی است.

* پس با این تفاسیر قبول دارید که بحث استاندارد، شعاری و کلیشه ای است و نظر منتقد در این مقال نمی گنجد؟

نوروز بیگی: منتقد هرگز درباره این فیلم ها نمی تواند نظر کارشناسی بدهد و اصلاً نباید هم در این حیطه وارد شود، چون تهیه کننده خودش به کاری که انجام می دهد آگاه است، پول از جیب منتقد نمی رود پول را تهیه کننده ای می دهد که باید از برگشت هزینه به قدری مطمئن باشد که بتواند فیلم بعدی را بسازد.

در رابطه با سینمای مفرح و پرفروش بهتر است کلاً منتقد را کنار بگذاریم و روی فیلم بحث کنیم. یعنی ببینیم آیا قواعد فیلمنامه نویسی و کارگردانی رعایت شده است یا نه که در این بحث هم من به شما می گویم در سینمای پرفروش حال حاضر هیچ کدام از این مسائل رعایت نشده است ولی به قدری

برگردیم به نظر تان استاندارد های سینما چگونه باید بررسی شود، آیا شما به آنچه که منتقدان می نویسند، اعتقاد دارید؟ تا اینجا بحث همه درباره استاندارد و فیلم خوب حرف زدیم ولی به جزئیات اشاره نکرد. چطور ممکن است که درباره یک فیلم مفرح، نظرهای جالبی ارائه نمی شود ولی فروش خوب و خوشحال کننده ای دارد. اساساً استاندارد برای یک فیلم مفرح چیست؟

جواد نوروز بیگی - تهیه کننده: اگر مروری بر آثاری که دوستان حاضر در این جمع طی سه سال گذشته انجام دادند، داشته باشیم، می بینیم همه شان فیلمنامه هایی داشته اند که مردم هدایت شان کرده است و دیگر آن قصه فرهنگی که ما باید جریان سازی کنیم و به مردم خوراک فرهنگی را بدهیم، رفته رفته کنار می رود و تبدیل می شود به فیلم های سفارشی می شود که در حوزه و جاهای دیگر ساخته می شود و مسیر خودش را می رود.

درواقع فیلمنامه نویسی مردم را رصد می کند. در حال حاضر هر فیلمنامه ای که به من ارائه شده، ترکیبی است و نمی توان آن را ساخت یا در آن طنز است و یا فضای سینما به لحاظ مفهومی، به سمت اروتیک رفته یعنی اگر مستقیم به فرد نشان نمی دهد ولی غیرمستقیم مفهوم را بیان می کند و مردم هم من نمی دانم به چه دلیل ولی از این مسئله استقبال می کنند. دلیل آن را باید از یک جامعه شناس پرسید که چه چیزی از مردم گرفته که مردم می خواهند این مسئله را در سینما ببینند. مردم در سینما خیلی دنبال مشاهده آداب اجتماع و اطلاع رسانی آسیب اجتماعی و مسائل دیگر نیستند چون می گویند ما این مسائل را در جاهای دیگر پیدا می کنیم، ما می خواهیم به سینما بیاییم تا بخندیم.

گویا تفریح را در فقط در سینما یافت کردند چون شاید بخشی از آن را در جای دیگر نتوانستند برای خودشان پیدا کنند. الان فیلم های پرفروش دنیا همه شان که طنز نیستند. به قول آقای سهراب پور ما کشور های دیگر را هم می بینیم که فیلم ها کاملاً فرهنگی و مخصوصاً با موضوع آسیب اجتماعی هستند و فروش خوبی هم دارند. اینکه چرا اینجا مردم به این سمت کشیده شده اند را اگر آسیب شناسی کنیم می بینیم

به نظر می رسد باز هم به همان بحث زیرساخت ها برگشتیم؟

علی سرتیپی: بله همه این ها مربوط به زیرساخت ها است، شما می توانید سالن های خوب بسازید، به مردم احترام بگذارید، صدا و تصویر خوبی داشته باشید بعد ببینید مردم و سینما دار چقدر نگاه شان به مسئله مخاطب و فیلم تغییر می کند. الان در شیراز دو سالن سینمای کوچک ساخته شده ببینید چگونه مردم از سینما رفتن استقبال می کنند. شاید بحث من انحرافی شود ولی در تولید به دلیل اینکه سریع و زودبازده است، همه ارگان ها کمک می کنند و وام می دهند، ولی در حوزه زیرساخت چون دیده نمی شود کسی هم حمایت نمی کند.

سالن هویزه مشهد سالن استاندارد است که خیلی خوب کار می کند. اگر سینمای کوروش ۲۰ تا ۳۰ درصد کل فروش سینمای ایران را تغییر داد فکر می کنید به چه دلیل بود؟ در حالی که حدود چهار سال پیش می گفتند اینها چه نادانند که وسط اتوبان ۱۳ تا سالن می سازند و کسی به اینجا نمی آید امروز مشاهده می کنید که مردم از نقاط دیگر تهران برای تماشای فیلم به کوروش می آیند چون می خواهند فیلم را با بهترین شرایط ببینند. در حال حاضر ارزان ترین تفریح مردم سینماست. اگر سینمای خوب بسازید و فیلم خوب اکران کنید نسبتاً خیال تان از فروش هم راحت است.

به جز کشور هند که در برخی سینماهای تک سالانه قیمت بلیت دو دلار است مابقی کشورها هفت تا هشت دلار است. حتی در عراق هم قیمت بلیتش از هشت دلار کمتر نیست. بنابراین حتی کشورهای ضعیف هم می دانند که سینما تفریحی اقتصادی است. ما تا جایی که امکان بود سینما را در زمره ارزان ترین تفریح مردم نگه داشتیم در صورتی که خودمان همچنان در حال هزینه کردن هستیم. تا کنون سه ورتسیون دستگاه هایمان را در پردیس کوروش تعویض کردیم چون به روز بودن برای ما مهم بود و مردم هم این تغییرات را می بینند که از آن استقبال می کنند.

بله درست است با رعایت همه اینها امروز سینما توانسته دو میلیون نفر را به خود جذب کند. اگر به موضوع خود فیلم ها





فضای فیلم، مردم را سرگرم می‌کند که اصلاً عدم رعایت این اصول مهم نیست. منتقد دنبال ایراد و نقد است و قطعاً هنگام دیدن این فیلم‌ها نمی‌خواهد بخندد ولی این قبیل فیلم‌ها را ما به صورت مشخص برای مردم می‌سازیم نه منتقدان. من خودم هم به نقدهای فیلم واقفم ولی مخاطب هدف ما در فیلم‌های مفرح فقط و فقط مردم هستند.

سرتیپی: البته در این بحث هم استاندارد به صورت نسبی مهم است یعنی می‌گوییم یک فیلم همه ایرادات را دارد ولی با فیلمی که به صورت کمدی و طنز ساخته می‌شود که زبراستندارد است، تفاوت می‌کند. راست گفتار: در رابطه با استاندارد دسازي در سینما باید بگویم که اساساً در سینما چیزی به نام استاندارد وجود ندارد. اگر مردم استاندارد دسازي را بر اساس سینمای دنیا می‌سنجند پس وقتی فیلم «آواتار» و «ترمینیاتور» و فیلم‌هایی که در حال حاضر در آمریکا ساخته می‌شود با آن کیفیت فیلمبرداری، جلوه‌های ویژه، بازی‌ها و گریم‌های عجیب و غریب در سینمای ایران می‌بینند، انگار آثاری که در ایران تولید می‌شود در حد فیلم تلویزیونی است.

به دلیل شرایط فرهنگی که بر سینمای ما حاکم است و به لحاظ استاندارد فنی و زیبایی‌شناسی، هرگز بهترین فیلم‌های ما قابل رقابت با بدترین فیلم‌های هالیوودی و بالیوودی نمی‌تواند باشد. پس باید به مردم حق داد که با خانواده‌هایشان به سینما بیایند و یک شکم سیر بخندند، پفکی بخورند و خریدی هم داشته باشند و به خانه‌هایشان برگردند چون انتظاری که مردم ما از سینما دارند برآورده نشده، آنها هم انتظارشان را قطع کردند و فقط برای اینکه حداقل از گرفتاری‌های روزمره زندگی رهایی پیدا کنند به این تفریح ارزان که شیهه سیرک شده روی آورده‌اند. مردم دیگر به دنبال تفکر در سینما، فیلم‌ها، گریم‌ها و صحنه‌های عجیب و غریب در سینما نیستند بلکه به دنبال این هستند که دو ساعت شاد باشند و کمپلکس‌های اجتماعی روانی‌شان برطرف شود، همان چیزی که در خارج از کشور در سیرک اتفاق می‌افتد و در سینماهای ما هم برای مردم ما اتفاق می‌افتد و همین که به تماشای فیلم بیایند و بخندند، برایشان کفایت می‌کند.

لشگری قوچانی: مردم مصرف‌کننده هستند و مردم دنبال یک فضای شاد هستند که من معتقدم سطح سلیقه مردم پایین آمده و این مسئله به من سینما دارم مربوط نمی‌شود.

نوروزبیگی: نه من قبول ندارم که ذائقه مردم پایین آمده. مردم جریان فرهنگی را در جای دیگری دنبال می‌کنند. وقتی می‌گوییم ذائقه مردم یعنی مشخصاً در رابطه با مسائل فرهنگی صحبت می‌کنیم و کار دیگری هم نداریم. اتفاقاً شعور فرهنگی مردم بالاتر رفته و پایین‌تر نیامده است. سینما به این مسائل کاری ندارد بلکه به تفریح مردم کار دارد. یعنی به نظر بنده فیلم‌هایی که در حال حاضر به فروش می‌رود، ممکن است تذکرات فرهنگی هم بدهد ولی به صورت ریشه‌ای فرهنگ‌سازی نمی‌کند چرا که

فرهنگ‌سازی در اصل باید در مقاطعی بالاتر از سینما شکل بگیرد.

لشگری قوچانی: چطور می‌شود بگویم سطح ذائقه مردم اعتلا پیدا کرده در حالی که فیلم‌های با موقعیت کمدی یا کمدی کلامی بیشتر می‌فروشند؟ این دو مسئله با هم تناقض دارد. منظور بنده آن دو میلیون نفری است که به سینما می‌آیند. فیلم کمدی کلامی که ارزش فرهنگی و محتوایی ندارد، فروش بیشتری دارد به دلیل اینکه شما می‌گویید مردم در سینما به دنبال فرهنگ نیستند و مقوله فرهنگ را به شکل دیگری جستجو می‌کنند. به من هم آدرس دهید ببینم آن جای دیگر کجاست؟

راست گفتار: الان سینما هم نمی‌تواند ذائقه بالا رفته مردم را تطمیع کند. سطح فکر مردم به حدی بالا رفته که سینما نمی‌تواند به آن چه مردم می‌خواهند برسد.

نوروزبیگی: به صورت مشخص کدام فیلم توانسته ذائقه فرهنگی مردم را بالا ببرد یا جریان ساز باشد؟ یعنی در جامعه ۸۰ میلیونی جریانی ایجاد کند که همه توجه‌ها به آن معطوف شود.

لشگری قوچانی: ما تنها با دو میلیون از ۸۰ میلیون مردم ارتباط داریم قطعاً سینما برای این دو میلیونی که فیلم می‌بینند نمی‌تواند جریان ساز باشد. در این بین ما هم مقصر هستیم ولی دلیل اصلی بیرون از سینما است ما در داخل نمی‌توانیم جریان‌سازی کنیم.

سرتیپی: ولی اگر ما در همین سینما فیلم‌هایی مثل همین «نهنگ عنبر» بسازیم می‌توانست با رعایت کمی بیشتر جزئیات دوبرابر این هم بفروشد. یا همین «سلام بمبئی» که آقای نوروزبیگی ساخته را اگر الان خودش ببیند می‌گوید اگر فلان اتفاق‌ها در فیلم افتاده بود ۳۰ میلیارد می‌فروختیم. ولی این بهبودها باز هم نتیجه بخش نیست مردم انقدر درگیری و دغدغه دارند که اصلاً حوصله نمی‌کنند دنبال جزئیات بروند. مردم می‌خواهند بروند سینما که سرگرم شوند.

سینما در کنار سرگرمی می‌تواند که حرف هم بزند ولی اصل این است که برود و تفریح کند. نه تنها در ایران بلکه در آمریکا هم سینما یکی از تفریحات مردم محسوب می‌شود نه جایی که قرار باشد فرهنگ مردم را تغییر دهد. دنیا مقوله تکنیک و خشونت را دارند که ما از آن بی‌بهره هستیم. این دو مقوله سینما را به سطحی برده که سلیقه‌های مختلف از آن بهره می‌برند.

نوروزبیگی: بله آنجا سینمای اکشن واقعاً می‌فروشد. ما همین جافیلیم اکشن بسازیم نگاهش هم نمی‌کنند.

سرتیپی: چون در این ژانر با اینکه مفرح و پولساز است ضعیفیم. ما هیچ وقت نمی‌توانیم به کیفیت سینمای هالیوود فیلم اکشن بسازیم.

ضعف ما نسبت به هالیوود و بالیوود بر کسی پوشیده نیست. اما خارج از این مقایسه در شرایط فعلی چقدر به تقویت تجهیزات در حد بضاعت سینمای خودمان قابل پیش‌بینی است؟

منصور سهراب پور: باز هم به همان ابتدای سخن برمی‌گردیم. اگر این بحث را باز کنیم باز به زیرساخت‌ها برمی‌گردیم. هیچ سینماگری در بخش خصوصی نمی‌تواند ادعا کند که من می‌توانم فیلم اکشن بسازم و همه امکاناتش را خودم فراهم می‌کنم. ما نباید روی دو میلیون مخاطب متمرکز شویم چون این تعداد نشان داده‌اند که اهل رصد فیلم‌ها هستند و خوب و بد سعی می‌کنند از این سبکی که در برنامه‌شان گذاشتند استفاده کنند. ما باید تمام انرژی‌مان را صرف این کنیم که افرادی بیش از این تعداد جذب دنیای سینما شوند. چرا در سطح کلان آنها که در بهبود زیرساخت‌ها نقش دارند نسبت به این مسئله بی‌توجه هستند؟ علی‌رغم اینکه بزرگان اشاره می‌کنند سینما یک ابزار فرهنگی است که می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد اما در عمل می‌بینیم که دولت اینگونه عمل نمی‌کند.

علی سرتیپی: آنها بیشتر به جشنواره اهمیت می‌دهند.

سهراب پور: می‌شد به جای هزینه‌های سرسام‌آوری که بابت جشنواره‌ها پرداخت می‌شود یک سال همه این رویدادها تعطیل شود و به زیرساخت‌ها بپردازند. زیرساخت یعنی علم استفاده از تجهیزات روز دنیا که در صورت فراهم شدن، کیفیت و تکنیک را چند پله ارتقا دهد. ما نیاز به سینماگرانی داریم که با حمایت دولت به هالیوود بروند و از علم و تجهیزات آنجا بهره گرفته و با خلاقیتی بالاتر از آنچه که تا الان بوده به ایران برگردند.

مسئولان باید بدانند که سینمای دنیای حرف‌اصلی را در چرخه اقتصاد یک کشور می‌زند ولی در کشور ما همین سینمای دست و پا بسته هم اگر وجود دارد به خاطر فیلمسازانی است که دل‌شان برای این هنر می‌سوزد و به آن علاقه دارند.

زمان اکران «من سالوادور نیستم» با اتفاقی مواجه شدم که هنوز من را آزار می‌دهد. زمانی که فیلم به فروش خوبی رسید چند سینما دار با من تماس گرفتند و گفتند که توانستند حقوق معوقه کارمندان‌شان را بپردازند. واقعاً چرا باید شاهد این قصه‌ها باشیم؟ در این زمینه متأسفانه دولت ضعیف عمل کرده که این ضعف مستقیماً به وزارت ارشاد برمی‌گردد. مسئولان پشت هم تغییر می‌کنند اما در وضعیت سینما تغییری ایجاد نمی‌شود. کلاً به نظر می‌رسد سینما هیچوقت در اولویت هیچ مسئولی نبوده است. در همین شرایط فعلی یک پنجم فیلم‌هایی که در سینمای ایران تولید می‌شود قابلیت اکران‌های جهانی را دارد که بخشی از آن فیلم‌های مفرح است.

جواد نوروزبیگی: اینکه می‌گویید فیلم‌های ما را دو میلیون نفر می‌بینند واقعاً اینطور نیست در فاصله ۴ ماهه از اکران این آمار به بالای بیست میلیون نفر می‌رسد. شما الان به ضعیف‌ترین روستاها هم سر بزید می‌بینید فیلم‌تان را دیده‌اند. در واقع فیلم به مخاطب رسیده اما پولش دست شما نرسیده است. اکران تمام شده و کار در شبکه نمایش خانگی با قیمتی کمتر توزیع شده اما پولش دیگر در جیب شما نمی‌رود. امروزه در دنیا هم‌زمان با اکران عمومی،

نیاز به بررسی دارد اما آنچه امروز مشاهده می کنیم اینکه بیان برخی حرف ها در قالب شوخی یک فرهنگ شده است.

راست گفتار: پس تکلیف این سینمایی که ۸۰ درصد فیلم هایش هزینه اولیه اش را هم در نمی آورد چه می شود؟

لشگری قوچانی: تهیه کننده برای بازگشت سرمایه اش اول به سراغ کمده می رود اما توقعی که من از مسئولان ارشاد دارم اینکه اگر قرار به ساخت کمده می باشد کمک کند بار دیگر طنزی از جنس «آجاره نشین ها» و «مارمولک» را در سینما ببینیم. امروز به این فیلم ها پروانه نمی دهند امیدوارم مسئولان جدید نسبت به سینمای مفرح دید بازتری داشته باشند.

سهراب پور: یک بخشی از مسئولیت متوجه مسئولان است و بخشی دیگر متوجه خود ما. یعنی نمی توانیم هر اتفاقی که در حوزه سینما می افتد را گردن مسئولان بی اندازیم. اگر شوخی کلامی زشت در فیلم ها می بینیم قبل اینکه مسئولی بازبینی کند این ما هستیم که شوخی را در فیلم گنجانده ایم.

لشگری قوچانی: به نظر شما امروز اگر «مارمولک» به ارشاد برود پروانه ساخت می دهند؟

راست گفتار: بله اما به شما نمی دهند. ما یک مشکلی که امروز با آن مواجهیم همین است. تعدادی سینماگر که خود را ستون های انقلاب می دانستند تغییر مسیر دادند یا از موقعیت فعلی سینمای کمده استفاده کردند و با سوءاستفاده از رانتی که در ارشاد دارند مجوزهایی می گیرند که این مجوزها را به امثال ما نمی دهند. اینها هستند که به سینمای سخیف جهت می دهند و از آن سود اقتصادی می برند. اینها هستند که به راحتی از خط قرمزها عبور می کنند و خوب می فروشند و کسی هم جلوی شان را نمی گیرد چون می گویند این فلانی خودی است. اگر او بگوید مشکلی پیش نمی آید.

و اما کلام آخر؟

لشگری قوچانی: با وجود همه این بی عدالتی ها من هنوز ناامید نیستم و امیدوارم مسئولان جدید بیدار باشند و سینما را هم از نظر هنر و هم صنعت جدی بگیرند. سینما حداقل رسانش رسانه ای بودنش است. امیدوارم اجازه دهند به آنچه در حیطه محدود خودش قائل است اجازه فعالیت درست بدهند.

نوروز بیگی: ما امروز شفاف دربار همه چیز صحبت کردیم اما اگر قرار باشد صدای ما به گوش شنوندگان برسد باید شنونده ای باشد. همه ما امروز درست گفتیم ولی باید دید تا کی می توان صبر کرد و نتیجه نگرفت. من دوست داشتم به عنوان آدمی که در حوزه هنری کار کردم راجع به عملکرد نهادهای که خود را به آن متعلق می دانم صحبت کنم. اتفاق خوبی است که امروز در مکانی این صحبت ها بیان شد که جای درستی بود. حوزه هنری یک کمپانی مسلم سینمایی و فرهنگی در جمهوری اسلامی است که سینماگران بسیاری را پرورش داده است. امیدوارم در آینده بحث مان درباره تاثیرگذاری کمپانی های در حد و اندازه حوزه هنری و ارتباطش با مردم باشد.

سهراب پور: اگر همه ما با هم همصدا شویم نتایج خوبی می گیریم. نمی توانیم فقط سرمان را پایین بی اندازیم و در برابر همه اتفاقات سکوت کنیم. راست گفتار: ما بزرگترین مشکل مان در طول سال های گذشته این است که چشم روی حقیقی ترین حقایق می بندیم امیدوارم بعد از این صدای مان در فضاهای درست شنیده شود.

کند به شرطی که مطابق میل مردم بازی کند. مثلاً عطاران فیلم طنز را مردم عام بیشتر دارند تا عطاران فیلم های جدی. این مساله اصلاً جدا از بحث کیفی فیلمهاست. در واقع می توان گفت مردم خودشان به شما می گویند چه می خواهند. جریان ساز اصلی مردم هستند حتی اگر از نظر منتقد این بازیگر در فلان نقش کلیشه شود. اینجا هم نمی توان با نظر منتقد جلو رفت چون او کاملاً درست می گوید ولی حرف درست او ضامن گیشه نیست. چون منتقد در ژانر کمده و مفرح هیچگاه جریان ساز نبوده است ولی فیلمی که برای جشنواره می سازم صرفاً برای منتقد است و می سازم که نظر منتقدان را بدانم و خودم را برای پاسخ آماده می کنم.

وقتی مردم یک چیزی بخواهند همه مجموعه ها که حوزه هنری هم شامل آن می شود با آنها همسو می شود چون می داند اگر مردم نباشند مخاطب معنا ندارد. همه ما باید روی این موج سوار شویم و حرف مان را بزنیم. با سد راه شدن کاری از پیش نمی رود. کاندیداهای ما هم انتخابات در ریاست جمهوری بعضاً به خط قرمزها هم کاری نداشتند و صرفاً کارهایی می کردند که به ذائقه مردم خوش بیاید چون جلب نظر مردم را می خواستند. الان به هر کدام شان بگویند با فلان چهره که جایگاه اجتماعی بالایی هم ندارد عکس بگیر قطعاً قبول نمی کند.

گویا به این نتیجه رسیدیم که ذائقه از جایی دیگر کنترل می شود.

سهراب پور: بعضاً می گویند در کارهای کمده حرف هایی زده می شود که در شان مردم جامعه نیست. من احساس می کنم فرهنگی ایجاد شده که در شوخی راحت تر می شود حرف زد. این یک تکنیک است و این شوخی ها منظوم کلامی و اروتیک نیست بلکه تنها حقایقی هستند که چون در قالب طنز بیان می شوند و از طرف مخاطب هم خوشایند است؛ تحملش از جانب برخی آدمها سخت می شود. ضمن اینکه گاهی بضاعت فکری طرف همین است و چون در قالب جدی امکان بیان حرف دلش را نداشته این روش را به کار برده است تا باعث جذب مخاطب شود. غلط یا درست این مساله

مردمی که شرایط سینما رفتن ندارند فیلم را به صورت آنلاین می توانند در خانه خودشان ببینند. یعنی شرایط برای مخاطب به هر طریقی فراهم است که همزمان پول بدهد و فیلم را ببیند. این نشان می دهد سینما فقط سرگرمی نیست بلکه بحث صنعت هم در آن مهم است. امروزه صنایع و سرمایه گذاران دنیا به سینما رو آورده اند ولی اینجا اصلاً کسی رغبت به سرمایه گذاری ندارد. از طرفی تلویزیون هم هیچ همکاری نمی کند در صورتی که اگر نگاه صنعتی داشته باشیم رسانه ملی می تواند تاثیرگذار باشد.

صنعت سینمای مفرح را تا چه اندازه می توان در دنیا بسط داد؟

نوروز بیگی: سینمای مفرح اقلیمی است و به خود کشور بستگی دارد ما در این ژانر شاید نتوانیم در دنیا نفوذ کنیم چون اساساً ژانر کمده و مفرح مختص فرهنگ و شوخی های یک جغرافیای خاص است.

سهراب پور: دقیقاً در زمانی که کودتای ترکیه پیش آمد من فیلم «من سالوادور نیستم» را با مردم در سالن سینما تماشا می کردم برایم عجیب بود که آن به صحنه های این فیلم می خندند. برعکس آن من «ناردون» را در همان سالن داشتم اما واکنشی در حد «سالوادور» از ایشان ندیدم. به نظرم خندیدن به سینمای مفرح در دنیا به پارامترهای غیر قابل پیش بینی بستگی دارد. فیلم هایی مثل «بارکد» «سالوادور» و «سلام بمبئی» آثاری هستند که بیرون از کشور هم میتوانند موفق باشند البته ما انتظار موفقیت های انفجاری نداریم اینها به اندازه خودشان ظرفیت دیده شدن در کشورهای مختلف را دارند چون بازارش هم هست و من خودم به تجربه این مساله را دریافتم.

به عنوان تهیه کننده در سال های اخیر چقدر از عایدی آثار مفرح رضایت داشتید؟

سهراب پور: من به تازگی در سینمای مفرح وارد شدم و آن هم به خاطر شرایط و نیازهای جامعه است. شخصاً از اینکه مردم خوشحال از سالن سینما بیرون می روند ترغیب می شوم در این ژانر بیشتر کار کنم. البته روی دیگر این ماجرا را نباید نادیده گرفت. بخشی از قصه که همه مان در آن هم نظر هستیم اینکه وقتی فیلمی به

فروش نسبی خوب می رسد در عمل اتفاق خوبی برای تهیه کننده نمی افتد. در دنیا حتی یک بلیط هم که فروخته می شود سهم تهیه کننده را بلافاصله به او می دهند اما با توجه به شرایط موجود و روند بازگشت سرمایه در ایران ممکن است ۸ ماه از اکران فیلم تان گذشته باشد و تهیه کننده یک ریال هم دستش نیاید. صدای مان هم به هیچ جا نرسیده است. اگر دولت و ارشاد را نقد می کنم چون آنها می توانند در این داستان موثر باشند اما کاری انجام نمی دهند.

شاید یکی از موضوعاتی که باعث شده تولید کم شود همین است. اگر بدانید پول تان همزمان با فروش بلیت برای شما واریز می شود قطعاً به کیفیت کار بعدی فکر می کنید و برایش برنامه می ریزید ولی چون این اتفاق نمی افتد معمولاً برای کار بعدی در چیدن کسب و کارها و تصمیم گیری ها مجبورند اقتصادی تر عمل کنند که گاهی به فیلم ضربه می زند.

در این شرایط غیرمنطقی باز بگر چه سهمی از جذب مخاطب دارد؟

نوروز بیگی: ما هنرمندان مان جایگاه بالایی در دل مردم دارند. وقتی عکس بازیگر در کنار یک برند سود میلیاری به همراه دارد پس سینما باید بتواند از این بازیگر درآمد چندین برابری کسب



رئیس اداره نظارت سازمان سینمایی از رفع توقیف ۵ فیلم خبر داده است

کاسبان توقیف برنده نظام ناکارآمد سینمایی

داستان توقیف و سپس رفع توقیف فیلم‌ها در سینمای ایران به قدری تکراری شده که می‌توان از آن یک الگو استخراج کرد و بر مبنای آن چگونگی عبور از ساختارها و مقررات و خط قرمزهای فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی یک حاکمیت را به همگان آموزش داد.

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی از رفع توقیف پنج فیلم توقیفی خبر داده و گفته با جلساتی که با تهیه‌کننده و کارگردان این آثار داشته، آنها اصلاحات مدنظر و پیشنهادی کمیته بازبینی را پذیرفتند و به همین فیلم‌های‌شان دلیل رفع توقیف شدند.

یک چرخه معیوب

چرخه توقیف تا رفع توقیف فیلم‌ها همواره در ایران چرخه‌ای معیوب بوده است. فیلمساز برای دریافت مجوز پروانه ساخت، فیلمنامه‌ای را به شورای پروانه ساخت ارائه می‌دهد، اما در مرحله تولید، فیلمنامه دیگری را می‌سازد، این یکی از راه‌های دور زدن قانون است و فیلم در بدترین حالت ممکن توقیف می‌شود، آنگاه یک دوره مظلوم‌نمایی برای سازنده و ظالم‌نمایی برای حاکمیت آغاز می‌شود، دوره‌ای که معمولاً از یک تا پنج، شش سال طول می‌کشد و دست آخر مدیر تازه‌ای با شعارهای انتخاباتی روی کار می‌آید و در قامت یک ناجی فیلم‌ها را لغو توقیف می‌کند. فیلمساز در این دوره فترت اعتبار و نامی برای خود دست و پا کرده و فیلم‌های تازه‌ای هم ساخته و حمایت‌های جدیدی را هم اخذ کرده است.

باج سینمایی

این پروسه می‌تواند از ابتدا تا انتها به عنوان یک بازی دوسر باخت برای حاکمیت قلمداد شود، چرا که معمولاً فیلمساز و تهیه‌کننده از راه‌های مختلف هزینه‌ها را بازمی‌گرداند و حمایت برخی کشورهای غربی را نیز به خود جلب می‌کنند. حضور در هیئت داوران جشنواره‌های خارجی تنها یکی از گزینه‌هایی است که می‌تواند در دوران جدید روی آن حساب کرد. دریافت کمک‌های سفارتی هم گزینه جذاب دیگری است که انگیزه‌های فیلم ساختن غیرقانونی در ایران را بالا می‌برد. اما یکی از اصلی‌ترین گزینه‌های روی میز سازمان سینمایی در مواجهه با این فیلمسازان باج دادن بوده، اما کدام نقص باعث می‌شود مابین دولت‌ها و این سینماگران نوعی معامله صورت بگیرد. برخی معتقدند از آنجا که دولت‌ها همواره قادر به کاهش فاصله‌های طبقاتی، از بین بردن تبعیض و فقر در جامعه نیستند، بنابراین مجبورند نسبت به ساخته شدن برخی آثار انتقادی از خود پرمش‌نشان دهند و دست به معامله بزنند. این دقیقاً ماجرای است که در دولت دوازدهم در حال رقم خوردن است؛ نقص و عقب‌نشینی که اتخاذ آن را باید ناشی از ناکارآمدی دولت‌ها قلمداد کرد.

در میان فیلم‌های رفع توقیف شده دو فیلم با قرائتی انحرافی از فتنه سال ۸۸ ساخته شده‌اند، موضوع یکی تجاوز به محارم از سوی پدری مذهبی است، دیگری زنده به گور کردن دختری جوان توسط پدری مذهبی را به طرزی وحشتناک روایت می‌کند؛ سوژه‌هایی که البته به نظر نمی‌رسد بتوان درباره آنها کوتاه آمد، ولی سازمان سینمایی می‌گوید با اصلاحاتی که در این آثار انجام گرفته، قابلیت اکران یافته‌اند!

این هم از عجایب سینمای ماست که فیلمی که با جانمایه و به قول معروف تم اصلی مثلاً «تجاوز به محارم» تولید شده با تغییر چند سکانس ماهیتش مثلاً به فیلمی معمایی تبدیل می‌شود یا فیلمی که به صراحت از فتنه ۸۸ به عنوان یک جنبش مردمی و عدالت‌خواهانه یاد می‌کند با تغییر چند پلان فیلمی درباره اعتراض یک دانشجو ی کرد به مشکل فقر و بیکاری در جامعه می‌شود.

شگردهای لغو توقیف چیست؟

رئیس اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در پاسخ به این سؤال که این فیلم‌ها بر اساس چه الگویی مجوز اکران گرفته‌اند، می‌گوید: «از جمله اصلاحات انجام شده روی این فیلم‌ها فیلمبرداری مجدد بعضی سکانس‌ها بوده است، از جمله فیلم «خانه دختر» و «پارادایس»، همچنین بقیه فیلم‌ها با اصلاحاتی در تدوین قابل اکران شدند.»

این مدیر سینمایی در پاسخ به اینکه آیا این شیوه حل مشکل فیلم‌های توقیفی درست است، اینگونه توضیح می‌دهد: «بهترین شیوه این است که از زمان تولید و پروانه ساخت بتوانیم ارتباط و تعامل خوبی با فیلمساز برقرار کنیم و همسویی مدنظری را که باید وجود داشته باشد بین منتقدان، مدیران دولتی و سینماگران ایجاد کنیم تا فیلم‌های تولید شده مشکلی برای اکران نداشته باشند و ما دیگر فیلمی به نام توقیفی نداشته باشیم. بعضی از این فیلم‌ها به علت مسائل روز سیاسی دچار مشکل شدند، بعضی نیز به خاطر سوء تفاهماتی که به وجود آورده بودند یا برداشت‌هایی که از آن فیلم‌ها می‌شد؛ البته با گذشت زمان خیلی از مشکلات خودبه‌خود حل شدند.»

ساختارهای ناکارآمد

آیا واقعاً توقیف فیلم‌هایی چون «خانه دختر»، «عصبانی نیستم»، «خانه پدری» و «آشغال‌های دوست‌داشتنی» ناشی از سوءبرداشت بوده است؟ در ماجرای توقیف‌ها و رفع توقیف‌های سینمایی بیش از آنکه سینماگران مقصر باشند، ساختارهای کهنه و ناکارآمد است که موجب بی‌اعتبار شدن چارچوب‌های نظارتی می‌شود. اخیراً ویدئویی از محسن مخملباف، کارگردان ضدانقلاب و خارج‌نشین منتشر شده که وی در آن به شگردهایش برای دور زدن نظارت اشاره کرده است،

اینکه چطور با زرنگی سر مدیران را شیره مالیده و در انتها نسخه مورد نظر خود را به اکران فرستاده و آب از آب هم تکان نخورده است. عبدالرضا کاهانی نیز تقریباً همین مدل حرف‌ها را در مصاحبه سراسر حاشیه، متلک و تمسخری که با «فرانس ۲۴» انجام داده بر زبان آورده است. او از تصمیم خود برای ساخت فیلمی پیرامون فشن‌شوهای زیرزمینی ایران در سال ۲۰۱۱ و عدم صدور مجوز برای آن نیز سخن رانده است. سخنان مخملباف و کاهانی نشان می‌دهد ساختارهای غیرشفاف و حتی ناکارآمد در سازمان سینمایی زمینه‌سبب برای بازی کردن دارند و همین ناپسامانی‌ها باعث می‌شود ریسک ساختن فیلم‌های حاشیه‌ساز کاهش یابد.

کاسبان توقیف

در چند سال اخیر جریانی در سینمای ایران به وجود آمده که کاهانی و درمیشیان از جمله مهم‌ترین کنشگران آن هستند و اگر سری به صفحات مربوط به آنها بزنید متوجه خواهید شد که این حواشی و توقیف اگر برای برخی آب ندارد، برای آنها نان دارد و کاسب توقیف شده‌اند!

رفع توقیف اخیر پنج فیلم باعث شده تهیه‌کننده و کارگردان فیلم‌هایی که اساساً در غیرقابل اکران بودن‌شان اجماع وجود دارد نیز به رفع توقیف اثرشان از طریق رایزنی (بخوانید معامله) طمع کنند. سعیدخانی عنوان کرده که برای اکران فیلم‌های «ارادتمند، نازنین، بهاره و تینا» و «وقت داریم حالا» به کارگردانی عبدالرضا کاهانی امیدواری وجود دارد و قرار است با ایجاد اصلاحاتی شرایط اکران آنها فراهم شود!

با مروری بر تاریخ توقیف‌های سینمایی به آثاری هم برمی‌خوریم که می‌توان گفت تا حد زیادی به دلیل سوء تفاهم، سال‌ها به محاق توقیف رفته‌اند و درباره آنها بی‌مهری صورت گرفته و البته پس از مدتی رفع توقیف شده‌اند، فیلم‌هایی که با نیت دلسوزانه و با هدف اصلاح ناراستی‌ها و نقد برخی رویکردهای غلط سیاسی یا اجتماعی ساخته شده‌اند، اما آثار زیادی هم بوده‌اند که با انگیزه‌های کاملاً سوء و ناحق جلوی دوربین رفته‌اند و کاملاً مغایر با حقیقت و منافع ملی ساخته شده‌اند. درباره اینکه این آثار دقیقاً با چه منطقی ضدمنافع ملی و گمراه‌کننده‌اند می‌توان ساعت‌ها و روزها بحث کرد و مقاله‌ها و کتاب‌های مختلف نوشت. کمرنگ بودن مرزهایی که یک اثر سینمایی را ضد یا همسو با منافع ملی می‌کند خود آفتی است که منجر به بالا رفتن میزان ساخت فیلم‌های توقیفی می‌شود. سازمان سینمایی وزارت ارشاد همواره به دلیل ضعف نیروهای کارآمد و متبحر در بدنه‌اش از ترسیم شفاف این خطوط عاجز بوده، البته به همان اندازه هم در ترسیم راهبردها و خط‌مشی‌های سینمایی و اعمال آن نیز ناکام نشان داده است.

منبع: روزنامه جوان

به بهانه رفع توقیف عجیب فیلم‌ها

سینماگران نگران دور زدن قانون نباشند سازمان سینمایی درستش می‌کند

هزینه تراشی برای قانون شکنان سینمایی هم نمی‌رود. آیا سینمای ایران از یک اتوبان داخل شهری کم اهمیت تر است که در آن برای اینکه قانون شکن شناخته شده و جریمه شود، دوربین های کنترل سرعت و مراقبت بر روی ترافیک نصب می‌شود، ولی در سینما حتی اگر دوربین نظارتی در کار باشد، کسی سراغ صدور برگ جریمه برای متخلفین نمی‌رود.

قطعا توقیف یک فیلم سینمایی به معنای راکد شدن سرمایه ای است که از سوی بخش دولتی یا خصوصی برای تهیه آن هزینه شده و کار و زحمت عوامل فیلم نیز نادیده باقی می‌ماند. در حالی که یک نظارت قوی پیش از تولید همراه با فرهنگسازی برای جلوگیری از دور زدن قانون، می‌تواند باعث شود هیچ

جالب است که میان قضاوت و ممیزی حضور فیلم‌ها در جشنواره فجر و اکران عمومی آن‌ها تفاوت‌های زیادی وجود دارد. برای همین است که نسخه جشنواره ای بسیاری از فیلم‌های سینمایی نسبت به آنچه در آینده به اکران عمومی در می‌آید تفاوت‌هایی دارد و معمولاً نسخه‌ها کوتاه‌تر شده و برخی از سکانس‌های آنها به کلی حذف می‌شود. تغییر متن مصوب و ساخت فیلم بر اساس فیلمنامه تغییر یافته، کاری عامدانه است. کاری که در آن فیلمساز به عنوان عامل و سازمان سینمایی به عنوان ناظر دخیل هستند. وزیر ارشاد می‌گوید ماباید نظارت را تقویت کنیم. یعنی قبول کرده ایم که فیلمساز می‌خواهد به هر نحو ممکن، قانون موجود را دور بزند، مانند کاری که عبدالرضا کاهانی انجام داد و قضیه ممیزی فیلم

چرا فیلمسازی که عامدانه فیلم مغایر قانون می‌سازد و بعد با ژست اپوزیسیون گرین کارت می‌گیرد و کاسبی راه می‌اندازد را باید حلاً حلاً کنیم. چرا باید برای او تا کمر خم شویم و فیلم را اصلاح کنیم و مجوز نمایش را مثل مدال روی سینه‌اش بچسبانیم؟

چه باید کرد که هیچ فیلمی در سینمای جمهوری اسلامی، توقیف نشود؟ این سوالی برای رسیدن به یک موقعیت اتوپیایی نیست و کسی به دنبال ساختن «مدینه فاضله» در سینما نیست. چرا که اصولاً فاضله شدن شرایطی را می‌طلبد که سینمای ما با آن فرسنگ‌ها دور است. اما این سوال را می‌توان مطرح کرد برای اینکه دیگر لازم نباشد برای اینکه فشار از روی مدیران سینمایی برداشته شود، کمیته‌های رفع توقیف راه بیفتد و آسمان ریسمان به هم ببافیم که دوباره فیلم گرفته‌ایم و حذف کرده‌ایم و... تا فیلم‌های توقیفی یک به یک از توقیف درآمده و عده‌ای برای آنها جشن آزادی بگیرند.

وزیر ارشاد معتقد است برای اینکه فیلمی توقیف نشود باید فاصله میان شورای پروانه ساخت و شورای پروانه نمایش برداشته شود و راهکار جایگزینی به وجود آید. اما قبل از آن بد نیست از ماهیت و چون و چرای فیلم‌های توقیفی بدانیم. فیلم‌های توقیفی در ایران دو دسته‌اند، دسته اول فیلم‌هایی که در مسیر تولید از گرفتن پروانه ساخت تا دریافت پروانه نمایش در دچار تغییرات شده‌اند و آنچه ساخته شده با آنچه بر اساس فیلمنامه اولیه و مصوب قرار قرار بوده ساخته شود، متفاوت است. ظاهراً چند مورد از فیلم‌های توقیفی که قرار است با سلام و صلوات رفع توقیف شوند از همین دسته‌اند.

دسته دوم اما فیلم‌هایی هستند که مسیر قانونی را برای ساخت طی نکرده‌اند و به اصطلاح از آن‌ها با عنوان فیلم‌های زیر زمینی نیز نام برده می‌شود. عمده مشکل سینمای ایران و درخواست‌ها برای رفع توقیف فیلم‌ها مربوط به دسته اول می‌شود. نمونه واضح و دم دستی این موارد، اتفاقی است که برای یکی از همین فیلم‌های توقیفی رخ داد. به طوری که فیلم‌ساز ابتدا فیلمنامه‌ای را برای ساخت به بنیاد سینمایی فارابی می‌برد اما نتیجه کار چیز دیگری می‌شود و در نهایت فارابی عطای کار را به لقای می‌بخشد و فیلم به خاطر محتوایش توقیف می‌شود. خلاء نظارتی بر روی روند ساخت فیلم‌های سینمایی همان مشکلی است که سیدعباس صالحی به طور ضمنی آن را بیان کرده است. مشکل از جایی شروع می‌شود که فیلمساز بعد از دریافت پروانه ساخت به حال خود رها می‌شود و تا رسیدن به نسخه فینال، هیچ‌کس از غیر از سازندگان فیلم از آنچه بر سر فیلمنامه اولیه آمده با خبر نمی‌شوند. تازه زمانی که فیلمساز فرم حضور در جشنواره فیلم فجر را پر می‌کند یا برای اکران عمومی درخواست می‌دهد، مشخص می‌شود که چه اتفاقی افتاده است.



فیلمی که مهر وزارت ارشاد در پای پروانه ساخت آن زده شده، دیده نشده باقی نماند. با بسته شدن این مسیر، راه برای بسیاری از ایراد گرفتن‌ها و نق زدن‌های بی‌مورد برخی از فیلمسازان نیز گرفته می‌شود که «فیلم توقیفی» را سندی بر نبود فضای مناسب کار در ایران عنوان می‌کنند. با این روش عجیب که سازمان سینمایی درپیش گرفته است از این پس سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. کار سازمان سینمایی فقط یک معنی می‌دهد و آن اینکه:

«فیلم مغایر قانون بسازید و با آن به اهدافتان برسید. بعد ما وارد می‌شویم و با نهایت احترام همه چیز را برایتان قانونی می‌کنیم. اصلاً در سینما، قانون خود ما هستیم. نگرانش نباشید. شما دورش بنزید، ما برایتان دست می‌زنیم.»

منبع: خبرگزاری فارس

اش را دور زد و بعد از آن را رسانه‌ای کرد. اما نگاه دومی هم می‌شود به این قضیه داشت چرا در کنار بالا بردن میزان نظارت و کور کردن راه‌های فرار فیلمساز از پایبندی به قانون، به سمت فرهنگسازی پیش‌نرویم؟ چرا قانون‌گریزی فیلمساز قبح شناخته نشود و کسی که قانون را زیر پا می‌گذارد از سوی جامعه سینمایی طرد نشود و مراجع قانونی با وی مقابله نکنند؟

چرا باید فیلمسازی که عامدانه فیلم مغایر قانون می‌سازد و بعد با آن تلاش می‌کند ویزا و اقامت دائم و گرین کارت بگیرد و با ژست اپوزیسیون، کاسبی راه بیندازد را باید حلاً حلاً کنیم. چرا باید برای او که قانون شکنی کرده تا کمر خم شویم و با تمام قوا فیلمش را مطابق میل خود او اصلاح کنیم و کلی هزینه‌ها را بدیم و دست آخر هم مجوز نمایش را مثل مدالی روی سینه‌اش بچسبانیم؟

عجیب اینجاست که وزارت ارشاد حتی به سوی

رفع توقیف فله‌ای فیلم‌های مسئله‌دار و آزمون سخت حوزه هنری

رفع توقیف فله‌ای فیلم‌های مسئله‌دار، خشونت‌گرا و حامی فتنه که این روزها متأثر از جوسازی‌ها، فشارها و لابی‌ها صورت گرفته است، بدون شک، در مرحله اکران عمومی با واکنش‌ها و بازخوردهای جدی مردم، خانواده‌ها و جبهه‌های فرهنگی انقلاب مواجه می‌شود.

این فیلم‌ها که سه نسل از وزیران اخیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جرات نکردند به دلیل محتوای در دسرسازشان، به آنها پروانه نمایش دهند و حتی در یکی دو مورد برغم صدور پروانه نمایش، جلوی اکران آن‌ها را گرفتند، تردیدی نیست که بعضی از این آثار که این روزها شتابزده راهی اکران می‌شوند به دلیل ساختار قصه و مفاهیم و روح فیلم به هیچ وجه قابلیت تغییر و اصلاح و حتی بازسازی را ندارند. اینکه

مبتذل، سینمای ما را احاطه کرده‌اند و در این مسیر، دغدغه‌های دلسوزان فرهنگی و سینماگران متعهد و اندیشه‌ورز هم به جایی نخواهد رسید.

دریای سینما طوفانی، آشفته، بی ثبات و پر هرج و مرج است و به نظر می‌رسد نظارت‌های حداقلی که وجود داشته هم، دستخوش ذائقه‌های سیاسی و جریانی و مرعوب تنگ‌نظری‌های سیاسی و همین موجی گردیده که فراگیر شده است.

اکنون اگر چه هنوز جریان ضعیفی از سینمای فرهنگ ساز و هدفمند نفس می‌کشد اما سیطره نوعی سینمای لودگی و هجویه‌های سبک و نازل، کاملاً ملموس و مشهود است. فیلم‌هایی مملو از قصه‌های سرهم بندی شده برای ارائه صحنه‌ها و دیالوگ‌های سخیف و مزین به الفاظ رکیک و رفتارهای جنسی



می‌رود و خطر نفوذ فرهنگی دشمن از طریق تخطئه و تضعیف مبانی اعتقادی و اخلاقی و تولید انبوه آثار سخیف و مبتذل شرایط خطرناکی را رقم زده، باز این سازمان سینمایی حوزه هنری انقلاب است که به مقابله برخاسته تا اجازه ندهد آثار مغایر و متضارب با آرمان‌های انقلاب، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی و مخرب بنیان‌های خانواده و اخلاق میدان‌داری کنند.

در این راه، نه تنها از طریق گفت‌وگو سازی و تولید فیلم‌های خانواده محور و استراتژیک همچون: «پیه حبه قند»، «میهمان داریم»، «مزار شریف»، «ماجرای نیمروز»، «بیست و یک روز بعد» بلکه با سیاستگذاری در عرصه سینماداری تلاش کرده و می‌کوشد سالن‌های سینمایش که با برند و محوریت «تحکیم بنیان‌های خانواده، اخلاق و سرگرمی‌های سالم» فعال است از آثاری که باعث تضعیف بنیان خانواده، خدشه به مناسبات اخلاقی، تخطئه باورهای فرهنگی و اجتماعی و مبانی دینی می‌شوند حمایت نکند.

شاید، برای حوزه هنری آسان‌تر باشد که نسبت به اکران همه فیلم‌هایی که از مجاری به اصطلاح قانونی پروانه نمایش می‌گذرد و واکنش نشان ندهد و مطابق اعلام شورای صنفی نمایش تمکین کند، ضمن اینکه، به دلیل داشتن بیش از ۱۰۰ سالن سینما در سطح کشور درصد بالایی از درآمد گیشه سینماها را به خود اختصاص دهد اما با این نگاه جایگاه و نقش پاسداری از پیام و گفت‌وگو انقلاب اسلامی که راهبرد اصلی این نهاد است، به حاشیه می‌رود.

حوزه هنری انقلاب اسلامی به لحاظ مالی و اقتصادی سرمایه‌گذاری عظیمی در سینما کرده و این روند همچنان ادامه دارد. این نهاد از طریق موسسه بهمن سبز فقط در سال گذشته بیش از ۱۲ هزار صندلی به ناوگان سینمایی کشور اضافه کرده است. پس قطعاً، با راهبردهای روشن و شفاف و بر اساس برنامه‌های کلان و هدفمندش مسیر یابی در سینما را ادامه می‌دهد و ابایی ندارد به دلیل اهداف متعالی فرهنگی و اجتماعی سینما و درک کارکردها و کاربردهای رسانه سینما در متن جامعه و تأثیرات آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی با استفاده از حقوق قانونی و متداول خویش و به حسب رسالتی که دارد از اکران چند فیلم که جز دردسر و هزینه برای جامعه و سینما پیمایند ندارند به لحاظ مالی و اقتصادی متضرر شود.

سازمان سینمایی حوزه هنری برای صیانت و حراست از سینما و حفظ منافع کلان سینما، دنبال این است که سینماهایش از ناحیه خانواده‌ها به عنوان یک فضای امن برای ارائه یک محتوای خوب شناخته شوند و به عنوان یک فضای اخلاقی دارای امنیت و اطمینان برای خانواده‌ها به حساب آید و مبنایش جلب اعتماد خانواده‌هاست.

منبع: خبرگزاری دفاع پرس

و جلف. حالا به این حجم از آثار سخیف و نازل باید مجموعه‌ای از فیلم‌های ضد اخلاقی و حامی فتنه و خشونت‌گرا را هم اضافه کنیم.

در این میان، حوزه هنری انقلاب اسلامی که در طول حدود چهار دهه گذشته به مثابه پرچم‌دار و چراغ راه سینمای ایران عمل کرده در چنین اتمسفری نگرانی‌ها و واکنش‌هایش را نسبت به سوگیری غلط سینمای کشور اعلان کرده و می‌کند و از آن جایی که این نهاد خود را موظف نسبت رعایت به شئونات قانونی و حفظ چارچوب‌های آن می‌داند همواره تلاش داشته تا اعتراض و دغدغه‌هایش را قانون‌مند و از طریق مجاری قانونی به نمایش بگذارد. عدم انتخاب برخی از فیلم‌های مسئله‌دار برای نمایش در سینماهای حوزه هنری در این راستاست. حوزه هنری با بکارگیری این تدبیر و تمهید، ضمن رعایت ساحت قوانین، به نوعی هشدارش را نسبت به مسیر حرکت سینمای ایران و پیامدهای تلخ و زیان بار آن بیان کرده است.

زمانی این نهاد در مواجهه با گسترش موج فیلم‌های «فسادمحور» و «عشق‌های مثالی» علم جلوگیری از اکران این گونه فیلم‌ها را برافراشت که بعد از گذشت چند سالی شاهد کم‌رنگ شدن تولید آن نوع فیلم‌ها بودیم و امروز متأسفانه، سینما مسیر دیگری را

مدیرکل ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی ظاهراً برغم میل باطنی‌اش ناگزیر به صدور مجوز می‌شود و تأکید دارد که این فیلم‌ها پالایش و اصلاح شده‌اند چندان نمی‌تواند با واقعیت منطبق باشد.

طبیعی است این آثار با همه حواشی و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی‌شان، در مرحله اکران با ملاحظات به حق سینماگران روبرو شوند.

فضای فرهنگ و سینمای کشور برغم گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان نگران‌کننده است. این نگرانی با روندی که سینما اکنون دارد، شدیدتر و وخیم‌تر هم خواهد شد. رهبری معظم انقلاب، بارها، گلایه‌ها و هشدارهایی نسبت به وضعیت فرهنگ و سینما و افق حرکت آن داشته‌اند؛ چرا و چگونه سینما تا به این حد از مسیر اصلی و اهداف آرمانی‌اش دور و دورتر می‌شود؟

متأسفانه، جهت‌گیری این سینما به طرف موضوعات اصلی و مفاهیم و ضرورت‌های مهم اجتماعی و فرهنگی کشور نیست. در حالی که حتی، از جدی‌ترین مباحث اجتماعی و مضامین مورد نیاز جامعه غافل شده‌ایم، از نیازهای سینما در عرصه مفاهیم کلان استراتژیک ملی و بین‌المللی هم بسیار دور افتاده‌ایم. به بهانه رونق سالن‌های سینمایی موجی دهشتناک از هجویه‌ها و کمدی

حامد محمدی حوزه هنری را با داعش مقایسه کرد!

«ژن خوب» سینمایی که خود را به فراموشی زده است



حامد محمدی سازنده فیلم ضعیف و سخیف «اکسیدان» که به واسطه نفوذ و رانت پدرش، منوچهر محمدی یکی از ژن های خوب عالم سینما محسوب می شود اخیرا در یک گفت و گو حوزه هنری را به خاطر تحریم فیلمش با داعش مقایسه کرده است.

حامد محمدی در حالی حوزه هنری را داعش نامیده که پدر وی یکی از افرادی است که سال ها همکاری های نزدیکی با حوزه هنری داشته و تهیه کنندگی بسیاری از آثار این نهاد را بر عهده داشته و در مقطع آغازین توقیف فیلم ها توسط حوزه هنری در سال ۹۱ نیز استارت توقیف فیلمهایی چون «زندگی خصوصی» و «گشت ارشاد» توسط شخص وی زده شد. آنزمان منوچهر محمدی در قالب تیمی قرار می گرفت که جزو مخالفان دولت وقت بودند و برای فشار بر سازمان سینمایی آن دوره بر طبل توقیف فیلم های سینمایی توسط حوزه هنری می کوبیدند و در واقع پایه گذار این مسئله در سینمای ایران محسوب می شوند.

این آقا زاده سینمایی گفته: «کاری که حوزه هنری در مورد تحریم فیلم ها انجام می دهد دست کمی از تندروی های داعش ندارد. داعش به اسم اسلام و حکومت اسلامی هر کاری می کند و حوزه هم با همین شعار و دفاع از ارزش های اسلامی فیلم ها را تحریم می کند. آقا زاده منوچهر محمدی که از او به عنوان یک کپی ساز سینمایی نیز یاد می شود و فیلم قبلی و فعلی اش را به طور کامل از روی آثار خارجی و داخلی سینما به طرزی ناشیانه کپی برداری کرده است در پاسخ به این سوال که: «آیا وجود دغدغه های مشابه پدرتان در شما و فیلم هایتان به این دلیل است که با ایشان کار می کنید یا اینکه همه این موارد از درون خودتان می آید؟ توضیح داده: «به هر حال یک بخشی از این مسئله هم ژنتیک است. برای بعضی ها می شود ژن خوب برای ما هم اینطوری از آب در می آید. اما به نظرم دغدغه های خانوادگی هم در این بحث مهم است.»

این آقا زاده که در این مصاحبه خواسته به قول خودش «ژن های خوب» را زیر سوال ببرد و خود را از ژن خوب بودن مبرا کند حال اینکه خودش مصداق همان ژن های خوب سینماست، پرسید آیا شاخص نهاد انقلابی بودن تا داعش را منافع شخصی خانواده منوچهر محمدی تعیین می کند؟ اینجاست که می توان دریافت تأمین منافع شخصی در تفکر عده ایی چه ریشه های قدرتمندی دارد.

باید از آقای محمدی پرسید چه شد که حوزه هنری به خاطر اکران نکردن یک فیلم از یک نهاد انقلابی تا سطح داعش در نگاه خانواده محمدی ها تنزل پیدا کرده است؟ مگر نه اینکه فیلم های سینمایی فرشته ها با هم می آیند (۱۳۹۲) که شما کارگردان آن هم بوده اید، میهمان داریم (۱۳۹۲)، حوض نقاشی (۱۳۹۱) (که شما نویسنده این فیلم هم بوده اید)، مسافر ری (۱۳۷۹) و چندین اثر دیگر از محصولات حوزه هنری توسط منوچهر محمدی تهیه و تولید شده است. حال، چرا و چطور و یکبار حوزه هنری داعش شده است؟

منبع: سینما پرس

مناسبت های مذهبی و ظرفیت های اکران فیلم

نرجس علوی مقدم

فکر کرد که گنجینه تصاویر از دفاع مقدس یا عاشورا تنها محدود به سینمای داستانی نیست، سینمای مستند و فیلم کوتاه هم آثاری بسیار با این مضامین دارند، بعضی از این فیلم ها کمتر در معرض دید مخاطب قرار گرفته اند و می توانند برای قشری گسترده به ویژه جوانان جذاب باشند.

رونق دادن به سینماها در ایام و مناسبت های خاص مذهبی، برنامه ای است که باید به آن بها داد. اتفاقی که در حوزه تئاتر افتاده نشان می دهد مخاطب گسترده ای نیازمند خوراک فرهنگی است، سالن های خصوصی و دولتی بسیاری در گوشه گوشه تهران، انواع نمایش ها را روی صحنه می برند و بسیاری از این نمایش ها پرمخاطب هستند و فروش می کنند. سینما در مقایسه با تئاتر، هنری فراگیرتر است، اما مشکل اینجاست که تنوعی که در تئاتر از نظر مضمون، محتوا و فرم ارائه اثر وجود دارد در سینما دیده نمی شود. حمایت گلخانه ای که در سینما باعث رشد نوعی سینمای سسترون و بدون مخاطب شده، در تئاتر وجود ندارد به همین دلیل میزان فروش و آمار استقبال از آثار واقعی است. در تئاتر هم به مناسبت های مختلف مذهبی و ملی، آثاری روی صحنه می روند و با استقبال مواجه می شوند. این نسخه موفق را باید به سینماها برد و اجازه نداد در مناسبت های مختلف، برنامه ها و طرح هایی اجرا شوند که نه سودآوری مالی دارند، نه توجیه فرهنگی. رونق دادن به سالن های سینما و ترویج فرهنگ سینما رفتن در جامعه، با تجدید حیات روش های کهنه و از مدافعه اتفاق نمی افتد، سینما داران و مردم نیازمند راهکارهای تازه و برنامه ریزی های خلاقانه هستند.

رونق دادن به سینماها در ایام و مناسبت های خاص مذهبی، برنامه ای است که باید به آن بها داد.

مناسبت های ملی و مذهبی می توانند عرصه ای برای بروز و تجلی فعالیت های جمعی و اجتماعی باشند. امسال هفته دفاع مقدس به عنوان یکی از مناسبت های مهم ملی با ماه محرم همزمان شده، تعطیلی سینماها در ایام سوگواری یک سنت دیرینه و برطبق عرف است، اما پیش از این تعطیلی می توان با نمایش آثاری خاص، به اکران سینماها رنگ و روی متفاوت داد. به عنوان نمونه نمایش فیلم های شاخص سینمای دفاع مقدس در تلویزیون و سینماها، بخشی از این برنامه برای ایجاد تنوع در برنامه های فرهنگی ویژه این ایام است.

در پردیس هویزه مشهد در هفته دفاع مقدس، علاوه بر برگزاری نشست های تخصصی تعدادی از فیلم های جنگی روی پرده رفتند. تماشای دوباره این آثار و بررسی آنها از منظر تازه می تواند هم برای مخاطبان سابق این فیلم ها جذاب باشد، هم نسل تازه را با قابلیت های سینمای دفاع مقدس و کارنامه سینماگران شاخص این ژانر آشنا کند.

تعدادی از آثار سینمایی از نظر مضمونی به طور مستقیم و غیرمستقیم با واقعه عاشورا در ارتباط هستند، نمایش همراه با برنامه ریزی ویژه برای این آثار در ایام محرم، می تواند حال و هوایی خاص به سینماها بدهد. البته در انتخاب این فیلم ها یک نکته را باید در نظر گرفت. به دلیل نمایش مکرر این آثار از شبکه های مختلف تلویزیون، بسیاری از آنها جذابیت و کشش اولیه را برای مخاطب ندارند، بنابراین انتخاب یک مجموعه بدیع و تازه کمی دشوار است. اما می توان به این موضوع





گزارش اختصاصی «سوره سینما» / محرم از دوربین مستند؛

از مستندهای بی‌روایت تا جشنواره‌هایی که ماهی‌گیری یاد فیلم‌ساز نمی‌دهند

مریم اکبرلو

مستولیت روایت این اتفاق مهیب تاریخ را برعهده گرفته و حرف‌های مگوی زیادی را به تصویر کشیده است. مستندهای مذهبی در موضوع مشخص محرم به چند دسته تقسیم می‌شود. یکی به تصویری کردن تعزیه‌های شهرهای مختلف کشور اختصاص دارد که یا با چاشنی مستند داستانی ما را درگیر زندگی واقعی بازیگرهای این تعزیه‌ها می‌کند و گاهی حتی همان اسب و شتر تعزیه را دست‌مایه خود قرار می‌دهد تا حرف‌های قشنگی در لفافه هنر بیان کند.

سینماهای پیشگام دنیا است که شاید به لحاظ تکنیکی به مستندهای مشهور محیط زیست شبکه‌های مشخصا انگلیسی زبان نرسد اما به لحاظ محتوایی همیشه حرف‌های بکری برای زدن دارد و دوربین را در بهترین زاویه نگاه انسانی قرار می‌دهد. عاشورا یکی از همان مضامین است که هرچقدر در سینمای داستانی و سریال‌های تلویزیونی به آن کم پرداخت شده و اندوخته افتخارآمیزی بعد از سی و چند سال فعالیت هنری بعد از انقلاب در دست ندارد، در عوض مستند یک تنه

مستند یک تنه مسئولیت روایت عاشورا این اتفاق مهیب تاریخ را برعهده گرفته و حرف‌های مگوی زیادی را به تصویر کشیده است. سینمای مستند سینمایی زنده، پویا و موفق است که در همه زمینه‌ها از سینمای داستانی پیشی گرفته و گوی سبقت را در جوایز و اعتبارات داخلی و بین‌المللی از سینمای بلند ربوده است. سینمای مستند ایران به شهادت جوایز بی‌سابقه بین‌المللی و همچنین نظر مثبت سینماگران مطرح دنیا، بی‌شک یکی از

های فیلم موضوعی و هفته های نمایش فیلم مذهبی، تدبیر خوبی برای تکان دادن به این گونه از سینماست، اما تعداد بالای فیلم های این زمینه دلیل موجهی برای عدم تحقیق و پژوهش و ساخت آثار دم دستی نمی باشد.

در همین زمینه امیر آذین کارگردان مستند «ترکیب بند» افزود: ما مقتل ها و منابع بسیار زیادی درباره عاشورا و واقعه کربلا داریم که مستندساز اگر واقعا وقت بگذارد و با مطالعه آن ها اقدام به ساخت اثرش کند قطعاً موفق تر خواهد شد.

وی تشریح کرد: اندیشمندان و عاشوراشناسان به نامی همچون محمد رضا درویشی و یا جهانگیر نصر اشرفی سال های زیاد عمر خود را صرف شناخت این واقعه ارزشمند تاریخی کرده اند و به جاست که فیلمساز مشخصاً مستندساز از علم آنها در این زمینه بهره بجوید. همچنین کتاب دانشنامه بزرگ امام حسین (ع) منبع قطور و بی بدیلی برای مطالعه جویندگان حقیقت است.

محمود رحمانی دیگر مستندساز مطرح کشورمان درباره رهایی مستندهای مذهبی به خصوص عاشورایی از کلیشه های مرسوم عنوان می کند: برگزاری جشنواره های موضوعی از یک سوره حل معقول و استاندارد به نظر می رسد و از سویی دیگر زمان و بودجه محدود مستندسازان و اصرار آنها برای حضور در چندین جشنواره به صورت همزمان، باعث خارج شدن مستند از کار خیاطی شخصی و تبدیل آن به دوخت تولیدی می شود.

وی تشریح کرد: اگر ما میخواهیم مستندسازان واقعا در کارش موفق باشد و زیر سایه جشنواره ما، مثلاً همین جشنواره فیلم مسیر عشق، به آسودگی فیلم با کیفیت بسازد، باید برای او شرایط کارگاهی مناسب فراهم کنیم و در ادامه برنده شدن فیلمش هم شرایط و امکانات ساخت مستند بهتری در آینده فراهم کنیم وگرنه همه چیز به گرفتن یک جایزه و یک شب اختتامیه و شام و خداحافظی تمام خواهد شد و مدام به جای آموزش ماهی گیری، ماهی به دست مستندسازان می دهیم.

مرتضی زراعت پیشه کارگردان مستند «روزشمار خون» در پایان این بحث مسئله تکنولوژی های جدید سینمایی را عنوان می کند و می گوید: اضافه کردن افکت های خاص سینمایی و حتی استفاده از جلوه های ویژه تا جایی که به بن مایه اصلی داستان صدمه نزنند هیچ ممنوعیتی ندارد و این اشتباهی است که بسیاری از مستندسازان ما دچار آن می شود و ساده انگاری و ساده نمایی را معادل حقیقت گوئی در مستند می دانند.

وی تصریح کرد: عدم استفاده از تکنولوژی روز سینمای دنیا در گونه مستند، قطعاً باعث بازماندن مستندهای ایرانی از عرصه های جهانی خواهد شد و باید در این باب تجدید نظر جدی صورت بگیرد.

نایی است که هر تعداد فیلم مستند هم درباره آن ساخته شود باز جای ادامه دادن دارد و می توانیم از زوایای مختلف به عظمت یک داستان عمیق پی ببریم.

به علاوه آن گروهی از مستندها به بازتاب اعتقادی این ایام و مناسک خاص آن در بین پیروان سایر ادیان پرداخته اند و روایت های جذابی از اعتقاد مثلاً دانشجویان یهودی به خوردن غذای نذری یا شفا گرفتن دختر مسیحی در حرم امام حسین (ع) در ظهر عاشورا و غیره دارند که به لحاظ بین المللی کاربرد قوی داشته و برخلاف سایر مستندهای مذهبی ما این دسته به دلیل داشتن موضوع فرا ایرانی و فراشیعه، قابل ارائه در بازارهای جهانی است و یکی از بهترین شیوه های تبلیغ دین به شمار می آید.

مستندهای «شبیه خوانی» به کارگردانی بهمن کیارستمی، «آن سوی دیوار» به کارگردانی وحید چاووش، «گل گیران» به کارگردانی محمد غفاری، «اربعین» به کارگردانی ناصر تقوایی، «پولک» یک آیین مذهبی» به کارگردانی مجید صباغ بهروز، مستند «آینا» و «صفورا» به کارگردانی داور نجفی، مستند «شام» به کارگردانی محمد رضا اصلانی، مستند «نخل» به کارگردانی بابک بهداد، مستند «من شمر هستم» به کارگردانی داریوش کرم یار، مستند «آیین دیگر» به کارگردانی سید مهدی میرشرف، مستند «به خشکی لب های فرات» به کارگردانی حمید تقوی، مستند «شور عشق» به کارگردانی حمید قربان نژاد، مستند «ترکیب بند» به کارگردانی امیر آذین، مستند «کاروان» به کارگردانی محسن امیر یوسفی، مستند «عاشورا در مه ریز» به کارگردانی جمال زارع زاده عزیزی، مستند «روز پایان» به کارگردانی نرگس آبیاری، مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به کارگردانی داریوش یاری و... از مهم ترین مستندهای عاشورایی است که همه دست های عنوان شده در متن را در برمی گیرد و هر کدام به نوعی پیام آور مفهوم اصلی قیام امام حسین (ع) برای مخاطب است.

داریوش یاری کارگردان مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» که با حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ساخته شد و در ابعاد یک فیلم سینمایی در گروه هنر و تجربه روی پرده رفت می گوید: مستندهای مذهبی ما از فقدان ایده رنج می برند و چون واقعه اصلی جلوی دوربین رفته و ایده و خلاقیت و شخصیت پردازی کمتری بدون آسیب رساندن به ساحت مستند در آن نبوده، تاثیر گذاری لازم را روی مخاطب ندارد. وی ادامه داد: مثلاً در شهر فیلم ساز مراسم کرب زنی انجام می شود و او همان وقایع را فیلم برداری کرده و به عنوان مستند ارائه می کند این در حالی است که تفاوت یک فیلم ساز با تماشاگر معمولی آن مراسم باید در نوع روایتش باشد و مثلاً از زوایه دید یکی از اهالی ما را درگیر این مناسک کند. وی معتقد است: اگرچه برگزاری جشنواره



دسته دیگر این مستندها، به فیلم برداری واقعی از آداب و رسوم و سبک و سیاق خاص عزاداری هر شهر و هر محله می پردازد که با نمایش دادن تفاوت های اقلیمی و بومی و نحوه خاص ابراز ارادت شیعیان به مولایشان، به خوبی در دل مخاطب جا باز می کند و بیننده را در مسیر این عزاداری باشکوه با خود همراه می سازد.

همچنین تکیه زدن و نذری پختن و نذری پخش کردن و گرفتن یکی دیگر از آداب و رسومی است که تقریباً به این ایام گره خورده و به طرز جدایی ناپذیری وارد واجبات عزاداری شده و بعضاً روایت دوربین مستندساز از ماجرای تهیه یک پرس غذا به شدت ماجرابی و تماشایی می شود.

بخش دیگری از مستندهای عاشورایی به نذر و وقایع خاص این ایام اختصاص دارد. درختی که ظهر عاشورا خون میچکاند. آسمان منطقه ای که ظهر عاشورا قرمز می شود. نذر افرادی که باید مسیری را پیاده طی کنند. یا در جاده ای دور افتاده آب به دست مردم بدهند. اتفاقاتی که ظهر عاشورا در حرم امام رضا (ع) می افتد. کودکی که رفتار آسمانی خاصی دارد و... همه اینها از سوژه های

گزارش «جوان» از تکاپوی غیرمنطقی مافیای پخش سینما برای انحصار سالن‌های سینمایی کشور

مبتدل سازان همه سالن‌ها را می‌خواهند!

جواد محرمی



منصوب در این سازمان، حوزه هنری در یک تنگنای سیاسی جدی قرار گیرد.

این ضیافت آغاز یک پروژه و کارشکنی بزرگ، برای تسخیر سالن‌های حوزه هنری است. از سوی دیگر براساس شنیده‌ها، حوزه هنری در چند روز گذشته اقدامات جدی خود را برای خرید تجهیزات آی‌مکس و ادوات نمایش سه‌بعدی آغاز کرده است و امید می‌رود فاز اکران فیلم خارجی در برابر مافیای سینمای مبتدل، وارد فاز جدی‌تری شود.

جنبش سالن‌سازی

تحولات نشان می‌دهد که اگر حوزه هنری به اصطلاح دست‌نجنباند و از خود تحرک نشان ندهد احتمالاً تا چند سال دیگر، نقشی در مناسبات سینمایی کشور نخواهد داشت. رشد چشمگیر سالن‌سازی از سوی بخش خصوصی اتفاقی است که به سرعت در اقصی نقاط کشور در حال رقم خوردن است و مردم هم از سالن‌های نورسیده سینمایی تا حدودی استقبال کرده‌اند و آمارها نشان می‌دهد که رغبت برای تماشای فیلم در سالن‌های فرسوده در مقایسه با سالن‌های مدرن کفه ترازو را به نفع سالن‌های تازه ساخت سنگین‌تر کرده است. این در حالی است که حوزه هنری سال‌ها از عرصه سالن‌سازی عقب مانده است.

رقابت در جهان امروز حرف اول را می‌زند، احتمالاً احساس خطر از رقیب باعث شده تحرک حوزه هنری بیش از گذشته شود و بیش از پیش به فکر سامان دادن به سالن‌های قدیمی خود باشد. هرچند این کافی نیست و در شهرهای بزرگ سالن‌های قدیمی به جهت موقعیت مکانی‌شان دیگر برای مردم جذابیت سابق را ندارند. با این حال حوزه هنری ظرفیت‌های زیادی در کشور دارد و اگر از مدیریت آگاه و هوشمندی برخوردار باشد می‌تواند دست به تغییراتی در این باره بزند و همچنان به عنوان یکی از قطب‌های سینمایی کشور در عرصه اکران باقی بماند.

سینماهای حوزه هنری به لحاظ سیستم فنی نیز عقب‌ماندگی‌های زیادی دارند. ظاهراً این نهاد در چند روز گذشته اقدامات جدی‌تری را برای خرید تجهیزات آی‌مکس و ادوات نمایش سه‌بعدی آغاز کرده است و امید می‌رود از این لحاظ نیز بتواند عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کند.

منبع: روزنامه جوان

سینما به عنوان عوارض و جلوتر از صاحب سینما و تهیه‌کننده به حساب شهرداری واریز می‌شود و گرفتن مالیات و عوارض از کالای فرهنگی اشتباه است. سوم؛ به جز فرهنگسراها، شهرداری در سینماداری هم موفق نبوده است چون تخصص شهرداری سینماداری نیست و بهتر است مدیریت سینماهای شهرداری و از جمله پردیس ملت به بخش خصوصی واگذار شود. چهارم؛ فعالیت‌های شهرداری در امور فرهنگی (جشنواره، تهیه فیلم و...)، نسبت به هزینه انجام شده نمره منفی داشته است. پنجم؛ شهرداری به اطلاع‌رسانی فیلم‌ها هم کمک مشهودی نمی‌کند و اگر به فیلمی کمک کرده است، نه برای انقلاب و نه برای فرهنگ که متأسفانه به دلیل ارتباطات خاص افراد بوده است. ششم؛ به تخصص بها بدھیم و اگر بناست سینما در اختیار بخش خصوصی نباشد، با عرض پوشش، مطابق قانون، حوزه هنری بر شهرداری مقدم است. شهرداری در حیف و میل کردن بودجه فرهنگی، در اهالی فرهنگ مشهورتر است ولی بدون شک موازی‌کاری حوزه هنری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم صحیح نیست.

با انتشار گزارش‌هایی مبتنی بر برنامه حوزه هنری برای مقابله جدی با مبتدل‌سازان سینمای ایران و از سوی دیگر مدیریت پر از ضعف و تناقض محمد مهدی حیدریان (رئیس سازمان سینمایی) در مواجهه با رفع توقیف‌های سیاسی برخی آثار ضد ملی، مافیای پخش و تولید، کیان خود را در خطر جدی‌تری می‌بیند و فاز مذاکره با شهرداری تهران را جدی‌تر دنبال می‌کند تا از اهرم سیاسی شهرداری استفاده کند و با شعار سینمای مظلوم ایران به طور کامل سینمای کشور را به ورطه ابتذال رهنمون کند.

یک سایت خبری روز گذشته گزارش داد: در پی رایزنی‌های سازمان مافیایی تهیه‌کنندگان، شهرداری تهران قرار است ضیافتی را با حضور اتحادیه‌های تهیه‌کنندگی در پردیس ملت برگزار کند. این ضیافت، نخستین تحرک سیاسی اجرایی شده مافیای پخش و تولید سینمای ایران علیه حوزه هنری است. از سوی دیگر سازمان مافیایی پخش و تولید سینمای ایران در چند روز گذشته با خبرپراکنی نامحسوس، میان اصناف تهیه‌کنندگان فراخوان داده است که کیان سینمای ایران از سوی حوزه هنری و رسانه‌های اصولگرا در معرض تهدید است و از این رو لازم است در اجماعی سازمان یافته با همکاری شهرداری تهران و مدیران

پردیس‌های شهرداری مثل راگا، رازی، تماشا و حتی ملت ضررده و بی‌رونق هستند...

نگرانی‌های جدی جریانی که در سینمای ایران از آن به عنوان مافیای پخش یاد می‌شود و ساخت فیلمفارسی به دست آن هدایت می‌شود، می‌رود تا در مواجهه جدی با حوزه هنری - متهم ردیف اول در جریان مقابله با فیلم‌های ضدخانواده و مبتدل - وارد فاز تازه‌ای شود.

ظاهراً این جریان بانفوذ سینمایی طی چند روز اخیر با شهرداری تهران وارد رایزنی‌های سیاسی جدی شده و ملاقات‌های متعددی با اعضای شورای شهر تهران به عمل آورده تا این شورا را در مقابل حوزه هنری قرار دهد. هماهنگی مافیای پخش و تولید سینما و رایزنی‌های سیاسی منجر به اظهار نظر محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران شد. محسن هاشمی در روز ملی سینما، در پردیس آزادی حاضر شد و ضمن بازدید از این سینما که از سوی شهرداری تهران بازسازی شده، گفت: «هنوز برخی سینماهای قدیمی در اختیار نهادهای انقلابی هستند به خصوص سینماهایی که مصادره شدند و از این نهادهای انقلابی خواهش می‌کنیم اگر امکان دارد بهره‌برداری از این سینماها را در اختیار شهرداری قرار دهند.»

تلاش برای در دست گرفتن سالن‌های حوزه هنری از سوی شهرداری تهران در حالی رقم می‌خورد که این نهاد پردیس‌های سینمایی خودش را نیز به خوبی مدیریت نمی‌کند چرا که پردیس‌های سینمایی شهرداری مثل راگا، رازی، تماشا و حتی ملت ضررده و بی‌رونق هستند و همین موضوع واگذاری مدیریت پردیس‌های سینمایی شهرداری را به نهادهای هنری دیگر الزامی کرده است. این رویکرد غیرمنطقی شورای شهر با واکنش منصور لشکری قوچانی، تهیه‌کننده سینما مواجه شد: «اگر سینما در اختیار بخش خصوصی نباشد مطابق قانون، حوزه هنری بر شهرداری مقدم است.»

واکنش یک تهیه‌کننده

منصور لشکری قوچانی که با تهیه‌کنندگی «قاتل اهلی» در جشنواره پیش حضور داشت در یادداشتی ضمن نگرانی از تصمیم‌گیری سیاسی و غیرکارشناسی خواندن موضع محسن هاشمی شش دلیل برای صحیح نبودن آن عنوان کرد: اول؛ شهرداری تعداد زیادی فرهنگسرا دارد که از آنها استفاده بهینه نمی‌کند و بهتر است که مدیریت هر فرهنگسرا جداگانه به بخش خصوصی واگذار شود. دوم؛ ۵ درصد پول بلیت

حوزه هنری می تواند انحصار سینمای ایران را بشکند

جواد محرمی

با فیلم خارجی به وجود بیاید ولی این سینمایی که الان شاهدش هستیم نمی توانست حیات بیابد. این سینما با ریل گذاری دولتی دهه (انقلاب) تشکیل شد. سینمایی که با حمایت دولت بین سال های ۶۲ تا ۷۱ روی پا ماند. با تغییرات مدیریتی سال های ۷۱ به بعد هم با وجود برخی تحولات در سیاست گذاری ها، اهالی سینما همچنان به ریل گذاری قبلی وفادار ماندند. در واقع سینما در این سال ها توسط دولت نگه داشته شد. «این یکی از پارادوکس های عجیب سینمای ایران است؛ گرچه به نظر می رسد سینما دولتی است ولی سینما در شکل محتوایی و موضوعی در موارد زیادی در جهت منافع نهاد نگهدارنده اش (بخوانید انقلاب اسلامی) گام بر نمی دارد. در این سال ها نیز همچنان دولت است که با تغییراتی در روش ها و رویکردها، سینمای ایران را سرپا نگه داشته است. سینمای ایران شبیه سینمای اروپای شرقی نیست که در دلش سینمای معترض هم وجود داشت ولی ۸۰ درصد تولیداتش هدایت شده بود. در حالی که در ایران ۸۰ درصد تولیدات سینمایی غیر هدایت شده است. سینمای ایران، سینمای عجیب و غریبی است که در دل شرایط پر از تناقض فعالیت می کند. برخلاف آنچه معمولاً ما سینمایی ها می گوئیم که دولت باید پایش را از سینما کنار بکشد و بگذارد شرایط طبیعی حاکم شود، اعتقاد دارم اگر این اتفاق بیفتد سینمای ایران با مشکلات بسیار جدی مواجه می شود چون این سینما را تا این لحظه دولت سرپا نگه داشته است.»

رسالت تاریخی حوزه هنری

در چنین شرایطی به نظر می رسد حوزه هنری باید نقش آفرینی بیشتری در فضای سینمایی کشور ایفا کند. مباحثی که چند روز اخیر درباره اکران فیلم خارجی مطرح شده می تواند یکی از راهکارهای جدی برای تحت فشار قرار دادن انحصارگران سینمایی باشد که از بودجه های دولتی ارتزاق کرده ولی همواره برای خوشامد جشنواره های خارجی آثار ضد ملی تولید می کنند. انقلاب اسلامی در مقطعی سینما را به نفع سینماگران در انحصار آثار ایرانی قرار داد و اگر لازم باشد این انحصار را به نفع خانواده و مردم می شکنند. مصلحت فرهنگ و خانواده ایرانی اگر ایجاب کند حتماً اموال عمومی و دولتی در اختیار آثاری قرار خواهد گرفت که در خدمت اخلاق، خانواده و امیدواری و نشاط اجتماعی باشند و با کمال تأسف باید گفت بخشی از فیلم های خارجی در مقایسه با بخش قابل توجهی از آثار داخلی از محتوای سالم تری برخوردارند و همین اختلاف محتوایی می تواند انحصار سینما را به سود مردم و به ضرر سینمای تلخ و ملال آور ایران بشکند. بزرگان سینمای ایران باید این تهدید را جدی بگیرند که قرار نیست تابد موازنه به نفع آنها ادامه پیدا کند و اگر مصالح ملی را در نظر بگیرند قطعاً این انحصار ظالمانه خواهد شکست و حوزه هنری نیز می تواند در خط مقدم این انحصار شکنی قرار بگیرد.

منبع: جوان آنلاین

روز گذشته اقدامات جدی تری را برای خرید تجهیزات آی مکس و ادوات نمایش سه بعدی آغاز کرده است و امید می رود از این لحاظ نیز بتواند عقب ماندگی های خود را جبران کند.

موازنه این بار به نفع مردم

اما حوزه هنری در سمت و سو دادن به محتوای آثار سینمایی نیز می تواند منشأ اثر باشد. به تازگی مباحثی پیرامون اختصاص سالن های حوزه هنری به فیلم های غیر ایرانی که به لحاظ شاخصه های فرهنگی و اخلاقی در مقایسه با آثار ایرانی دست برتر را دارند در رسانه ها مطرح شده است و این می تواند زنگ خطری برای سینمای تلخ و غیرمتعهد ایران تلقی شود. سینمایی که نزدیک به چهار دهه است بنا به پیروزی انقلاب اسلامی و ممنوعیت پخش هر گونه فیلم خارجی از رانت دولتی و انحصار مطلق برخوردار بوده و لسی در مقابل به جای قدر شناسی از انقلاب اسلامی به جای خلق آثار منطبق



با شأن جامعه مسلمان و انقلابی ایران همواره بخش عمده ای از آثار خود را منطبق با میل جشنواره های خارجی تولید کرده و جالب است که با این وجود نیز همواره با زستی طلبکارانه حساب خود را جدا کرده و بر صندلی مدعی نشسته است.

به تازگی فریدون جیرانی در یک گفت و گوی رسانه ای تلویحاً به بی وفایی سینمای ایران به ارزش های انقلاب اسلامی اعتراف کرده است: «سینما در ایران پس از انقلاب را دولت سرپا نگه داشت. دولت با ممنوع کردن ورود فیلم خارجی توسط بخش خصوصی و در اختیار گرفتن اکران فیلم خارجی توسط خودش و بعد تسلط بر گلوگاه های اقتصادی که بتواند تولید را کنترل کند، سینما را سرپا نگه داشت. اگر در واقع دولت (انقلاب اسلامی) وارد میدان نمی شد و جلوی ورود فیلم خارجی را نمی گرفت، سینما در همان سال های اولیه پیروزی انقلاب تقریباً از بین می رفت. در سال های ۵۸ تا ۶۲ که ما شاهد مدیریت منسجم و برنامه ای نبودیم و سینما در حالت بلاتکلیفی به سر می برد، با ورود گسترده فیلم خارجی و تسلط انجمن وارد کنندگان فیلم، سینمای ایران نمی توانست به تولید کمی برسد. گرچه امکان داشت بعدها یک سینمایی از دل رقابت

سینمای ایران اگر محتوای آثارش را به سود امیدواری دادن به جامعه و ارتقای نشاط و اخلاق اجتماعی اصلاح نکند، لازم است که هر چه زودتر زنگ خطر از دست دادن انحصار فیلم ایرانی را بشنود و حوزه هنری می تواند در خط مقدم پایان دادن به این انحصار طلبی قدم بردارد.

سینمای ایران اگر محتوای آثارش را به سود امیدواری دادن به جامعه و ارتقای نشاط و اخلاق اجتماعی اصلاح نکند، لازم است که هر چه زودتر زنگ خطر از دست دادن انحصار فیلم ایرانی را بشنود و حوزه هنری می تواند در خط مقدم پایان دادن به این انحصار طلبی قدم بردارد.

رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی می گوید که این نهاد تا پایان سال آینده ۱۴ هزار صندلی به سینماهای کشور اضافه می کند. محسن مومنی شریف این سخنان را در جریان افتتاح رسمی سینما آزادی شهر بیجار بر زبان آورده است. حوزه هنری چند صباحی است که نشان می دهد قصد کرده تا از انفعال سال های پیش از این قدری بیرون بیاید و حضوری فعالانه تر در عرصه سینمای کشور از خود نشان دهد. در فضای ولنگاری فرهنگی که دامن سینما را هم گرفته و بخش عمده ای از آثار سینمای کشور را در نور دیده از حوزه هنری به عنوان نهادی انقلابی انتظار می رود که هوشمندانه تر در وسط میدان هنر و فرهنگ کشور عرض اندام کند و منشأ اثر باشد.

جنبش سالن سازی

تحولات نشان می دهد که اگر حوزه هنری به اصطلاح دست نجنباند و از خود تحرک نشان ندهد، احتمالاً تا چند سال دیگر نقشی در مناسبات سینمایی کشور نخواهد داشت. رشد چشمگیر سالن سازی از سوی بخش خصوصی اتفاقی است که به سرعت در اقصی نقاط کشور در حال رقم خوردن است و مردم هم از سالن های نو رسیده سینمایی تا حدودی استقبال کرده اند و آمارها نشان می دهد که رغبت برای تماشای فیلم در سالن های فرسوده در مقایسه با سالن های مدرن کفه ترازو را به نفع سالن های تازه ساخت سنگین تر کرده است. این در حالی است که حوزه هنری سال ها از عرصه سالن سازی عقب مانده است. رقابت در جهان امروز حرف اول را می زند، احتمالاً احساس خطر از رقیب باعث شده تا تحرک حوزه هنری بیش از گذشته شود و بیش از پیش به فکر سامان دادن به سالن های قدیمی خود باشد. هر چند این کافی نیست و در شهرهای بزرگ سالن های قدیمی به جهت موقعیت مکانی شان دیگر برای مردم جذابیت سابق را ندارند. با این حال حوزه هنری ظرفیت های زیادی در کشور دارد و اگر از مدیریت آگاه و هوشمندی برخوردار باشد می تواند دست به تغییراتی در این باره بزند و همچنان به عنوان یکی از قطب های سینمایی کشور در عرصه اکران باقی بماند.

سینماهای حوزه هنری به لحاظ سیستم فنی نیز عقب ماندگی های زیادی دارند. ظاهر این نهاد در چند



چرا سازمان سینمایی اصرار به تطهیر فیلم‌هایی با موضوع فتنه ۸۸ دارد؟

نسخه دست‌چندمی از عباس کیارستمی یا ابوالفضل جلیلی می‌شد.

اما پناهی با عبور و مرور در جشنواره‌های فرنگی، شکل دیگری از فیلمسازی سیاه را در سینمای ایران تجربه کرد و در دوره اصلاحات فیلم ضد‌مردمی دایره را ساخت که در همان دوران با دستور عطاءالله مهاجرانی توقیف شد. اما این توقیف زمینه توفیق در جشنواره‌های فرنگی را برایش فراهم آورد و از آن پس جعفر پناهی، دیگر فیلمی با قواعد نظارتی ایران نساخت و باقی آثارش توقیف شدند و هیچ‌گاه نتوانست از دایره مقرر وزارت ارشاد عبور کند.

رویه پناهی در هرج و مرج طلبی هنری و عدم تمکین از مقررات سینمایی باب شد و با ساخت فیلم «یک خانواده محترم» رویه ارائه فیلمنامه به ارشاد و گرفتن پروانه ساخت و ساختن فیلم دیگری مغایر با فیلمنامه مصوب شکل طبیعی به خود گرفت. این رویه منجر به توقیف فیلم‌های متعددی شد و با تغییر فضای سیاسی کشور در سال ۱۳۹۲، مطالبه سینماگران متخلفی که با اخذ پروانه ساخت برای فیلمنامه دیگری، فیلم دیگری ساختند افزایش یافت. این شکل از تخلف نظارتی در مورد فیلم هنجارشکن «عصبانی نیستم» اتفاق افتاد و

ارزشیابی همچنان شفاف و روشن نیست. همواره یک شورای پروانه ساخت و نمایش وجود دارد که در حیطه نظارتی فعالیت می‌کند و توقیف یا نمایش آثار سینمایی بستگی به شرایط سیاسی و سلیقه مدیران سینمایی حاکم دارد.

به همین دلیل، در بازه‌های زمانی متعددی برخی آثار سینمایی توقیف می‌شدند و بسیاری از این آثار تا سال‌ها امکان نمایش پیدا نمی‌کردند و با تغییر مدیران آثار توقیف‌شده پروانه نمایش دریافت می‌کردند. این رویه نشان می‌دهد نظارت بر روند ساخت آثار سینمایی با تغییرات عرفی سیاسی سازگار است، اما با قانون سازگار نیست. از سوی دیگر توقیف برخی آثار سینمایی برای سینماگران تبدیل به یک تجارت بین‌المللی شده است. جعفر پناهی یکی از فیلمسازانی است که توقیف فیلم‌هایش توفیق و نحوه برخورد اداره نظارت و ارزشیابی برایش پولساز بوده است. جعفر پناهی فیلم آینه و بادکنک سفید را در دهه هفتاد ساخت که هر دو فیلم غیر از توفیق جشنواره‌ای آورده‌ای در گیشه برایش نداشتند و طبیعتاً اگر پناهی فیلمسازی را در مسیر دو فیلم بادکنک سفید و آینه ادامه می‌داد به سرنوشت ابراهیم فروزش دچار می‌شد و تبدیل به

با تغییر مدیران آثار توقیف‌شده پروانه نمایش دریافت می‌کردند، این رویه نشان می‌دهد نظارت بر روند ساخت آثار سینمایی با تغییرات عرفی سیاسی سازگار است، اما با قانون سازگار نیست.

اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی چه مأموریتی به‌عهده دارد؟ شورای نظارت پروانه ساخت و نمایش چه وظایفی به‌عهده‌اش نهاده شده است؟ این مهمترین پرسشی است که طی سی و اندی سال مدیریت ناقص سازمان سینمایی دولت‌های مستقر، مطرح می‌شود و همچنان پاسخی معین و مشخص توسط نهادهای نظارتی ارائه نمی‌شود.

رؤسای سازمان سینمایی طی چهار دهه انقلاب، بر اساس شرایط عرفی با تناقض‌گویی از کنار این پرسش عبور کرده‌اند. تنها دوره‌ای که می‌توان بدان اشاره کرد که یک روند بسیار شفاف در حوزه نظارت اعمال شده و آثار هنجارشکنی ساخته نشده، دوران ریاست عزت‌الله ضرغامی در دهه هفتاد است.

ضرغامی از معدود مدیرانی است که در حوزه ریاستش بر سازمان سینمایی، به مرحله‌ای شگرف از کمال‌گرایی و هنربانی در حوزه نظارت رسید. اما پس از دوم خرداد قانون نانوشته اداره نظارت و

و داروغه‌زاده معاونت اداره نظارت و ارزشیابی تلاش می‌کند با آدرس غلط دادن به رسانه‌ها، موج مخالفت‌ها را به نفع هر دو فیلم تعدیل کند.

با اینکه مسئولان فعلی ارشاد تلاش می‌کنند رضا درمیشیان و اثرش را تطهیر کنند، اما این فیلمساز طبق قواعد نظارتی متخلف است و اگر بنای دورزدن شورای پروانه ساخت و نمایش باب شود، هر سال با پدیده توقیف فیلم‌ها در اشکال مختلف شاهد نسل جدیدی از فرزندان جعفر پناهی در سینما خواهیم بود.

نکته مهم در مورد اظهارات معاونت اداره نظارت و ارزشیابی این است که می‌فرمایند هر دو فیلم مورد اشاره با موضوع فتنه ۸۸ اصلاح شده‌اند. ایشان باید پاسخ دهند، آخرین اصلاحیه مربوط به چه زمانی است و چگونه انجام شده است؟

طبق شنیده‌های خبرنگار تسنیم آخرین نسخه اشغال‌های دوست‌داشتنی که به دبیرخانه جشنواره فیلم فجر در ۱۳۹۵ ارائه شده و نسخه‌ای که به جشنواره بین‌المللی فجر در سال ۱۳۹۶ ارائه شده و کارگردان فرم حضور در هر دو جشنواره را با اتکا به همین دو نسخه پر کرده است، فیلم اشغال‌های دوست‌داشتنی هیچ تغییری با نسخه اصلی فیلم ندارد و بستر روایت همچنان با ورود افراد مرتبط با جنبش سبز آغاز می‌شود.

اگر این چند فیلم اصلاح شده‌اند، جناب داروغه‌زاده قبل از اکران عمومی این فیلم‌ها و نسخه‌های اصلاح شده را در سالن اصلی وزارت ارشاد اکران کنند تا شائبه‌ها و شایعات برطرف شود.

قطعاً فیلمسازی مثل امیر یوسفی که ۱۲ سال حاضر به اصلاح فیلم خواب تلخ نشد و طی سال‌های مذکور به صورت مکرر اصرار داشت که نسخه اصلی فیلمش اکران شود و اصلاحیه‌های سازمان سینمایی در سه معاونت سینمایی را نپذیرفت، قطعاً حاضر به اصلاح فیلم اشغال‌های دوست‌داشتنی نخواهد بود.

نکته مهم در مورد فیلم اشغال‌های دوست‌داشتنی این است که فیلم با هزینه فارابی ساخته شده است و کارگردان، بودجه ساخت فیلم را از فارابی گرفته و فیلم تمام شده را دوباره به سازمان سینمایی واگذار کرده است، در چنین شرایطی پیگیری مکرر سازنده برای اکران چه دلایل فرامتنی دارد؟ در مورد اشغال‌های دوست‌داشتنی چرا مؤلف و سازمان سینمایی و بسیاری از رسانه‌های اصلاح‌طلب اصرار به اکران فیلم دارند؟

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیئت دولت (در سال ۱۳۹۳) فرمودند: «مسئله فتنه و فتنه‌گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همان‌گونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند»، «چطور به فاصله کوتاهی پس از گرفتن رأی اعتماد وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقایان حیدریان و داروغه‌زاده تلاش می‌کنند دو فیلم با موضوع فتنه اکران شود و با اظهار نظرهای گوناگون سعی در تطهیر هر دو فیلم دارند؟ اگر عصبانی نیستیم و اشغال‌های دوست‌داشتنی دیگر رنگ و بوی فتنه ندارد چرا اصرار به اکران هر دو فیلم دارند؟ اگر هر دو فیلم رنگ و بوی فتنه ندارد، در سالن اصلی وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی اکران شود تا دو مدیر سینمایی در آزمون راستی‌آزمایی مقابل اصحاب رسانه، قرار بگیرند.

منبع: خبرگزاری تسنیم

ماه ۱۳۹۲ گفتگویی را با یکی از پایگاه‌های خبری انجام داده است و در این گفتگو به‌عنوان یکی از اعضای شورای پروانه ساخت و تخلف رضا درمیشیان، سازنده فیلم عصبانی نیستیم را عیان می‌کند.

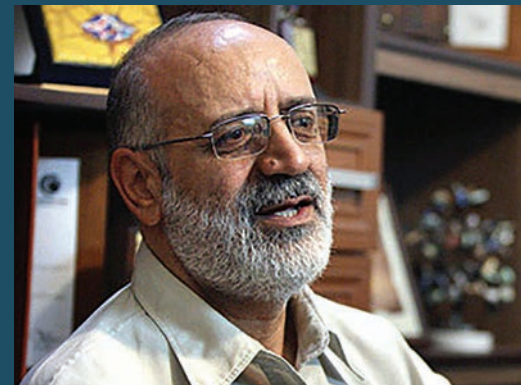
شورچه در این گفتگو اشاره می‌کند: «در فیلمنامه، هیچ نشانه‌ای از نگرش‌ها و تمایلات سیاسی شخصیت اصلی و اینکه از فعالان فتنه ۸۸ و دانشجوی ستاره‌دار بوده وجود نداشت. در برخی مواقع ما به تهیه‌کنندگان و کارگردان اعتماد می‌کنیم و پروانه ساخت را صادر می‌کنیم، آنها هم قول می‌دهند که رعایت کنند. البته این موارد صورت جلسه می‌شود و در پرونده فیلم باقی می‌ماند. احتمال قریب به یقین در خصوص این فیلم هم تذکرات لازم داده شده و آنها قول داده‌اند حذف یا تعدیل خواهند کرد، در حالی که همان‌طور که دیدید روایت این فیلم در یک بستر کاملاً سیاسی حرکت می‌کند و اتفاقاً تمام مشکلات و معضلاتی که این جوان با آن روبه‌رو شده است به‌خاطر اخراجش از دانشگاه به دلیل فعالیت‌های سیاسی در اوج فتنه سال ۸۸ می‌باشد.

طبق اظهارات عضو شورای پروانه ساخت و نمایش، مهمترین چالش بزرگ در مورد فیلم «عصبانی نیستیم» این است که سازنده مرتکب تخلف نظارتی شده و شورای پروانه ساخت و نمایش را فریب داده است. فیلم ساخته شده و نسخه اصلی فیلم که به بازجویی‌های جعلی و برخوردهای دروغین با نیروهای فعال جنبش سبز اشاره دارد، در جشنواره‌های جهانی متعددی نمایش داده شده است، یعنی کارگردان بدون داشتن پروانه نمایش دست به این اقدام زده است، حالا سؤال این است که چطور این تخلف سیاسی — امنیتی کارگردان مشمول زمان می‌شود؟

ابراهیم داروغه‌زاده در گفتگوی اخیرش به این مسئله اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی از این فیلم‌ها به علت مسائل روز سیاسی دچار مشکل شدند، بعضی نیز به‌خاطر سوء تفاهماتی که به وجود آورده بودند یا برداشت‌هایی که از آن فیلم‌ها می‌شود؛ البته با گذشت زمان خیلی از مشکلات خود به خود حل شدند. آیا تخریب چهره سیاسی ایران با فیلم «عصبانی نیستیم» در جشنواره‌های جهانی سوء تفاهم است یا تخلف مقرراتی؟

اما قبل از انجام این تصمیمات توسط داروغه‌زاده، بر اساس برخی از نجواها در راهروهای ارشاد، مسئله سه ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری شنیده می‌شد که وزارت ارشاد به دنبال جایگزینی برای حبیب ایل‌بیگی است که استعداد رفع توقیف فیلم‌های سیاسی را داشته باشد و بتواند رسانه‌ها و افکار عمومی را مهار کند. از سوی دیگری میان این نجواها شنیده می‌شد که به امیر یوسفی (کارگردان اشغال‌های دوست‌داشتنی با موضوع فتنه ۸۸) و درمیشیان وعده داده شده بود که آثار این دو سینماگر پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶ به نمایش درخواهد آمد.

داروغه‌زاده در وعده‌های رسانه‌ای چندپهلویی در مورد این دو فیلم خاص اشاره می‌کند نسخ اصلاح شده، رنگ و بوی سیاسی ندارند. با در نظر گرفتن شنیده‌ها کاملاً مشخص است که نمایش فیلم‌هایی که مبنای دراماتیک آنها بستری کاملاً سیاسی و مرتبط با فتنه ۸۸ دارد، حذف زمان رویدادها تقریباً غیر ممکن است



توقیف فیلم، مدت‌ها به مسئله رسانه‌های اصلاح‌طلب تبدیل شد.

از سوی دیگر ابراهیم داروغه‌زاده معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در نخستین گفتگوی تفصیلی‌اش پس از انتصاب، وعده رفع توقیف برخی آثار سینمایی را مطرح کرد و اواخر هفته گذشته در گفتگویی رسمی با خبرگزاری صداوسیما خبر از رفع توقیف عصبانی نیستیم (رضا درمیشیان)، اشغال‌های دوست‌داشتنی (محسن امیر یوسفی) خانه دختر (شهرام شاه‌حسینی)، خانه پدری (کیانوش عباری) و پارادیس (علی عطشانی) داد.

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی گفت: تعداد ۱۲ فیلم در کمیته‌ای که به‌دستور آقای صالحی امیری تشکیل شده بود مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه آن پنج فیلم با جلساتی که با تهیه‌کننده و کارگردان آن داشتیم اصلاحات مدنظر و پیشنهادی کمیته را پذیرفتند.

داروغه‌زاده گفت: این پنج فیلم «خانه دختر، خانه پدری، عصبانی نیستیم، اشغال‌های دوست‌داشتنی و پارادیس» هستند که همگی مجوز نمایش گرفتند و به‌زودی اکران خواهند شد.

به‌غیر از اشغال‌های دوست‌داشتنی چهار فیلم دیگر، با سیاق فعالیت جعفر پناهی و محسن مخملباف ساخته شده‌اند، یعنی مؤلفان این آثار، فیلمنامه دیگری را به ارشاد ارائه کرده‌اند و پس از اخذ پروانه ساخت، فیلم دیگری ساخته‌اند و به وزارت ارشاد ارائه کرده‌اند.

به‌عنوان نمونه در طرح اولیه عصبانی نیستیم که به ارشاد ارائه شده است هیچ اشاره‌ای به رویدادهای سال ۸۸ نشده است. «جمال شورجه» در ۲۷ بهمن



اکران و تحلیل فیلم های کوتاه «سکوت» و «نسبت خونی» در پاتوق فیلم برداشت کوتاه



تقدیر از نوید آقایی در دهمین پاتوق فیلم برداشت کوتاه توسط جمعی از هنرمندان



اکران اختصاصی فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» ویژه هنرمندان خراسان شمالی به گزارش سوره سینما، در برنامه برداشت کوتاه خانه فیلم سازان خراسان شمالی روز چهارشنبه ۱۹ مهرماه فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» برای هنرمندان این استان اکران شد.

«خنده بابک» آماده نمایش شد

فیلم کوتاه «خنده بابک» از تولیدات حوزه هنری استان اردبیل با سپری کردن مراحل تولید آماده نمایش شد.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری استان اردبیل، فیلم کوتاه داستانی «خنده بابک» به نویسندگی و کارگردانی همایون زاده کارگردان جوان حوزه هنری آخرین مراحل تولید را سپری کرده و آماده نمایش شد.

این فیلم ۷ دقیقه ای با بازی رامین جهانگیر زاده و رافت محمد جعفرزاده، تصویر برداری: رامین فرزانه، صداپردازی: بهنام اسدالهی و تدوین: رضا جمالی و همایون زاده با تهیه کنندگی حوزه هنری استان اردبیل تولید شده است.

«خنده بابک» در قالب سرفصل کودک، خانواده و اخلاق و با موضوع تکریم جایگاه والدین در زندگی فرزندان تولید شده است.



راهیابی سه فیلم از حوزه هنری اصفهان به بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی مسیر عشق



سه فیلم مستند از تولیدات حوزه هنری استان اصفهان به بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی مسیر عشق راه یافت یافت.

به گزارش سوره سینما، اسامی و مشخصات این سه فیلم بدین شرح است:

فیلم «اشک‌های آسمانی». کارگردان: سید مصطفی شیرزادی. تهیه‌کننده: فرزانه معظم. مدیر تولید: سعید قندی. صدابردار: مهدی آردانه. عکاس: روح‌اله توکلی.

فیلم «تبرک». کارگردان: سید مصطفی شیرزادی. تهیه‌کننده: فرزانه معظم. مدیر تولید: حسین عباسی. عکاس: صادق نادری. تصویربردار: سید مصطفی شیرزادی. صدابردار: مهدی آردانه.

فیلم «دستان کوچک من». کارگردان: سید مصطفی شیرزادی.

تهیه‌کننده: فرزانه معظم. مدیر تولید: علیرضا حسین زاده. تصویربردار: سید مصطفی شیرزادی - صادق نادری. صدابردار: مهدی آردانه. عکاس: روح‌اله توکلی.



یک جایزه و شش حضور جهانی برای انیمیشن «تماشاچی» ساخته محسن باقری دستگردی

انیمیشن تماشاچی در ادامه موفقیت‌های بین‌المللی خود این بار توانست دیپلم افتخار شجاعت از نهمین جشنواره بین‌المللی TOFUZI گرجستان را دریافت نماید.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری، تماشاچی محصول مشترک ایران و دانمارک است و تهیه‌کنندگان آن لقمان قاسمی، محسن باقری دستگردی و شرکت VEST PRODUKTION دانمارک است. تماشاچی تصویر آدم‌های جامعه‌ای را نشان می‌دهد که تفاوت‌ها را نمی‌پذیرند و به دنبال نابودی این تفاوت‌ها هستند. انیمیشن تماشاچی به بخش مسابقه شش جشنواره ملی و بین‌المللی دیگر چون یازدهمین جشنواره Kinofest رومانی، نهمین جشن مستقل انیمیشن سینمای ایران، دومین جشنواره International Short Film Festival Kalmthout بلژیک، اولین جشنواره Celtic Animation Film Competition انگلیس، اولین جشنواره Cardiff International Film Festival انگلیس، اولین جشنواره The Animattikon Project قبرس راه یافته است. نهمین جشنواره بین‌المللی TOFUZI گرجستان از ۲ تا ۱۷ اکتبر در شهر باتومی برگزار شد.

مهدی حسن زاده برترین مدیر امور سینمایی سینماهای حوزه هنری کشور شد



در پنجمین نشست سراسری مدیران امور سینمایی حوزه هنری کشور با حضور رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری و ۱۹ استان کشور در سمنج برگزار شد مهدی حسن زاده برترین مدیر امور سینمایی سینماهای حوزه هنری کشور شد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری، در پنجمین ارزیابی موسسه بهمن سبز حوزه هنری مهدی حسن زاده سامانی مدیر امور سینمایی استان چهارمحال و بختیاری به عنوان مدیر امور سینمایی برتر کشور با همراه استان‌های زنجان و کرمانشاه انتخاب شد. ارزشیابی مدیران برتر سینمایی حوزه هنری از سوی موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز حوزه هنری با توجه به اقدامات و پیشرفت‌های سینماهای استان‌ها صورت می‌گیرد و در نشست سالیانه این موسسه با مدیران سینماهای کشور برترین مدیران معرفی می‌شوند. سینما بهمن شهر کرد تنها سینمایی فعال حوزه هنری استان چهارمحال و بختیاری است که با برنامه ریزی‌های دقیق در چند سال اخیر توانسته فیلم‌های به روز سینمای کشور را هم‌زمان با تهران اکران کند و با استقبال خوب هم مردم استان روبه‌رو شود. مهدی حسن زاده مدیر سینما بهمن شهر کرد از هنرمندان موسیقی و تئاتر استان است که با دیدگاه هنری توانسته مخاطبان بیشتری را به دیدن فیلم در سینما بهمن دعوت کند.

پنجمین نشست سراسری مدیران امور سینمایی حوزه هنری کشور با حضور رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری و ۱۹ استان کشور از ۱۹ مهر الی ۲۱ مهر در سمنج برگزار شد.

وحید نمازی: ایجاد خانه هنرمندان استان منتظر تصمیم شورای شهر بجنورد



ایجاد خانه هنرمندان استان منتظر تصمیم شورای شهر بجنورد است. به گزارش سوره سینما، رئیس حوزه هنری استان گفت: خانه هنرمندان بعد از یک سال پیگیری و طرح در جلسات شورا طبق قول شفاهی رئیس کمیسیون فرهنگی شورا راه اندازی می شود. «نمازی» افزود: طبق قول شفاهی رئیس کمیسیون فرهنگی مطرح شود و مصوبه شورای جدید را دریافت کند. به شد این مسئله در تازه ترین جلسه کمیسیون فرهنگی مطرح شود و مصوبه شورای جدید را دریافت کند. به گزارش خبرنگار ما، ایجاد خانه هنرمندان استان، سال گذشته نیز مصوبه شورای شهر بجنورد را دریافت کرده بود و با وجود این که ایرادات موجود در نوع تفاهم نامه بین حوزه هنری و شهرداری برطرف و نامه مجدداً به فرمانداری ارسال شد، اما با گذشت یک سال راه اندازی آن باز هم منوط به جلسه شورا است. خانه هنرمندان به منظور تعامل بیشتر بین هنرمندان و ساماندهی فعالیت های فرهنگی و هنری تشکیل می شود.

اکران و تحلیل فیلم های کوتاه «انیمیشن One Man Band» و «شوک» در برداشت کوتاه به گزارش سوره سینما دو فیلم کوتاه خارجی در برنامه هفته پاتوق فیلم (سه شنبه ۱۸ مهرماه) ساعت ۱۸ در سالن سوره حوزه هنری خراسان شمالی نمایش داده شد.



همزمان با هفته دفاع مقدس
صورت گرفت
اکران فیلم های «ملاقات شیشه ای» و «نیستان» در پاتوق فیلم
برداشت_کوتاه



Money & Porn

پول و پورن ^{مستند}

تدوین و کارگردانی: مهدی نقویان

مشاور کارگردان: حسین نقویان نویسنده: مهدی فیاضی کیا گوینده متن: حسین بیگی
تصویر بردار: مریم حسن نیا صداگذار: پیمان توسلی مدیر تولید: محمدرضا آزادخاطر

تهیه شده در: مرکز مستند سوره



موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.



ویلاپی ها

کارگردان: منیر قیدی
تهیه کننده: سعید ملکای

فیلم
سینمایی

طناز طباطبایی / پریناز ایزدیار / ثریا قاسمی / صابر ابر / اناهیتا افشار / علی شادمان / گیتی قاسمی / فریماه کهنمویی

Farima Kahanmoei

Gita Ghasemi

Ali Shadman

Anahita Afshar

Saber Abar

Soraia Ghasemi

Parinaz Izadiar

Tanaz Tabatabaei



نویسندگان: منیر قیدی، ارسلان امیری / طرح صحنه: مهدی موسوی / طراحی لباس: مه لساناقد / چهره‌پرداز: سعید ملکای
تدوینگر: بهرام دهقان / مدیر فیلمبرداری: علی قاضی / صدایگر: رشید دانشمند / صداکنار: امیرحسین قاسمی
عکاس: امیرحسین شجلی / موسیقی: ستار لوزکی / مجری طرح: محمدرضا منصوری / جلدبندی: وژه بصری: مهدی قاسمی